



سرمقاله
چاه ویل هسته‌ای

از برملا شدن برنامه اتمی مخفی جمهوری اسلامی بیش از دو دهه می‌گذرد. اعلام رسمی آن اما نخستین بار توسط حجت‌الاسلام محمد خاتمی، رییس جمهور وقت، در ۲۰ بهمن ۸۱ (۹ فوریه ۲۰۰۳) به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی صورت گرفت. در آن روز خاتمی «مژده»ی تهیه‌ی سوخت هسته‌ای توسط متخصصان ایرانی را داد و آنچه را مرتب انکار می‌شد، تایید کرد. این مژده در واقع به نظام و بنیانگذارش خمینی بود که وقتی مجبور به نوشیدن جام زهر در جنگ ایران و عراق شد، در نامه‌ای توجیهی به سران لشکری و کشوری در تیرماه ۶۷ نوشت که وی آتش‌بس را با «چشمی خونبار» می‌پذیرد تا زمانی که جمهوری اسلامی برای «عملیات انهدامی و مقابله به مثل» بعد از «پایان سال ۷۱» دارای «۳۵۰ تیب پیاده و ۲۵۰۰ تانک و ۳۰۰۰ توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلی کوپتر ... که از ضرورت‌های جنگ در آن موقع است» باشد.

آن «سه نقطه» که در متن می‌بینید، به جای سلاح‌های نامتعارف نشست و آغاز کردن چاه ویل هسته‌ای است تا ایران با سر درون آن بیفتد. این نامه را رفسنجانی در مهرماه ۸۵ منتشر کرد. پس از انتشار اما سانسور و به جای کلماتی که اشاره به تسلیحات شیمیایی و اتمی داشت، «سه نقطه» گذاشته شد. البته معلوم نیست خمینی بر چه اساسی به «پایان سال ۷۱» برای «جنگ در آن موقع» اشاره کرده است. ولی هر چه بود، تاریخی بس ساده‌انگارانه برای تهیه‌ی تسلیحات اتمی بود.

حالا پس از تقریباً سی سال از آن نامه، طوق لعنت برنامه‌ی هسته‌ای رژیم حنابا «برجام» نیز همچنان بر گردن کشور آویخته است. مهم‌ترین دلیل آن را نه در برنامه‌ی هسته‌ای بلکه در سیاست‌ها و اهدافی باید جست که این برنامه فقط یک وسیله برای رسیدن به آنها به شمار می‌رود. سال‌ها «دیالوگ انتقادی» از سوی تروویکای اروپا شامل انگلستان و فرانسه و آلمان با رژیم ایران نهایتاً به این نتیجه رسید که بدون مشارکت آمریکا هیچ توافقی امکان‌پذیر نیست. بعد هم که نمایندگان دولت آمریکا به مذاکرات پیوستند و سرانجام در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به اصطلاح «برجام» اعلام شد، تا این روزها که دو سال از آن می‌گذرد، «پسابرجام» در حال تبدیل شدن به «پیشابرجام» است! مسئله بر سر این نیست که برجام چه می‌شود و کدام یک از طرفین به آن پایبند هست یا نیست. بلکه درست مانند سال‌ها بحث و تحلیل و مذاکره «برای توافق هسته‌ای» حالا ظاهراً وارد فاز سال‌ها بحث و تحلیل و مذاکره برای «پایبندی به توافق هسته‌ای» شده‌ایم!

جمهوری اسلامی در کندن این چاه ویل جلوی پای ایران اگر به سلاح اتمی نرسید، در عوض جیب روس‌ها و قاچاقچی‌های داخلی و خارجی را پر کرد، بر پایگاه‌های آمریکایی دورتادور ایران افزود، به فروش تسلیحات بازرگانی غربی به کشورهای منطقه یاری رساند و... به این ترتیب این چاه هسته‌ای برای همه، بجز مردم ایران و منطقه، سودآور است بدون اینکه نهایتاً یک عدد بمب ناقابل هم تولید شود!

دولت آینده، اعتدال بدون امید

- در صورت تایید وزرای پیشنهادی روحانی ما شاهد تقویت محور ظریف-زنگنه در دولت دوازدهم خواهیم بود
- شریک اصلی روحانی در چهار سال آینده نه محمد خاتمی یا محمدرضا عارف بلکه علی لاریجانی خواهد بود
- روحانی به جای وزیر زن، سه معاون و دستیار زن منصوب کرد و به جای وزیر پاسدار یک ارتشی را برای وزارت دفاع پیشنهاد کرد



کنفرانس هسته‌ای در تهران - ۲۵ آوریل ۲۰۰۶

تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

منع ادامه تحصیل دیپلمه‌های مشمول در خارج از کشور:
چشم‌انداز یک جنگ احتمالی یا کیسه‌ی خالی نهادهای حکومتی



تا اوایل سال ۱۳۹۰ مشمولان خدمت سربازی چه آنها که غیبت داشتند و چه آنها که غیبت نداشتند، با هر مدرک تحصیلی تا روشن شدن تکلیف خدمت سربازی تحت هیچ شرایطی اجازه‌ی خروج از ایران را نداشتند. در صفحه ۲

بر اساس مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی (سه‌شنبه ۱۷ مرداد ۹۶)، ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی اصلاح شد و مشمولان دیپلمه برای ادامه تحصیل نمی‌توانند به خارج از کشور بروند و فقط به مشمولان کارشناسی و بالاتر مجوز خروج داده می‌شود.

لیبی؛ مقابله‌ی سکولاریسم با اسلام‌گرایی

در صفحه ۱۶

در این شماره می‌خوانید:

- صفحه ۳ روحانی: شرّ مطلق در دامان امیر خاتمی
- صفحات ۸ و ۹ «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۲ ● دو قرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۳۱) - احمد احرار
- صفحه ۱۳ ● دموکراسی آپارتاید - داریوش همایون
- صفحه ۱۴ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۵ ● خاطرات اردشیر زاهدی (۲)
- صفحه ۱۶ ● مبارزه با زمین‌خواران پر زور آسان نیست
- صفحه ۳۳ ● نیوزویک: همکاری نظامی ایران و آمریکا علیه داعش، این بار در لبنان!
- صفحه ۴ ● لیست وزرای پیشنهادی کابینه دوازدهم به مجلس شورای اسلامی ارائه شد
- صفحه ۵ ● غم‌های شه‌ریور - رضامقصدی
- صفحه ۶ ● گفتگوی یوسف مصدقی با دکتر رامین جهانگللو: سیاست، هنر ساماندهی جامعه است
- صفحه ۷ ● وزیر دفاع پیشنهادی حسن

مسابقات جهانی دوومیدانی لندن:
سومین طلای مو فرح و شکست یوسین بولت

پر سپولیس و استقلال ۳۲۹ میلیارد تومان بدهی دارند

اکرم محمدی، قهرمان اسنوکر دختران ایران شد

سایپا قهرمان شطرنج باشگاه‌های آسیا
 بیش از پنج هزار نفر در نوبت اعدام

دستگیری ۶۴ دختر و پسر در «استخر پارتی» در اصفهان

۴۰ درصد طلاق زوج‌های تهرانی پنج سال پس از ازدواج

در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

دولت آینده، اعتدال بدون امید

- در صورت تایید وزرای پیشنهادی روحانی ما شاهد تقویت محور ظریف - زنگنه در دولت دوازدهم خواهیم بود
- شریک اصلی روحانی در چهار سال آینده نه محمد خاتمی یا محمدرضا عارف بلکه علی لاریجانی خواهد بود
- روحانی به جای وزیر زن، سه معاون و دستیار زن منصوب کرد و به جای وزیر پاسدار یک ارتشی را برای وزارت دفاع پیشنهاد کرد

حسن روحانی فهرست وزرای کابینه جدید خود را تقدیم مجلس کرد. بررسی این فهرست که هنوز در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار ندارد و باید از صافی رای اعتماد نمایندگان عبور کند، می‌تواند به درک موقعیت پیچیده سیاسی کشور و عملکرد دولت در چهار سال آینده کمک کند. در تدوین این فهرست، حجت‌الاسلام حسن روحانی تنها با نزدیکان و مشاوران خود در حزب اعتدال و توسعه تبادل نظر نکرده است. این فهرست حاصل بده و بستان‌های رئیس‌جمهور با علی خامنه‌ای، علی لاریجانی، مراجع تقلید با نفوذ در قم، سرداران سپاه، جناح‌های اصول‌گرا و محمد خاتمی است. این فهرست البته حاوی پیام‌هایی برای جامعه بین‌المللی و صحنه سیاست داخلی نیز هست.

تقویت محور ظریف - زنگنه

محمدرضا ظریف و بیژن نامدار زنگنه در چهار سال گذشته سیاست خارجی نظام را پیش بردند و با توجه به حضور آنها در فهرست دولت آینده می‌توان نتیجه گرفت که در چهار سال آینده نیز این وظیفه بر عهده آنها خواهد بود. اگرچه در چهار سال گذشته چهره‌های اصول‌گرا و برخی از سرداران سپاه این دو وزیر را حتی متهم به «خیانت» کردند، ولی با توجه به عدم وتوی علی خامنه‌ای، می‌توان به این نتیجه رسید که هر دو همچنان از حمایت بیت رهبری برخوردار هستند.

در کابینه آینده، در صورتی که وزرای فهرست ارائه شده حسن روحانی بتوانند رای موافق مجلس شورای اسلامی را به دست آورند، ما شاهد تقویت محور ظریف - زنگنه خواهیم بود.

دو تن از وزرای جدید کابینه آینده چون محمد شریعتمداری و مسعود کرباسیان، اگرچه هر دو به اصول‌گرایان نزدیک‌اند ولی از پشتیبانان گسترش همکاری اقتصادی جمهوری اسلامی با جامعه بین‌المللی و به ویژه غرب هستند و این محور را تقویت می‌کنند.



محمد شریعتمداری در سال‌هایی که در دولت حجت‌الاسلام محمد خاتمی حضور داشت، تلاش‌های بسیاری در جهت گسترش روابط اقتصادی جمهوری اسلامی با کشورهای غربی انجام داد. مسعود کرباسیان که برای ریاست بر وزارت اقتصاد معرفی شده، تا کنون ده‌ها مقاله در رابطه با لزوم ورود اقتصاد ایران به جامعه جهانی نوشته است. محمد شریعتمداری، کاندیدای وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با وجود گذشته امنیتی‌اش، از بانیان پذیرش جمهوری اسلامی به عنوان عضو ناظر در سازمان تجارت جهانی به حساب می‌آید. این دو وزیر پیشنهادی نیز چون محمدرضا ظریف و بیژن نامدار زنگنه از حمایت علی خامنه‌ای برخوردار هستند که در مراسم تنفیذ از دولت آینده خواست در چهار سال آینده سیاست «تعامل گسترده با دنیا» را پیش گیرد. البته این تقاضا یا توصیه در حالیهست که علی خامنه‌ای

در گذشته بارها با «سیاست تعامل با دنیا» مخالفت کرده بود.

پیام جمهوری اسلامی و دولت دوازدهم با چنین تیمی، به جهان و به ویژه کشورهای غربی، نیت گسترش روابط به ویژه در زمینه همکاری‌های اقتصادی است. پیامی که بعد از انتخابات و قبل از اعلام نام کاندیداهای دولت آینده، از سوی محمدرضا ظریف و بیژن نامدار زنگنه به مخاطبان خارجی رسانده شده بود.

انزوی اصلاح‌طلبان

فهرست وزرای معرفی شده برای دولت دوازدهم، حاوی چند پیام داخلی نیز هست. پیام اول برای اصلاح‌طلبان است. عدم حضور افرادی چون علی یونسی و محمدعلی جعفری در کابینه آینده، تنها دلیل دلسردی اصلاح‌طلبان که از حسن روحانی در انتخابات با تمام قوا حمایت کردند، نیست. با وجود مشورت‌های حسن روحانی با محمد خاتمی در جریان آماده ساختن فهرست وزرا، پوشیده نیست که اصلاح‌طلبان نتوانستند حتی برکناری برخی از وزرای دولت یازدهم را به رئیس‌جمهور یقبولانند.

نام عبدالرضا رحمانی فضلی در فهرست پیشنهادی روحانی، که اصلاح‌طلبان حذف او را از جمله شرایط پشتیبانی خود از حسن روحانی قرار داده بودند، به وضوح نشان می‌دهد که شریک اصلی رئیس‌جمهور در چهار سال آینده محمد خاتمی یا محمدرضا عارف نخواهند بود. در چهار سال آینده بیش از چهار سال قبل، حسن روحانی به علی لاریجانی به عنوان شریک اصلی خود نگاه خواهد کرد.

غیبت نیمی از جامعه در دولت

پیامی که این فهرست برای رای دهندگان دارد نیز نگران‌کننده است. بر خلاف انتظار حامیان حسن روحانی، در دولت آینده نیز نام هیچ زنی به عنوان وزیر به چشم نمی‌خورد. منابع نزدیک به حسن روحانی این



پشتیبانی از نیروهای مسلح، اگرچه با توجه به ساختار نظامیان و شبه‌نظامیان در جمهوری اسلامی نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای ندارد، ولی به نوعی به چند دهه حضور سرداران سپاه در این مقام پایان می‌دهد. برای این گزینه دلایل متفاوتی در محافل سیاسی داخل کشور ارائه می‌شود. هواداران حسن روحانی انتخاب یک ارتشی را تلاشی برای کاستن از قدرت سپاه می‌دانند، در حالی که مخالفان دولت می‌گویند سپاهیان حاضر به حضور در دولت آینده، در پیامدهای حملات لفظی رئیس‌جمهور به سرداران، نبودند.

البته نظریه سومی هم وجود دارد. برخی کارشناسان معتقدند حضور یک مقام ارتش در دولت آینده بی‌ربطه با افزایش تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا و متحدین‌اش در منطقه نیست. در صورتی که این تنش‌ها به نوعی درگیری منجر شود، ارتش باید نقش برجسته‌تری را عهده‌دار شود و حضور یک وزیر ارتشی می‌تواند در این زمینه موثر باشد. نیز در هاروارد بعنوان استاد میهمان

احمد رأفت

منع ادامه تحصیل دیپلمه‌های مشمول در خارج از کشور:

چشم‌انداز یک جنگ احتمالی یا کیسه‌ی خالی نهادهای حکومتی

- مشمولان دیپلم دیگر حتی با پرداخت وثیقه اجازه خروج از کشور برای ادامه تحصیل را نخواهند داشت.
- سازمان نظام وظیفه می‌گوید مشمولان به قصد «تفریح» و «سیاحت» با پرداخت وثیقه مشکلی برای خروج ندارند.

این کارت فقط در زمان صلح می‌باشد، چگونگی انجام خدمت (دوره ضرورت، احتیاط و ذخیره) در زمان جنگ یا بسیج همگانی تابع مقررات مربوطه خواهد بود. این یعنی حتی آنهایی که کارت پایان خدمت دارند در شرایط اضطراری به صورت اجباری به عنوان نیروی ضروری، یا احتیاط و ذخیره احضار می‌شوند بنابراین ممنوع‌الخروج شدن دیپلمه‌ها برای ادامه تحصیل، ارتباط زیادی به یک جنگ احتمالی ندارد. تاکید نمایندگان هم که موافق اصلاح این ماده بودند، بر این بود که شرایط نظام آموزشی در ایران و تنوع رشته‌های تحصیلی ارائه شده در دانشگاه‌های داخلی برای آنهایی که دیپلم دارند تا مقطع فوق دیپلم و لیسانس خوب است و نیازی به دادن امتیاز به مشمولینی که می‌خواهند در خارج تحصیل کنند نیست.

همچنان که سیدحسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی در موافقت با این لایحه گفته بود «اعطای معافیت یک امتیاز است و جمهوری اسلامی باید این امتیاز را فقط به کسانی بدهد که مدرک کارشناسی و بالاتر دارند [چون] سطح آموزشی داخل کشور بسیار مناسب است و مشمولان دیپلمه بهتر است که در داخل درس بخوانند».

اما دو سه روز پس از تغییر جدید در ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی، رئیس‌اداره سرمایه‌انسانی سرباز ستاد کل نیروهای مسلح رسماً اعلام کرد که «مشمولان دارای مدرک دیپلم اگر غیبت نداشته باشند می‌توانند برای تفریح، زیارت یا دریافت مجوز موقت خروج، از کشور خارج شوند، اما امکان ادامه تحصیل‌شان در خارج از کشور وجود ندارد».

ابعاد موثر اما پنهان این قانون کدام است؟

در چنین شرایطی چه دلیلی برای اصلاح این قانون وجود داشت؟ چند پاسخ برای این پرسش وجود دارد. مجموع هزینه تحصیل در مقطع کارشناسی در بسیاری از دانشگاه‌های غیردولتی خارج از ایران اگر کمتر نباشد، بیشتر هم نیست. به ویژه تحصیل در بعضی رشته‌های دانشگاهی کشورهای مثل مالزی، هند و یا کشورهای شرق اروپا از دانشگاه‌های غیردولتی ایران به مراتب باصرفه‌تر است و چند سالی است که دانشگاه‌های غیردولتی ایران در بعضی رشته‌ها با کمبود دانشجو و در نتیجه کاهش درآمد روبرو هستند. این موضوع به ویژه برای دانشگاه آزاد مهم است که پس از مرگ رفسنجانی از دست فرزندان و دوستان او خارج شده و علی‌اکبر ولایتی با حکم علی خامنه‌ای رییس هیات امناء آن شده و نباید کارش کساد شود.

از سوی دیگر افزایش شمار مشمولان غایب (دیپلم و غیردیپلم) سازمان نظام وظیفه‌ی عمومی را پلان‌تکیف کرده است. قیمت خرید سربازی برای دیپلم‌ها و زیردیپلم‌ها ۱۵ میلیون تومان است یعنی برابر با میزان وثیقه‌ی خروج موقت از کشور. برخی از مشمولان با حساب اینکه تحت هر شرایطی چه باغیبت و چه بدون غیبت با پول از خدمت خلاص می‌شوند نه به خدمت می‌رفتند و نه پولش را می‌دادند. سازمان نظام وظیفه بارها تهدید کرده بود غایبین با محرومیت‌های اجتماعی از جمله عدم دریافت گذرنامه، عدم دریافت مجوز خروج از کشور و استخدام رسمی در دستگاه‌های اجرایی روبرو خواهند شد و حالا بخشی از آن با حذف کلمه «خارج» در مصوبه‌ی قانون معافیت تحصیلی به اجرا در می‌آید تا بلکه آنهایی که قصد تحصیل یا خروج دارند، چه با شهریه و چه با وثیقه، خزانه‌ی دانشگاه و دولت را پر نکنند.

برزو فارسی

دارای مدرک کارشناسی و بالاتر علاقمند به تحصیل در خارج از کشور در صورتی که از نظر مقررات این قانون و وزارتخانه‌های علوم و بهداشت، حائز شرایط ادامه تحصیل در خارج از کشور باشند و دانشگاه‌ها و رشته‌های آنها مورد تأیید وزارتخانه‌های فوق باشد، می‌توانند با سپردن تضمین‌های لازم اوثیقه با استفاده از مقررات این قانون برای تحصیل به خارج از کشور مسافرت کنند. خلاصه این‌که مشمولین خدمت سربازی با هر مدرک تحصیلی، اگر قصد در تحصیل خارج از کشور داشتند با سپردن وثیقه که کمترین آن ۱۵ میلیون تومان بود مجوز خروج می‌گرفتند. این لقمه چرب و نرم به مذاق دولت و سازمان نظام وظیفه بسیار شیرین آمد و به تدریج بحث خروج از کشور فقط برای تحصیل کم‌رنگ شد و خروج برای «درمان» و «زیارت» و «سیاحت» هم به آن اضافه شد.

آنهایی هم که غیبت داشتند بعد از چند ماه مشکل‌شان حل می‌شد، جریمه آن را می‌دادند و خلاص می‌شدند. حتی گزارش‌ها حاکی از آن بود، آن دسته مشمولینی که غیبت داشتند، دوره‌ی سه ماهه‌ی آموزشی را در یک پادگان می‌گذراندند و حین خدمت وثیقه می‌گذاشتند و از کشور خارج می‌شدند. در این بین کم‌نیستند آنهایی که وثیقه را دادند، مجوز خروج گرفتند، قید ۱۵ میلیون تومان وثیقه را هم زدند و دیگر پشت سرشان را هم نگاه نکردند.

این روال در دولت حسن روحانی هم ادامه یافت. کار به آنجا رسید که بهمین سال ۱۳۹۴ اعلام شد دانش‌آموزانی که دیپلم یا پیش‌دانشگاهی خود را قبل یا «بعد از ورود به سن مشمولیت» در داخل کشور اخذ کردند هم می‌توانند ادامه تحصیل دهند. یعنی بخشی از آنها هم که غیبت داشتند گره از کارشان باز شد و با پرداخت وثیقه خلاص می‌شدند.



البته یادآوری می‌شود آنهایی که با این تبصره‌ها از ایران خارج می‌شدند چون «کارت پایان خدمت» نداشتند همچنان بعد از پایان تحصیل یا بعد از بازگشت به ایران دوباره ممنوع‌الخروج می‌شدند.

آغاز ابهامات، پرسش‌ها و نگرانی‌ها

حالا ممنوعیت خروج برای مشمولان دیپلم که قصد تحصیل در خارج از کشور را دارند، سوال برانگیز شده است. چه دلیلی وجود دارد که چنین تغییری در این مقطع مطرح شود، آیا با توجه به شرایط رژیم ایران و افزایش تهدیدهای آمریکا به دلیل آزمایش‌های موشکی سپاه، احتمال یک درگیری نظامی وجود دارد؟ آیا پادگان‌ها خالی از سرباز است؟

اما ساختار نظام وظیفه در ایران به نحوی است که دست مشمولان و نهادهای مربوطه برای پر کردن پادگان‌ها آن هم به صورت اجباری باز است. برای نمونه، پشت کارت پایان خدمت تمامی افرادی که خدمت نظام وظیفه را گذرانده‌اند قید شده «اعتبار

بر اساس مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی (سه‌شنبه ۱۷ مرداد ۹۶)، ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی اصلاح شد و مشمولان دیپلمه برای ادامه تحصیل نمی‌توانند به خارج از کشور بروند و فقط به مشمولان کارشناسی و بالاتر مجوز خروج داده می‌شود. تا اوایل سال ۱۳۹۰ مشمولان خدمت سربازی چه آنها که غیبت داشتند و چه آنها که غیبت نداشتند، با هر مدرک تحصیلی تاروشن شدن تکلیف خدمت سربازی تحت هیچ شرایطی اجازه‌ی خروج از ایران را نداشتند. در ایران اگر زنان برای دریافت پاسپورت به اجازه کتبی شوهر، پدر یا قیم قانونی نیاز دارند، مردان هم برای دریافت آن با محدودیت سربازی روبرو هستند.

به طور کل سپران در ایران یک سال قبل از رسیدن به سن قانونی ممنوع‌الخروج می‌شوند. آنهایی هم که پاسپورت ندارند، برای دریافت آن حتماً باید یا کارت پایان خدمت یا معافیت از خدمت سربازی داشته باشند.

در دولت دوم محمود احمدی‌نژاد، با افزایش تحریم‌های اقتصادی کفگیر دولت به ته دیگ خورد و هر تلاشی می‌کرد تا بار اضافه مخارج را از دوش خود بردارد. یکی از عمده‌ترین پول‌هایی که از جیب دولت می‌رفت مخارج پادگان‌ها بود. کسری بودجه آنقدر زیاد بود که ارتش، سپاه و بسیج، و به طور کلی وزارت دفاع، آنچه از دولت دریافت می‌کرد کفاف حقوق پرسنل و مخارج پادگان‌هایش را نمی‌داد. برای کاهش این هزینه‌ها در بسیاری از مراکز ارتش، سربازان وظیفه بعد از اذان ظهر مرخص می‌شدند تا برای ناهار داخل پادگان‌ها نمانند.

از سوی دیگر سرخوردگی ناشی از شرایطی که در دولت نهم و دهم به ویژه در میان جوانان ایجاد شده بود و به طور مستقیم تحت تأثیر فضای سیاسی و اجتماعی بود و همچنین گسترش بحران بیکاری خیلی از تحصیل‌کردگان



به این فکر افتادند بساط خود را جمع کنند و هر جور که هست از ایران بروند. در عین حال دولت با انبوهی از تحصیل‌کردگان مواجه بود که حاضر بودند خدمت سربازی خود را با پول بخرند، اما دو سال، به قول خودشان، وقت خود را در پادگان‌ها هدر ندهند.

قانون جدید چه می‌گوید؟

در شرایطی که مراکز نظامی بی‌پول شده بودند و گروهی هم حاضر بودند با پول نقد شر سربازی را از سر خود باز کنند، با فشار تعدادی از نمایندگان پرنفوذ مجلس «قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی» بررسی و ۲۲ آبان ۱۳۹۰ تصویب شد.

در قانون جدید طبق ماده ۳۵ مشمولین دیپلم که حداکثر یک سال پس از پایان تحصیل در یکی از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل یا خارج از کشور پذیرفته شوند تا زمانی که به تحصیل اشتغال داشتند، مشروط به اینکه غیبت غیرموجه نداشته باشند از معافیت تحصیلی استفاده می‌کنند. ماده ۳۶ نیز تاکید می‌کند مشمولین

وکس: ترامپ می گوید ایران در حال نقض توافق هسته‌ای است، اما این طور نیست



دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا: ایران «روح» توافق را نقض می‌کند

بنابراین آزمایش موشک‌ها در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ احتمالاً دست‌کم به معنی نقض این قطعنامه‌ی سازمان ملل خواهد بود و نه نص صریح آن. ایران می‌گوید، ایالات متحده روح برجام را نقض کرده، کارشناسان موافق‌اند که در یک مورد ترامپ روح این توافق را برآورده نکرده است.

ترامپ دست‌کم از ماه مه کوشیده تا دیگر کشورها را از تجارت با ایران منع کند. اما کارشناسان معتقدند همچنان این اقدامات ترامپ به معنی نقض صریح این توافق نیست. محمدجواد ظریف در ماه ژوئیه در مصاحبه‌ای با فرید زکریا، در سی‌ان‌ان گفت: «آمریکا بخشی از این توافق را اجرا نکرده». او به این واقعیت اشاره کرده که «ترامپ از حضور خود در نشست گروه بیست در هامبورگ بهره گرفته تا رهبران کشورهای دیگر را از وارد شدن به تجارت با ایران باز دارد».

اگر توافق با ایران از بین برود چه اتفاقی می‌افتد؟

از زمان اجرای این توافق، ایران ۹۸ درصد از ذخایر اورانیوم غنی‌شده‌ی خود را که یکی از عناصر کلیدی در ساخت سلاح اتمی است از بین برده است. ۱۳ هزار سانتریفیوژ را که اورانیوم غنی می‌کرد و راکتور هسته‌ای خود در اراک را تخریب کرده و تولید پلوتونیوم را متوقف کرده است.

پیش از طی این مراحل، اغلب کارشناسان برآورد کرده بودند که ایران طی دو یا سه ماه آینده می‌تواند بمب هسته‌ای بسازد. اکنون به لطف این توافق هسته‌ای این زمان به حداقل یک سال افزایش یافته است.

با شکست توافق برجام، ایران بار دیگر می‌تواند این زمان را کاهش دهد. کارشناسان معتقدند که بسیار بعید است ایران و طرف‌های دیگر توافق هسته‌ای برای مذاکره‌ی مجدد تمایلی نشان بدهند. این بدان معناست که این بار گزینه‌های موجود برای توقف برنامه‌ی هسته‌ای ایران به گزینه‌های شدیدتری چون اقدام نظامی محدود خواهد شد.

ترامپ دوست دارد فکر کند که معامله‌گر خوبی است، اما اگر به همین منوال ادامه دهد صرفاً برهم‌زننده‌ی یک معامله خواهد بود.

● ترامپ دوست دارد فکر کند که معامله‌گر خوبی است، اما این طور که پیش می‌رود، برهم‌زننده‌ی یک معامله خواهد بود.

● کارشناسان سازمان انرژی اتمی می‌گویند ایران مطابق با تعهدات خود عمل می‌کند.

دونالد ترامپ به معنای واقعی از توافق هسته‌ای ایران نفرت دارد و می‌خواهد آمریکا را از آن خارج کند و به نظر می‌رسد در حال عملی کردن آن است.

پایگاه خبری وکس می‌نویسد، ماه گذشته ترامپ پس از مباحثه‌ای با بالاترین مقامات امنیت ملی، با اکره پذیرفت که توافق هسته‌ای ایران را برای سه ماه دیگر امضا کند، اما بر اساس آخرین گزارش فارن پالیسی، رییس‌جمهوری در حال جمع‌کردن تیمی در کاخ سفید است تا برای یافتن راهی به او کمک کنند که بتواند مدعی شود ایران در حال نقض این توافق است. او به این طریق می‌تواند بگوید که اشتباه ایران بود که موجب فسخ این توافق شد، نه خود ترامپ.

در این گزارش تاکید شده، تنها مشکلی که وجود دارد این است که کارشناسان گوناگون از جمله سازمان انرژی اتمی، که وظیفه‌ی نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران را بر عهده دارد، می‌گویند ایران مطابق با تعهدات خود عمل می‌کند. بنابراین احتمالاً ترامپ سعی خواهد کرد مدعی شود که ایران «روح» برجام را نقض کرده است و نه مواد آن را. او در این زمینه به آزمایش‌های موشک‌های بالستیک ایران و رفتار تحریک‌آمیز این کشور مانند راه‌اندازی تأسیسات

نیوزویک: همکاری نظامی ایران و آمریکا علیه داعش، این بار در لبنان!



رژه سربازان ارتش لبنان در یک آکادمی نظامی در نزدیکی بیروت، یکم اوت ۲۰۱۷ ارتش لبنان و گروه حزب‌الله رابطه پیچیده‌ای دارند، اما هر دو تلاش کرده‌اند امنیت کشورشان را حفظ کنند

هماهنگی میان ایالات متحده و ایران در مرز لبنان در منافع تاکتیکی، به این معنی است که در عراق، جایی که هر دو کشور منابع گسترده‌ای برای مبارزه با داعش دارند از اختلاف‌های سیاسی صرف نظر کردند. ایالات متحده با تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی برای راه‌اندازی حملات هوایی علیه جبهه‌های نیروهای نظامی همسو و کردهای عراق حمایت کرد و همزمان ایران با حمایت از شبه‌نظامیان مسلمان که اکثریت‌شان شیعه بودند بخش‌های عمده‌ای از خاک سوریه را توانست از تصرف مخالفان اسد آزاد کند.

از طرفی در عراق، ماهیت فرقه‌ای نیروهای درگیر نگرانی‌های مربوط به چگونگی اداره‌ی این کشورها پس از جنگ را افزایش داده است. دولت مرکزی بغداد در حالی به حفظ قدرت سیاسی خود ادامه می‌دهد، که نیروهای حشدالشعبی (بسیج مردمی عراق) از سوی ایران به عنوان یک جناح نظامی سیاسی رسمی فعال است و حتی ممکن است از آنها برای اهدافی نظیر سرکوب کردها برای کسب استقلال استفاده کرد.

در مصاحبه مطبوعاتی خود با سعد حریری نخست‌وزیر لبنان که اواخر ماه گذشته برگزار شد آنها را یک تهدید جدی دانست، اما، به نوشته‌ی نیوزویک، نیروهای حزب‌الله سهم عمده‌ای در مبارزه با داعش داشتند و در ماه‌های گذشته پیروزی‌ها قابل ملاحظه‌ای در سوریه و مرز لبنان به دست آوردند. حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، در یک سخنرانی تلویزیونی به حامیان خود گفت که گروه‌اش بخشی از اراضی نزدیک مرز اردن را در اختیار دارد که به درخواست ارتش سوریه در این مناطق مستقر شده‌اند.

او گفته، مسئولیت عملیات علیه داعش از سوی ارتش لبنان، به کمک آمریکا یا دیگران احتیاجی ندارد. همچنان که بعد از پیروزی در منطقه‌ی عرسال مدعی شد که این موفقیت به دلیل کمک سخاوتمندانه ایران بود. اما آنچه در میدان نبرد در عمل اتفاق می‌افتد با شعارها و سخنرانی‌ها متفاوت است. هم ایران و هم آمریکا در سوریه و عراق منافع مشترک زیادی دارند و این برای همکاری آنها در منطقه از نظر منافع تاکتیکی قابل توجیه است.

● در سال‌های گذشته آمریکا، میلیون‌ها دلار کمک نظامی به ارتش لبنان کرده است.

● حزب‌الله در فهرست گروه‌های تروریستی ایالات متحده قرار دارد، اما اصلی‌ترین متحد ایران است.

● ارتش لبنان مدعی است روابط آنها با هم پیچیده است. درحالی که بعضی تحلیل‌ها و گزارش‌ها عنوان می‌کنند که داعش در جنگ سوریه و عراق از سوی رژیم ایران مدیریت می‌شود، بخشی از تحلیل‌ها نیز حاکی از همکاری‌های موثر ایران و شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم با نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا است. پایگاه خبری نیوزویک می‌نویسد آمریکا و ایران، قدرت‌های رقیب در خاورمیانه، بار دیگر برای مبارزه علیه ستیزه‌جویان دولت اسلامی (داعش) از طریق متحدان محلی خود، این بار جایی در خاک سوریه نزدیک لبنان و اردن همکاری می‌کنند.

در این گزارش آمده حزب‌الله لبنان از سوی آمریکا در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد، اما ایران با کمک نیروهای آن برای حفظ قدرت فشار اسد در سوریه همکاری دارد و اصلی‌ترین متحد تهران در منطقه به شمار می‌رود و تأثیر خود در جنگ علیه داعش و القاعده را ثابت کرده‌اند.

ارتش لبنان همواره ارتباط با حزب‌الله در عملیات نظامی را انکار کرده است. آنها در سال گذشته حدود ۸۰ میلیون دلار از آمریکا کمک‌های تسلیحاتی و آموزشی گرفته‌اند و در مجموع طی یک دهه گذشته حدود یک میلیارد دلار کمک از آمریکا دریافت کردند.

حزب‌الله یکی از بزرگترین احزاب سیاسی لبنان است و دونالد ترامپ

تاجیکستان جمهوری اسلامی را در قتل‌های زنجیره‌ای این کشور مسئول دانست



فرهنگی و زبانی مشترک به ایران نزدیک شود اما سیاست‌های اسلام‌گرایانه جمهوری اسلامی و حمایت از اسلام‌گرایان تاجیک این دو کشور را از هم دور کرد. دوری دو کشور از یکدیگر از سال ۹۴ خورشیدی به یک تنش تبدیل شده. مقامات جمهوری اسلامی در دی‌ماه ۱۳۹۴، از محی‌الدین کبیری، رهبر حزب ممنوع شده نهضت اسلامی تاجیکستان، دعوت کرد تا برای شرکت در همایش وحدت اسلامی به تهران سفر کند. این در حالیست که مقامات تاجیکستان فعالیت‌های اسلام‌گرایانه محی‌الدین کبیری را در این کشور ممنوع اعلام کرده‌اند.

پس از این اقدام، جمهوری اسلامی تاجیکستان نیز با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای مخالفت کرد. همچنین امام علی رحمان، رئیس‌جمهوری تاجیکستان، مواضع خود را علیه جمهوری اسلامی جدی‌تر و در مقابل، روابط دیپلماتیک خود با عربستان سعودی را پررنگ‌تر کرد.

ایران کمک‌های مالی و همچنین دستورالعمل و آموزش شبه‌نظامیان این حزب در خاک خود، به گسترش جنگ داخلی در تاجیکستان دامن زده است. همه اتهامات در این فیلم بر اساس شهادت و اعترافات سه شورش دستگیر شده علیه عبدالحکیم نظرزاده صورت گرفته است. تقی مراد عاشوروف، عبدالقدیر عبدالایف، سیم الدین قدرتوف سه شورش هستند که در این مستند اعترافاتی درباره حمایت جمهوری اسلامی از ترورها و قتل‌های زنجیره‌ای دهه ۹۰ تاجیکستان مطرح می‌کنند.

این افراد خود را عضو پیشین حزب اسلامی معرفی می‌کنند و می‌گویند در سال ۱۹۹۵ همراه ۲۰۰ تاجیک دیگر به ایران سفر کرده و در شهر قم برای عملیات‌های خرابکارانه آموزش دیده‌اند. همچنین در این مستند با اشاره به جنگ داخلی تاجیکستان از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ به نقل از وزارت دفاع تاجیکستان تاکید شده در آن زمان

● وزارت کشور تاجیکستان در برنامه مستندی که در کانال تلویزیونی تاجیکستان اسلامی را به حمایت شدن، جمهوری تروریست‌ها در سال‌های ۹۰ میلادی در این کشور متهم کرده است.

● در این مستند تاکید شده حکومت ایران در قتل افراد مشهور از جمله صفرعلی کنجایف، رئیس پیشین پارلمان آن کشور در سال ۱۹۹۹، دست داشته است.

وزارت کشور تاجیکستان جمهوری اسلامی را به حمایت از تروریست‌های تاجیکی و دست داشتن از قتل‌های زنجیره‌ای در این کشور متهم کرد. مقامات وزارت کشور تاجیکستان در برنامه مستندی که شب سه شنبه، ۱۷ مردادماه، در کانال تلویزیونی تاجیکستان نمایش داده شد جمهوری اسلامی را به حمایت مالی از تروریست‌ها در سال‌های ۹۰ متهم کرده است.

در این مستند تاکید شده است، حکومت ایران در قتل افراد مشهور از جمله صفرعلی کنجایف، رئیس پیشین پارلمان آن کشور در سال ۱۹۹۹، دست داشته است. قتل‌های زنجیره‌ای یاد شده در این مستند به رشته ترورهایی بر می‌گردد که از میانه دهه ۹۰ میلادی در تاجیکستان آغاز شد و در آن شماری از چهره‌های شناخته شده سیاسی، فرهنگی و ادبی این کشور به قتل رسیدند.

در بخشی دیگر از مستند یادشده، وزارت کشور تاجیکستان تایید می‌کند که حکومت ایران با کمک

دارالترجمه بین المللی قریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

محمدباقر قالیباف به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود؟



محمدباقر قالیباف یکی از آنهاست. با پایان دوران ۱۲ ساله مدیریت قالیباف بر شهرداری تهران و کناره‌گیری وی از انتخابات ریاست جمهوری، انتصاب وی به عنوان عضو از مجمع تشخیص مصلحت نظام محتمل به نظر می‌رسد. گمانه‌زنی‌های داخلی بر این است که پس از معارفه محمدعلی نجفی در سمت شهردار تهران، قرار است در هفته‌های آینده حکم حضور قالیباف در مجمع تشخیص مصلحت نظام صادر شود.

گزینه دیگر این مجمع، ابراهیم رئیسی است که در انتخابات دور دوازدهم ریاست جمهوری، عرصه را به حسن روحانی باخت و موفق به کسب آرای بیشتر از وی نشد.

رئیس که پس از انتخابات در مقام پیشین خود «متولی آستان قدس رضوی» به کار ادامه داد، گویا قرار است به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه شود. ظاهراً این مجمع، جای مهره‌های سوخته نظام است، چنانکه محمود احمدی‌نژاد نیز پس از پایان دوران ۸ ساله ریاست جمهوری‌اش

به عضویت این مجمع درآمد. این تغییرات در کنار معرفی جایگزین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شاید اهمیت کمتری داشته باشد و هنوز گمانه‌ها حول محور چند نفر معدود برای این سمت، می‌چرخد. یکی از محتمل‌ترین‌ها که اخیراً از او به عنوان گزینه اصلی نام برده می‌شود، آیت‌الله محمود هاشمی شاهرودی است. او که چندی پیش به دلیل بیماری دوران نقاهت را در بیمارستان می‌گذراند و حتی شایعه‌ی مرگ وی بر سر زبان‌ها افتاده بود، یکی از اعضای فقیه شورای نگهبان است. هاشمی شاهرودی که زاده‌ی نجف در عراق است، سابقه‌ی ریاست «مجلس اعلا‌ی انقلاب اسلامی عراق» و مؤسسه «دائر‌المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل بیت» را نیز دارد. وی همچنین ۱۰ سال بر مسند ریاست قوه قضائیه از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ نشست و به واسطه نزدیکی با علی خامنه‌ای، رهبر سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی، به عنوان گزینه رهبری نظام نیز بر سر زبان‌ها افتاد.

● ظاهراً این مجمع، جای مهره‌های سوخته نظام است، چنانکه محمود احمدی‌نژاد نیز پس از پایان دوران ۸ ساله ریاست جمهوری‌اش به عضویت این مجمع درآمد.

در ایران گمانه‌زنی می‌شود که محمدباقر قالیباف و ابراهیم رئیسی پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری، قرار است به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام در بیایند و هاشمی شاهرودی نیز گزینه اصلی جانشینی هاشمی رفسنجانی در مقام ریاست این مجمع است.

پس از درگذشت اکبر هاشمی رفسنجانی هنوز جایگزینی برای وی در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعیین نشده و حکم قطعی برای ریاست این مجمع صادر نشده است.

با این حال، آنطور که برخی سایت‌های خبری داخلی می‌نویسند، ۳ گزینه محتمل برای حضور در مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود دارد که

لیست وزرای پیشنهادی کابینه دوازدهم به مجلس شورای اسلامی ارائه شد



اسامی وزرای پیشنهادی به همراه شرح حال و برنامه آنان و خط مشی و اصول کلی و برنامه دولت برای اخذ رای اعتماد مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌دارد:

- ۱ - محمدجواد آذری جهرمی؛ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
- ۲ - سیدمحمود علوی؛ وزارت اطلاعات
- ۳ - مسعود کرباسیان؛ وزارت امور اقتصاد و دارایی
- ۴ - محمدجواد ظریف؛ وزارت امور خارجه
- ۵ - سیدمحمد بطحایی؛ وزارت آموزش و پرورش
- ۶ - سیدحسن قاضی‌زاده‌هاشمی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۷ - علی ربیعی؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ۸ - محمود حجتی؛ وزارت جهاد کشاورزی
- ۹ - سیدعلیرضا آوایی؛ وزارت دادگستری
- ۱۰ - امیر حاتمی؛ وزارت دفاع، پشتیبانی و نیروهای مسلح
- ۱۱ - عباس آخوندی؛ وزارت راه و شهرسازی

لیست وزرای کابینه دوازدهم از سوی حسن روحانی به هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی ارائه شد. در لیست ارائه شده به مجلس شورای اسلامی، ۱۷ وزیر کابینه دوازدهم معرفی اما وزیر علوم هنوز معرفی نشده است.

به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان نایب رئیس مجلس که ریاست جلسه علنی امروز سه‌شنبه مجلس را به عهده داشت، لیست وزرای پیشنهادی کابینه دوازدهم را به شرح زیر قرائت کرد که در این لیست هنوز رئیس‌جمهوری وزیر پیشنهادی علوم را معرفی نکرده است.

پزشکیان گفت که گزینه پیشنهادی وزارت علوم را دولت بعداً اعلام می‌کند. متن نامه معرفی وزیر به شرح زیر است: احتراماً در اجرای اصل ۱۳۳ قانون اساسی و ماده ۱۸۸ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به پیوست

سیم بوکسل به جای لانچر: نخستین روستای موشکی سپاه «قلابی» از کار درآمد!



این موشک که از نظر ظاهری شبیه مدل زلزلال بود با سیم بوکسل به سمت هدف از بالای کوه هدایت شده

قرون گذشته به کار می‌رفت! گزارا شگر صدا و سیما پیش از اصابت موشک به هدف با لحنی پرطمطراق گفته بود: «غیر از این هم نمی‌شود انتظار داشت و در خانه‌هایی که نام خدا و علی و حسین یادشده فرزندان آن خانه به دلیری عباس خواهند بود و مقابل اهریمن می‌ایستند».

فساد و فریب در صنعت دفاعی ایران موضوع تازه‌ای نیست. رونمایی از سیستم دفاعی اس ۳۰۰ قلابی و جنگنده‌های قاهر که هرگز پرواز نمی‌کنند بخشی از این دوز و کلک‌های مرسوم در سپاه است.

امیر حاجی‌زاده فرمانده هوافضا در واکنش به آزمایش موشک‌های این روستا عنوان کرد، «[...] سالی که مطرح بود این بود که آیا نسل سوم انقلاب پای کار هستند؟»

● موشک‌های روستای ادعایی سپاه و صدا و سیما، مثل سنگ قلاب یا فلاخن هدف‌گیری کرده و پرتاب می‌شوند!

ساعاتی پس از آنکه با حضور فرمانده نیروی هوافضای سپاه از نخستین روستای موشکی ایران در استان مازندران رونمایی شد، تصاویری در رسانه‌های رسمی منتشر شده که نشان می‌دهد، موشک‌ها قلابی هستند.

صدا و سیما جمهوری اسلامی و سپاه مدعی شده بودند در روستای کیاسر از توابع بهشهر در استان مازندران گروهی از مردم روستا به صورت خودکفا موشک تولید می‌کنند! آنها در مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما گفته‌اند «آنقدر موشک می‌سازیم که سایه تهدیدها از سر کشور برداشته شود» حالا مشخص شده موشک‌ها با سیم بوکسل به سمت هدف پرتاب یا دقیق‌تر «هل داده» شده‌اند، یعنی چیزی شبیه سنگ‌قلاب و فلاخن که در جنگ‌های

ابتکار، جنیدی و ملاوردی؛ برای آبروداری در ویتترین دولت دوازدهم

معاون پیشین روحانی در دولت یازدهم و رئیس سابق سازمان حفاظت از محیط زیست، به عنوان «معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده» منصوب شد.

همچنین لعیا جنیدی به عنوان «معاون حقوقی رئیس جمهور» حکم دریافت کرد. پیش از این الهام امین‌زاده این سمت را داشت که در اواخر عمر دولت یازدهم، جای خود را به مجید انصاری داد.

شهیندخت ملاوردی معاون سابق امور زنان و خانواده هم به عنوان «دستیار رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی» منصوب شد که هنوز در همان مرحله «پیش‌نویس» در جا می‌زند.

با این انتصاب‌ها، فعلاً معاون دولت قبلی، یعنی زهرا احمدی‌پور رئیس سازمان میراث فرهنگی، بلاتکلیف است که هنوز مشخص نیست در جای خود ابقا می‌شود و یا قرار است فرد دیگری جایگزین وی شود.

از سه زن منتصب رئیس دولت دوازدهم، لعیا جنیدی چهره تازه‌واردی در عرصه سیاست است. معاون حقوقی روحانی، دکترای حقوق از دانشگاه تهران دارد و محقق و استاد دینداری دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد در زمینه داوری تجاری بین‌المللی بوده است. وی که گفته می‌شود به سه زبان انگلیسی، عربی و فرانسه تسلط تخصصی دارد، در سال ۱۳۸۲ فوق دکترای خود را از دانشگاه هاروارد دریافت کرده است.

جنیدی در سال ۱۳۹۲ طی حکمی از سوی نصیری قیداری معاون حقوقی و امور مجلس وزارت علوم تحقیقات و فناوری به سمت مدیر کل اداره لوائح و تدوین و تنقیح قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری منصوب شده بود.

● معصومه ابتکار از ریاست سازمان محیط زیست به معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده تغییر جایگاه داد. ● شهیندخت ملاوردی دستیار روحانی در امور حقوق شهروندی شد. ● سه زن معاون و دستیار برای روحانی: نمایش؟ چرخ پنجم؟ یا آبروداری!؟

ر حالی که بر خلاف تبلیغات و حدس و گمان‌های پیش و پس از انتخابات ۲۹ اردیبهشت، در فهرست پیشنهادی دولت دوازدهم، یک وزیر زن هم وجود ندارد، حسن روحانی سعی کرده با انتصاب معصومه ابتکار، لعیا جنیدی و شهیندخت ملاوردی به معاونت و دستیار خودش، عدم حضور آنان را در مقام وزارت و اجرایی، کمی تلطیف کند.

با اعلام فهرست وزیران پیشنهادی حسن روحانی در کابینه دولت دوازدهم، مشخص شد که باوجود همه شعارهای حمایت از فعالیت زنان، حتی یک وزیر زن نیز در کابینه معرفی نشده است.

حالا امروز، خبرگزاری‌های داخلی از انتصاب سه زن در مقام‌های معاونت و دستیار رئیس‌جمهور خبر داده‌اند. به نظر می‌رسد دولت دوازدهم با جابه‌جایی زنان عملاً مانند حقوق کارکنان دولت نیز می‌شود. این روند در سال‌های گذشته نیز وجود داشته و باعث افزایش بدهی دولت به نظام بانکی تا مبلغ ۲۱۰ هزار میلیارد تومان شده است. همچنین عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایای کارکنان دولت در سال‌های گذشته باعث بروز اعتراض‌هایی از سوی کارکنان دولت و بازنشسته‌ها شد.

دولت روحانی در اردیبهشت ماه با کسری بودجه ۱۵ هزار میلیارد تومانی روبرو شد



دولت «تدبیر و امید» در اردیبهشت ماه و در حالی که با کازار انتخاباتی روبرو بود با کسری بودجه ۱۵ هزار میلیارد تومانی روبرو شد.

گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد تراز عملیاتی و سرمایه‌ای بودجه ۹۶ در اردیبهشت ماه با کسری ۱۵ هزار میلیارد تومانی مواجه شده است.

بر این اساس تراز عملیاتی در اردیبهشت ماه منفی ۲۶ هزار میلیارد تومان بوده است که از اختلاف درآمد ۱۵ هزار میلیارد تومانی و پرداخت‌های هزینه‌ای ۳۷ هزار میلیارد تومانی ایجاد شده است. همچنین خالص واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در دو ماه نخست سال ۵۰۱۱ هزار میلیارد تومان بوده که بر این اساس بودجه دولت با کسری ۱۵ هزار میلیارد تومانی مواجه شده است.

بر این اساس درآمدهای حاصل از فروش نفت ۶۰۱۱ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به دو ماهه سال قبل با رشد ۵ هزار میلیارد تومانی مواجه شده است. در سال گذشته و پس از ارائه لایحه بودجه سال ۹۶ به مجلس توسط دولت، کارشناسان اقتصادی عنوان کردند در صورتی که بهای نفت یا میزان فروش نفت در سال ۹۶ کاهش یابد، دولت روحانی با کسری بودجه شدیدی مواجه خواهد شد.

در همین رابطه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در اولین ارزیابی خود از سند بودجه سال ۹۶ که در

باران: موسیقی ما نیازمند نظارت فنی است



تلاش و تصمیم خواننده محدود نیست و هر قطعه موسیقی که تولید می‌شود، نتیجه تلاش و خواست یک تیم متحد و متعهد است.

● موسیقی مورد علاقه و الگوی شما در آواز خوانی چیست؟

موسیقی مثل یک اقیانوس است که هر چه بیشتر به آن گوش کنید، بیشتر متوجه می‌شوید که کم‌گوش کرده‌اید. من به همه نوع موسیقی گوش می‌کنم و البته موزیک الکترونیک را از بقیه سبک‌های موسیقی بیشتر دوست دارم. طبعاً هر هنرمندی الگویی دارد. مثلاً در موسیقی پاپ ایرانی من به صدای خانم هایده علاقه دارم. در موسیقی هدف‌های فراوانی دارم؛ یک هدفم این است که روزی بتوانم از طریق شهرت، برای جهان پیرامونم پیام خوبی داشته باشم.

● آیا در تولید آثارتان و انتخاب ترانه و آهنگ و تنظیم، شیوه خاصی را دنبال می‌کنید؟

شیوه تولید همیشه به یک شکل نیست، یعنی به سازه‌انداز بستگی دارد که شعر روی ملودی می‌آید و یا اگر شعر الهام‌بخش باشد روی آن ملودی می‌نشیند. بعد از این مرحله، تنظیم و بقیه کارها انجام می‌شود. در انتخاب همکاران برای من کارنامه هنری مهم است که نامداران بزرگ موسیقی کار کنند. البته در عین حال گاهی دوستان برای من ملودی‌هایی می‌فرستند که واقعا قشنگ هستند که برای معرفی به مخاطب، نیاز دارند تا صدا و چهره‌های شناخته شده روی آن آواز بخواند، در چنین شرایطی که ملودی قابلیت داشته باشد من می‌پذیرم روی آن بخوانم.

● برای بسیاری از جوانان صدای گرم و قطعات عاشقانه شما به زمزمه تبدیل و خاطره‌ساز شده. خودتان از کدام آوازتان بیش از همه خاطره دارید؟

برای من بهترین حس همین است که مردم مرا در خاطراتشان شریک کنند و بابت این اتفاق از تک تک مخاطبان‌ام ممنونم. من همه قطعاتم را دوست دارم و نمی‌توانم بین آنها فرق بگذارم، زیرا هر کدام را در زمانی خاص و با احساسی متفاوت خوانده‌ام.

● یک روز معمولی شما چگونه پر می‌شود و کار جدید چه دارید؟

برنامه روزانه من، اگر در سفر یا تور نباشم، صبح خیلی دیر بیدار می‌شوم، معمولاً به پیاده‌روی می‌روم و بعد درباره کارهای وبسایت و صفحات من در شبکه‌های اجتماع - که دوستان برای اداره آنها زحمت می‌کشند- با همکارانم در تماس هستم و بعد به استودیو می‌روم و روی کارهای البوم و تولیدات آینده‌ام تمرکز می‌کنم و هر روزی که فرصت کنم تعدادی از انبوه شعر و آهنگ‌هایی که دوستانم لطف می‌کنند و به صورت روزانه برایم می‌فرستند را چک می‌کنم، هر روز حتماً کتاب می‌خوانم و به برنامه‌های مستند ستاره‌شناسی علاقه فراوانی دارم و قبل از خواب حتماً این برنامه‌ها را تماشا می‌کنم.

● برای زنان جوان ایرانی که عاشق حرفه موسیقی هستند چه توصیه‌ای دارید؟

-توصیه‌ام این است که برای رسیدن به هدف خود (در هر زمینه‌ای که هست) بجنگند و به هیچ قیمتی از هدف خود دیگر تا امروز نخواستند مطمئن باشند روزی به هدف خود دست پیدا خواهند کرد.

مادری تهرانی - کم نیستند کسانی که

موسیقی ناب دهه پنجاه خورشیدی در ایران و تولد ستارگان‌اش را مدیون مسئولیت هنری نامدارانی چون پرویز یاحقی، مرتضی حنانه و... می‌دانند. افرادی که موسیقی خوب را از موسیقی بد و کوک را از فالش تشخیص می‌دادند و تنها معیار نظارت و هدایت‌شان جان‌مایه هنر موسیقی بود. نشانه بدیهی این مدعا، ثمرات تلاش و کوشش آنهاست و کشف و پرورش نسلی که تا امروز هم موسیقی پاپ ایرانی را آفرینی می‌کند. بعد از انقلاب ۵۷ موسیقی در داخل کشور برای زنان ممنوع شد و برای مردان هم تحت شرایط محدود و خاص و به ممیزی مذهبی یا همان حلال و حرام تن سپرد. در خارج از ایران بار بخش بزرگی از تولیدات موسیقی پاپ ایرانی بر دوش نسل گذشته بود و هنوز هم هست.

«باران» آوازخوان موسیقی پاپ ایرانی که سرآغاز رفته‌ام جزو معدود هنرمندان نسل جدید است که اولین بار چهار سال پیش به صورت حرفه‌ای وارد بازار موسیقی شد و مورد استقبال قرار گرفت. این خواننده جوان کرد ایرانی در کشور کانادا بزرگ شده و به زبان‌های فارسی، کردی و انگلیسی آواز می‌خواند. او که صدای خوشی دارد، اولین اثرش را به نام «حس عاشقی» در همخوانی با جمشید، دیگر خواننده کرد ایرانی، روانه بازار کرد.

● شما از همان اول با «زبانی» خیلی حرفه‌ای ظاهر شدید. این صدای زیبا و تسلط به موسیقی ذاتی است یا اینکه سال‌ها تمرین و آموزش را پشت سر گذاشته‌اید؟

راستش درباره اکتسابی یا ارثی بودن صدا می‌توان ساعت‌ها بحث کرد. من از خیلی وقت پیش - شاید از نوجوانی - این روز را می‌دیدم و برای رسیدن به این نقطه، سال‌ها در آموزشگاه‌های مختلف سخت تلاش کرده‌ام و به نظرم قبل از همه اینها، در هر زمینه‌ای تلاش برای کسب عنوان همزمان اکتسابی و موروثی است.

صدا ممکن است یک استعداد ذاتی و یا اصلاً ارثی باشد، ولی فکر می‌کنم موسیقی یک علم وسیع است که هر چه در آن به پیش بروی، باز درهای بیشتر و تازه‌تری به رویت باز می‌شود. تجربه اموختنی بی‌انتهای در نتیجه هر روز باید چیزهای جدید یاد بگیری و به همین دلیل من هنوز هم خودم را یک هنرجو می‌بینم و هنوز هم از تجربیات پیشکسوتان این عرصه و بزرگان این علم استفاده می‌کنم.

● قبلاً گفته‌اید که کرد ایرانی هستنید، کردستان نغمه‌های موسیقی غنی دارد و از طرفی در ایران موسیقی محدود و موسیقی زنان ممنوع است. سال‌های زندگی در ایران چگونه گذشت؟

-بله، موسیقی کردستان از نغمه‌های ناب شرقی سرشار است و من برای پیوستن به این اقیانوس وسیع موسیقی کردی برنامه‌ها دارم. برای این منظور با بزرگان صحبت کرده‌ام و به تازگی هم یک قطعه کردی منتشر کرده‌ام. به نظر من به اندازه کافی بر روی آواهای موسیقی شرقی کار نشده و هنوز برای شناخت این گوشه‌های بکر، راه درازی در پیش داریم. در خصوص بخش دوم سوال‌تان باید بگویم که من از کودکی در کشور کانادا بزرگ شده‌ام و کار آواز را هم در اینجا شروع کردم. تجربه کار هنری در ایران را ندارم، ولی مطلع هستم که در ایران حرفه موسیقی برای زنان باز نیست که البته این محدودیت باعث ایجاد خلاقیت هم شده است. خیلی خوشحالم می‌شوم وقتی می‌بینم در ایران خانم‌هایی خوش صدا هستند و برای هنرشان تلاش و کوشش می‌کنند.

● بازدید میلیونی کارهای شما در یوتیوب و تعداد دنبال‌کنندگان صفحات شما در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد هواداران فراوانی دارید. پیش از تولید کار اول حس خودتان از واکنش مردم چه بود؟
-۱۰۰٪ کار اولم «حس عاشقی» به عنوان آغازگر راه من خیلی موثر بود. در ادامه هم که کارهای بیشتری از

غم‌های شهر یور...

(رضا مقصدی)

جانان جمهوری اسلامی ایران در شهر یور ۶۷ زندان‌های سیاسی خود را به کشتارگاه انسان‌های آزاده و آرزومند، بدل کرده بودند. از این روی، داغ ننگی ماندگار بر صورت و سیرت چرکین خود گذاشتند. هر چند پیش از این و پس از آن نیز کارنامه‌ی سیاه‌شان با خون ورق می‌خورد.

دردا، چرخه‌ی این مرگ‌آفرینان، همچنان از چرخش سیاه‌اش باز نایستاده است. «غم‌های شهر یور»، بازتابی کوچک، از جنایتی بزرگ است.

یکباره گویی آسمان، امشب ترک خورده‌ست. انگار امشب هر ستاره، آتش آهی‌ست.

از رویش رنگین‌ترین آواز مهتاب هم، خالی‌ست.

در روبروی آرزوی دیشبم، امشب در روبروی رنگِ رویاهای دیروزین.

در جستجوی آن درختانی که در پاییز رویدند. در جستجوی سایه‌سارانی که با من مهربان بودند.

اما کجای سینه‌ی خورشید را باید بجویم من؟ وقتی که نور نام‌هایم نیست.

دیری‌ست نیمی این دل غمناک همواره تار یک است.

روشن‌ترین مهتاب هم، چندی فراز جان‌بی‌تابم آبی شعرش را فرو می‌بارد و ناگاه... از بارش پیگیر می‌ماند.



زخمِ تبر بر هر درخت تر جان مرا - در ابتدا - آشفته و پرپر کرد چندان که مهر سایه‌ساران نیز تار یک گشت و داستانی، تیره‌تر، سر کرد.

این‌ست اندوهِ دلم ابری‌ست، بارانی بر هر کجا در هر نفس - خاموش - می‌بارد.

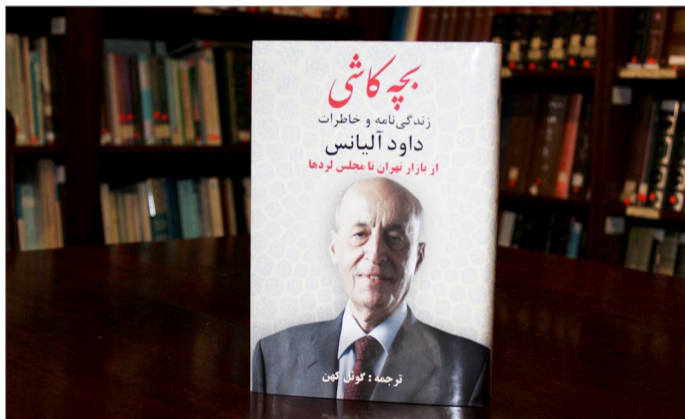
وقتی که زخمی در نهان‌جای دلت، پیوسته‌بیدارست با من بگو آیا من با کدامین لحظه‌ی سرشار شادابی چشم‌غزل/افشان‌مستی را توانم زیست؟

با من پیام سبز باران بود با آن درختانم هوای صبح فروردین اما چه باید کرد با غم‌های شهر یور؟

باور کن ای خورشید! آن شب که سقف آسمان، آنجا ترک خورده‌ست اینجا دلم مرده‌ست.

رونمایی کتاب «بچه کاشی»، خاطرات داود آلیانس:

ای کاش ۲۴ سالم بود و از اول شروع می‌کردم!



مشققات زیاد مانند بی‌پولی، گرسنگی، بی‌سامانی و بی‌خانمانی، همچنان استوار و خستگی‌ناپذیر و امیدوار، به تلاش خود ادامه می‌دهد. آلیانس با تکیه بر همین پیگیری در ۲۴ سالگی اولین کارخانه نساجی را در منطقه صنعتی - کارگری «بورکشایر» در اختیار می‌گیرد. این همان کارخانه‌ای است که او مدت زیادی برای خرید اجناس به انبار آن مراجعه می‌کرده تا با خرید و فروش آنها بتواند سودی اندکی به دست آورد، اما مدیران کارخانه حتی در راه روی وی باز نمی‌کردند. با این حال او... حاکمیت هوشمندانه خود را بر این صنعت در کمتر از دو دهه بعد، آنچنان مستحکم می‌سازد که هم عنوان «سلطان صنعت نساجی» انگلستان را به خود اختصاص می‌دهد و هم... (از مقدمه ترجمه فارسی کتاب).

خواننده خاطر نشان کنیم که پدر داود آلیانس او را بعد از اتمام دوره دبستان به بازار می‌برد و نزد یکی از آشنایان به کار می‌گمارد. داود اگر چه در ابتدا از ترک تحصیل و کار در بازار چندان راضی نبود ولی به زودی خود را با شرایط جدید وفق داده و بازار را به دانشگاهی برای خویش تبدیل می‌سازد و از محیط بازار فراوان می‌آموزد. لرد آلیانس فقط با اتکا به پولی که در آن چهار سال پس‌انداز کرده بود هزینه سفرش را تأمین می‌کند و در سال ۱۳۲۹ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی) در سن هجده سالگی تنها و با مبلغی پوند در جیب که چندان زیاد نبود به بریتانیا می‌آید و ساکن منچستر می‌شود. انگیزه آمدن لرد آلیانس به منچستر صدور پارچه به بازار تهران و کسب تجربه در مورد محصولات نساجی منچستر بود که در آن زمان در ایران طرفداران زیادی داشت. البته دایه‌های او قبل از جنگ جهانی اول، از کاشان به منچستر آمده و کم‌کم در صنعت و تجارت پیشرفت کرده و موفق شده بودند. آلیانس هر چند ساکن منچستر می‌شود اما به شدت مصمم است که روی پای خود بایستد و از آنها کمک مالی قبول نمی‌کند. او با وجود تحمل مشکلات و

مراسم رونمایی از ترجمه فارسی کتاب «بچه کاشی» نوشته‌ی داود آلیانس در روز یکشنبه، ۲۳ ژوئیه، به همت کتابخانه مطالعات ایرانی در لندن، با حضور نویسنده و همچنین مترجم کتاب، دکتر گوئل کهن، و با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر از علاقمندان برگزار شد. این کتاب دو سال پیش به زبان انگلیسی با عنوان «یک زندگی بازاری» انتشار یافته و با استقبال خوبی نیز روبرو شده بود.

در این رونمایی، لرد آلیانس نسخه‌هایی از کتاب را که برای کمک به کتابخانه اهدا کرده بود برای علاقمندان امضا کرد.

مراسم با گرامیداشت یاد ریاضیدان برجسته ایرانی، مریم میرزاخانی، و سخن‌گفتار دکتر ماشاءالله آجودانی در نقد این کتاب آغاز شد. سپس دکتر گوئل کهن، پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره محتوای کتاب و زندگی داود آلیانس، به عنوان یک کاشانی‌زاده‌ی صنعتگر و کارآفرین نام‌آشنای نیم قرن گذشته، به گفت‌وگو با وی پرداخت تا زوایای مختلف کتاب مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

کتاب «بچه کاشی» در ۶۰۰ صفحه شامل ۲۷ فصل و عکس‌های متعدد و فهرست کاملی از نام‌های ارائه شده در کتاب است. این کتاب سرشار از اصطلاحات حقوقی، تجارت بین‌الملل، فناوری، مهندسی نساجی، مدیریت تولید، تاریخ پیوند، تاریخ ایران و نیز تاریخ کاشان است. دلیل نام‌گذاری «یک زندگی بازاری» بر اصل کتاب به زبان انگلیسی، همچنان که در مقدمه آن آمده، اعتقاد نویسنده بر این اصل است که هر چه می‌داند و هر تخصصی که بدان دست یافته، به همان چهار سال دوره نوجوانی‌اش بر می‌گردد که در بازار تهران شاغل بوده است. در این زمینه باید برای حضور ذهن

گفتگوی یوسف مصدقی با دکتر رامین جهانگللو: سیاست، هنر ساماندهی جامعه است



رامین جهانگللو

به یک عده معین می‌شود. همین حالا هم در جوامع دموکراتیک این سیاستمدارهای حرفه‌ای و آموزش‌دیده، دایره‌ای بسته دارند و داخل همین دایره میراث‌شان را به نسل بعدی خودشان منتقل می‌کنند. آموزش دادن مردم با این وضعیت تضاد دارد. با این اوصاف آیا فکر می‌کنید این تضاد وجود دارد؟

و اگر هست، چاره چیست؟
- این موضوع بسیار مهمی است. اینکه سیاست یک امر تخصصی است یا نیست از دوران افلاطون مطرح بوده است. این بحث در کتاب «جمهوری» بیش از همه‌ی آثار افلاطون مورد توجه قرار گرفته و آنچنان که می‌دانیم افلاطون محاکمه و خودکشی سقراط را هیچگاه به دموکراسی آنتی نمی‌بخشد. او دموکراسی در گستره همگانی را ضعف حکومت‌داری می‌داند و معتقد است که سیاست یک امر تخصصی است و فقط کسانی که از فن دیالکتیک گذشته باشند، می‌توانند به آن بپردازند. باقی مردم عوام و آدم‌های صغیرند. در مقابل این سنت، متفکران و فلاسفه‌ای را داریم که خلاف این فکر می‌کنند و معتقدند که سیاست نه تنها امری تخصصی نیست بلکه یک «قرارداد اجتماعی» است برای اداره جامعه و همه‌ی مردم باید در آن شریک باشند. مردم به دو گونه به سیاست می‌پردازند یا با دموکراسی بدون میناجی و به صورت فراندوم یا با شرکت در سیاست از طریق انتخاب نماینده. دنیای مدرن بیشتر همین راه دوم را انتخاب کرده است. دلیل این انتخاب را بنژامن کنستان Benjamin Constant در کتاب «آزادی نزد قدما و متأخرین» تحلیل می‌کند. او می‌گوید برای کسانی که بعد از انقلاب فرانسه زندگی می‌کنند، فضای خصوصی مهم است زیرا آنها لذت و امیال شخصی را در آن می‌یابند. آنها نمی‌توانند هر روز در عرصه‌ی عمومی شرکت کنند و نظر خود را اعلام کنند. بنابراین برای این کار، نماینده انتخاب می‌کنند. بحثی که کنستان به آن اشاره می‌کند این است که در مدرنیته متأخر یعنی دوران سرمایه‌داری، این روش جا افتاده و مردم هم حوصله و شعور اینکه هر روز در مسائل سیاسی شرکت بکنند را ندارند. حتی اگر روی سینی طلا این را به آنها بدهیم باز هم به زودی خسته می‌شوند زیرا امر خصوصی برای آنها مهم‌تر از امر عمومی شده است. امروزه به خصوص با وجود تکنولوژی‌های جدید، انسان‌ها بیشتر اوقات خودشان را در فضای مجازی می‌گذرانند تا در دنیای واقعی. سیاست اما نمی‌تواند مجازی باشد ولی ما متأسفانه هر روز داریم از سیاست واقعی دور می‌شویم جوری که حتی در غرب هم رای دادن بی معنی شده است. انگار همه دارند در اینترنت رای می‌دهند بدون اینکه مشارکت مستقیمی داشته باشند. به نظر من سیاست‌ورزی نباید تبدیل به یک صنف شود و دقیقاً به این خاطر است که مردم از سیاست زده شده‌اند. الان سیاست شده گونه‌ای از تجارت که عموم مردم را از آن دور نگه داشته‌اند.

● **رامین جهانگللو روز ۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ هنگامی که قصد سفر به بروکسل داشت، در فرودگاه مهرآباد تهران دستگیر شد و مدت چهارماه تا شهریور همان سال در زندان بسر برد.**

بله. این شیوه نگرش، درست برخلاف شرایط کنونی جهان است. شرایطی که همه ما را نسبت به این تعریف سیاست بیگانه کرده است. در واقع این بیگانگی دو وجه دارد: یک وجه به سیاسیونی برمی‌گردد که از مردم جدا شده‌اند و وجه دیگر مربوط به مردمی است که از سیاست بیگانه‌اند. در نتیجه این بیگانگی، سیاست در قرن بیست و یکم تبدیل به یک امر خصوصی در میان الیگارشی حاکم با منافع خاص شده که عامه را از سیاست دور کرده. ارسطو، «دوستی مدنی» را محور ساماندهی جامعه می‌دانست چرا که اگر دوستی مدنی وجود نداشته باشد، اتحاد جامعه چگونه می‌تواند نسبت به هم حس مسئولیت و همدلی داشته باشند؟

● **بنابراین اجتناب شما از سیاست روز بر این مبناست که سیاست را جور دیگری می‌بینید. به هر حال، هنوز این سؤال برای من مطرح است که آیا خودتان را آدم سیاسی می‌دانید یا خیر؟**
- بگذارید ابتدا این را بگویم که به نظر من اتهام وارد کردن و انگ‌زدن به دیگران ناشی از یک نوع طفولیت ذهنی است. اینکه بعضی با یکی دو جمله بخواهند تکلیف آدمی را روشن کنند، جدا از غیرمنصفانه بودن، غیر فلسفی است. دوم اینکه، پیش آمده بعضی دوستانم که در کارهای سیاسی بوده‌اند، در مواقعی مختلف به من گفته‌اند: «تو سیاسی فکر نمی‌کنی» یا «چه عجب که بالاخره در فلان کار به جای فلسفه محض به سیاست هم پرداختی!» در صورتی که من هیچگاه فلسفه و سیاست را از هم جدا نمی‌دانم و سیاست را که همان «هنر ساماندهی جامعه» باشد، محتاج به فضیلتی می‌دانم که با یک فکر فلسفی می‌توان به آن رسید.

● **این فکر فلسفی دقیقاً بر چه مبنایی شکل می‌گیرد؟ یعنی اصولاً کار فلسفه در عرصه سیاست چیست؟**
- فکر می‌کنم که کار فلسفه، روشنگری به همان معنایی است که اماتوئل کانت به کار می‌برد یعنی عقل فرد را در گستره‌ی همگانی به کار بگیرد تا او از صغارت خود بیرون بیاید. سیاست به تنهایی نمی‌تواند این کار را بکند و تازه آنجایی به طور نسبی موفق است که مردم با شرکت مستقیم تقدیر سیاسی خود را به دست می‌گیرند مثلاً انقلاب می‌کنند یا در یک فراندوم، در گذار از یک حکومت استبدادی به حکومتی آزادتر شرکت می‌کنند. البته در کنار این مشارکت باید به یک نوع پختگی برسند که فقط از طریق کار فکری نخبگان جامعه حاصل می‌شود. اگر کار فکری نخبگان به مردم منتقل نشود، فضای گفتگو ایجاد نشده و سیاست به راحتی به وضعیت ایدئولوژیک و استبدادی تبدیل می‌شود.

● **مسأله این است که با این نگاه به سیاست شاید یک تضاد پیش می‌آید. یک طرف این است که مردم باید در سیاست دخالت کنند و طرف دیگر اینکه اگر مردم آموزش ندیده باشند، اشتباه می‌کنند یا حداقل به درستی درگیر سیاست نمی‌شوند. در نتیجه اگر ما بخواهیم سیاست را تخصصی ببینیم- مثل یک رشته دانشگاهی که باید در آن تحصیل کرد- پس از مدتی سیاست‌ورزی تبدیل به یک کار صنفی و مختص**

● **«تقریباً همه کسانی که در عهد عتیق و جدید به موضوع سیاست اندیشیده‌اند، نظرشان به هنر ساماندهی جامعه بوده است.»**
● **«من هیچگاه فلسفه و سیاست را از هم جدا نمی‌دانم و سیاست را که همان «هنر ساماندهی جامعه» باشد، محتاج به فضیلتی می‌دانم که با یک فکر فلسفی می‌توان به آن رسید.»**

● **«امروزه انسان‌ها بیشتر اوقات خودشان را در فضای مجازی می‌گذرانند تا در دنیای واقعی. سیاست اما نمی‌تواند مجازی باشد.»**

دکتر رامین جهانگللو متفکر و روشنفکر شناخته‌شده‌ی ایرانی-کانادایی، در حال حاضر استاد و معاون دانشکده‌ی حقوق دانشگاه JGU دهللی و همچنین مؤسس و مدیر مرکز صلح و عدم خشونت مهاتما گاندی است. او در دانشگاه‌های سوربن و هاروارد فلسفه و علوم سیاسی خوانده است و تا کنون بیش از سی عنوان کتاب به سه زبان فارسی، فرانسه و انگلیسی منتشر کرده است. این گفتگو در چند بخش برای کیهان لندن تنظیم شده که به مرور منتشر می‌شود. در بخش نخست درباره‌ی مفهوم «سیاست» گفتگو می‌شود و این نکته که آنچه «سیاست» باید باشد با آن سیاستی که عملاً وجود دارد، بسیار متفاوت است.

بخش نخست

● **یوسف مصدقی: چرا در آثارتان، به خصوص آنهایی که پس از دوران زندان نوشته‌اید، درگیر سیاست روز نشده‌اید؟ شاید هم بهتر باشد اول بپرسم که اصولاً سیاست را چگونه تعریف می‌کنید؟**
- **رامین جهانگللو:** در این بیش از سی سال کار فلسفی، هر زمانی که در آثارم از سیاست ذکر می‌شده، پیش آمده، سیاست را به معنای «هنر ساماندهی جامعه» به کار برده‌ام. البته من این تعریف از سیاست را از یونانی‌های باستان وام گرفتم. ارسطو انسان را «حیوان سیاسی» می‌داند یعنی انسان موجودی است که نه فقط قابلیت زیست اجتماعی، بلکه توانایی ساماندهی سیاسی را دارد. این تعریف یونانی سیاست با آنچه ما در ایران از مفهوم سیاست و سیاست‌بازی می‌شناسیم- که نوعی ایدئولوژی‌زدگی و قدرت‌طلبی توأم با خشونت است- تفاوت بنیادی دارد.

● **آیا این مفهوم آنتی سیاست فقط به همان وضعیت دولت‌شهری یونان باستان محدود بوده یا در طول تاریخ اندیشه هم مورد توجه بوده است؟**

- تقریباً همه کسانی که در عهد عتیق و جدید به موضوع سیاست اندیشیده‌اند، نظرشان به هنر ساماندهی جامعه بوده است. از نیکولو ماکیاولی به عنوان یکی از مؤسسين سیاست مدرن تا توماس هابز، جان لاک یا ژان ژاک روسو و اسپینوزا هیچ کدامشان به سیاست به مثابه ایدئولوژی حزبی یا گروهی نمی‌پردازند. اگر هم به مفهوم حاکمیت توجه داشته‌اند، مسأله برای آنها همان «قرارداد اجتماعی» است که توصیف دیگری از ساماندهی جامعه است. به قول هابز: «جامعه سیاسی یعنی هم‌پیمانی افراد برای گذار از وضع طبیعی به وضع سیاسی». ممکن است این پیمان به خاطر رسیدن به امنیت یا مقابله با شورش یا انقلاب به دست آمده باشد. حتی می‌تواند از طریق قانونگذاری حاصل شده باشد. مهم این است افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، هنر سیاسی بودن را تمرین کنند.

● **ولی این نگرش به سیاست، فرسنگ‌ها با آنچه امروز در عالم سیاست مشاهده می‌کنیم، فاصله**

مدیر پیشین صدای آمریکا در مراسم بزرگداشت پادشاهان پهلوی: محمدرضا شاه فراتر از سلطنت‌طلبی، که امنیت‌طلبی یک ملت است

وی افزود که این بلای سی و نه ساله را گریبانگیرشان و گریبانگیرمان ساخت»
● **دخیل بستن به ترامپ**
در شرایطی که پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، و حضور او در کاخ سفید، امیدها و انتظاراتی را برای افراد و گروه‌هایی در جامعه ایرانی داخل و خارج ایجاد کرده است، مدیر پیشین بخش فارسی صدای آمریکا اظهار داشت:
«من در این تکرار هر ساله این روز همچنان مانده‌ام که این ملت با استعداد و تیزهوش چرا در درس تاریخ این چنین مردود و رفوزه می‌شود؟ به یاد نمی‌آورد، حتی تاریخ همین ایام معاصر را به یاد نمی‌آورد که هیچ دولتمرد بیگانه‌ای دلش به حال او نسوخته. که آنها دلشان به حال ملت خودشان هم نسوخته چه



رسد به او. به یادش نمی‌آید نوای خوش‌آهنگ حقوق بشر جیمی کارتر را که در حکم سوت شروع و آلتس مرگ انقلاب بود. و چه خوش‌رقصی‌ها که این ملت با آن نکرده. یادش نمی‌آید که چگونه منتظر شد رونالد ریگان رئیس‌جمهور شود و پدر صاحب‌آخوند را در آورد اما به جایش حکایت ایران- کنترا و زد و بند جنجال‌برانگیز با آخوندی فرستادن انجیل و کیک به شکل قلب توسط مک فارلین و آلپورت نورث برای خمینی رو شد که ماه‌ها نمایش روزانه تلویزیون‌های آمریکا بود. این ملت یادش نمی‌آید که در دوران کلیتون هم وقتی منتظر بود بابت انقلاب ۵۷ از او عذرخواهی شود، خانم اولبرایت به جای آن رفت سراغ نیش قبر ۲۸ مرداد که داشت از حافظه او پاک می‌شد و بابت آن اظهار تأسف کرد تا باز گریه به یاد مستان بیاورد. و نمی‌آموزد که «محور اهریمنی» گفتن جرج بوش هم کمکی نکرد که هیچ، تنها منجر به نفوذ بیشتر آخوند در عراق و سوریه و افغانستان شد. همین امروز هم یادش نمی‌آید.»

● **حکایت همیشگی «دو حزب آمریکا برای یک نقشه واحد» برای ایران: «یکی پاس می‌دهد تا آن یکی آشپز بزند»**
احمد بهارلو در ادامه این سخنان اضافه کرد: «این ملت در گوشه ذهن‌اش پادی نقش بسته از ریچارد نیکسون که جمهوریخواه بود، و در یک موقعیت نادر تاریخی او و شاه با درایت شایسته دو رهبر دلسوز به منافع مشترک دو کشور در سایه اتحاد با هم، وقوف یافتند و سال‌های درخشان اوج پیشرفت ایران و همچنین کم شدن دردسر منطقه برای آمریکا نیز در همین دوران بود. او نمی‌آموزد که این اتحاد و یکدلی یک استثنا تاریخی بود. علیرغم همه موانعی که جلو هر دو قرار داشت که سردهسته این موانع جنبه جنگ‌افروزان دنیا بود، و هر دو حلال می‌دانیم که این قدردانی را خلاصه‌ی ایشان حداقل انجام دهیم. از طرف دیگر برای نجات مملکت‌مان راهی دیگر نمی‌بینیم، که با گردهمایی و نزدیک شدن به هم بتوانیم شرایطی را به وجود بیاوریم، که مملکتی با یک رژیم دموکراتیک و سکولار به وجود بیاید، و برای به وجود آوردن آن چاره‌ای نداریم که این راه را ادامه دهیم و خودمان را به آن مرحله برسانیم.»

هوا آذربهای - مراسم «بزرگداشت پادشاهان پهلوی و سالگرد انقلاب مشروطیت» در منطقه واشنگتن دی سی برگزار شد.
در این مراسم که از سوی حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) سازماندهی شده بود، احمدرضا بهارلو (گوینده، برنامه‌ساز و مدیر پیشین بخش فارسی صدای آمریکا) و بهرام بهرامیان (استاد دانشگاه مرلیند) سخنرانی کردند. انوشیروان کنگرلو (گوینده پیشکسوت تلویزیون ملی ایران) نیز پیام شهبانو را قرائت کرد. مینا رضوانی و فریدون کامران‌پور نیز چند ترانه ملی و میهنی اجرا کردند.
● **بزرگداشت پادشاهان پهلوی با حضور انوشیروان کنگرلو و احمدرضا بهارلو**
عصر روز یکشنبه (۱۵ مرداد- ۶ اوت) «بزرگداشت پادشاهان پهلوی و سالگرد انقلاب مشروطیت» در

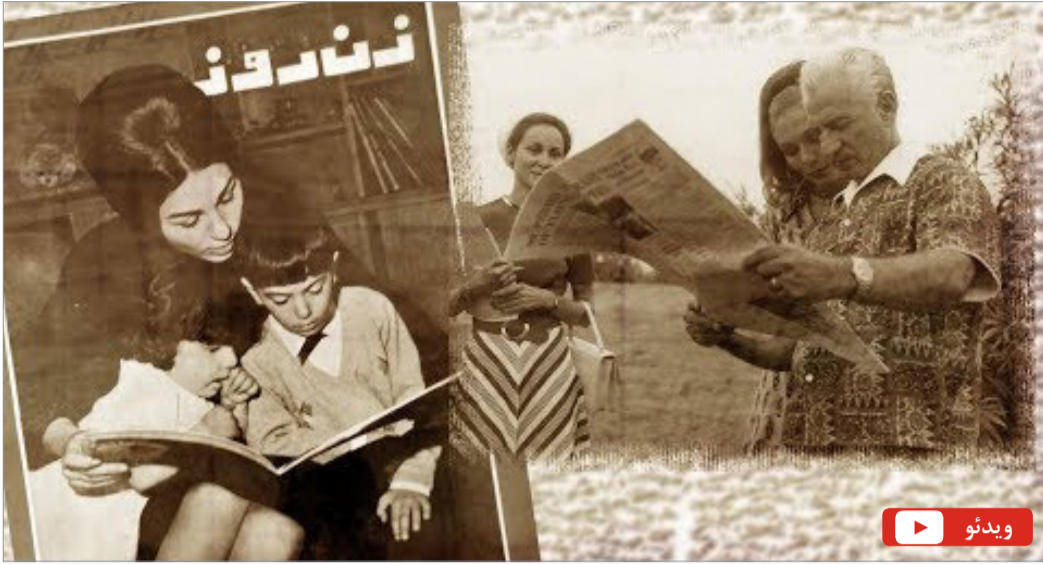
هتل «دبل تری» در شهر بتزدا ایالت مرلیند در نزدیکی پایتخت آمریکا برگزار شد. حضور چهره‌های معروف و محبوب رسانه‌ای، آقایان انوشیروان کنگرلو و احمد رضا بهارلو، در کنار ترانه‌خوانی مینا رضوانی حال و هوای به این برنامه داده بود.
● **بزرگداشت پادشاهان پهلوی و سالگرد انقلاب مشروطیت»** از ساعت ۶ بعد از ظهر با اجرای زنده‌ی سرود «ای ایران» با صدای مینا رضوانی، و سخنان کوتاهی از احمد مظاهری، مسئول شاخه واشنگتن حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) رسمیت یافت.
در ادامه، خسرو اکمل، رایزن حزب مشروطه ایران، سخنانی در تجلیل و ستایش پادشاهان پهلوی ایراد کرد و تأسف خود را از ادامه‌ی نظام جمهوری اسلامی بیان نمود.

● **قرائت پیام شهبانو فرح توسط انوشیروان کنگرلو**
پس از آن انوشیروان کنگرلو (گوینده پیشکسوت و صدای آشنای پنج دهه در تلویزیون ملی ایران و صدای آمریکا) پیام شهبانو را قرائت کرد.
● **واکنش مدیر پیشین بخش فارسی صدای آمریکا به انتشار «مجموعه اسناد کودتای ۲۸ مرداد»**
احمدرضا بهارلو سخنران اصلی مراسم بزرگداشت پادشاهان پهلوی بود که در قسمتی از سخنرانی نیم ساعته خود، به انتشار «مجموعه اسناد کودتای ۲۸ مرداد از سوی آمریکا» واکنش نشان داد و گفت: «ببینید که در همین هفته‌های اخیر با انتشار تعدادی نامه‌های اداری وزارت امور خارجه آمریکا به عنوان اسناد محرمانه ۲۸ مرداد که در حقیقت هیاهوی بسیار برای هیچ بود چه ولولهای از شادی و شغف بی جهت میان دشمنان ژنتیکی پهلوی افتاد. حالا صرف نظر از اینکه مثلاً پاسخ شاه به سوال روزنامه‌نویس‌ها در ایتالیا کجایش سرتی و محرمانه بوده که به عنوان سرتی و محرمانه بود که این ملت بدهند، صحبت بنده این است که چگونه همان‌ها که امروز مدعی‌اند از فریب‌های تاریخی و از فریب فریب‌ها، نیرنگ ۵۷ درس آموخته‌اند باز هم بعد از انتشار همین مثلاً اوراق که هیچ چیز را ثابت نمی‌کند، دوباره دارند همان حرف‌های سال ۵۷ را به زبان

برای نجات ایران و خطری که آن سز زمین را امروز بیشتر از هرروز تهدید می‌کند، بهره گرفت.»
بهارلو در انتها افزود: «اگر بسیاری از خود اپوزیسیون خوانده‌ها، که خود را مخالف نظام غاصب می‌خوانند، یا به سبب دوری از ایران، این را ندانند و یا اصولاً به خاطر همان ژن پهلوی‌ستیزی، نخواهند تا بدانند و از این اهرم تاریخی برای نجات ایران بهره بگیرند، به خودشان مربوط است، اما این پدیده «زندگی یاد شاه در ذهن گروه و جمع است، اسمش هم حتی فراتر از هنوع «طلبی»، حتی فراتر از سلطنت‌طلبی، که «امنیت‌طلبی» یک ملت است، امنیتی، که بدون آن شاه، سی و نه سالی می‌شود از ایران و ایرانی، گریخته است.»

● **تاکید استاد دانشگاه مرلیند بر میزان توانایی اپوزیسیون**
استاد دانشگاه مرلیند، بهرام بهرامیان نیز در سخنان کوتاه خود، بر این موضوع تأکید کرد، که هیچ یک از نیروهای اپوزیسیون در حال حاضر، به تنهایی توانایی مقابله با جمهوری اسلامی را به قصد سرنگونی ندارند.

گفتگو با منصوره پیرنیا، یکی از بانوان پیشکسوت روزنامه‌نگاری



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

درباره «تاریخ اجتماعی و سیاسی زنان ایران» گردید. با وقوع انقلاب ۵۷ در ایران، منصوره پیرنیا و همسرش داریوش پیرنیا ناگزیر به ترک ایران و اقامت در آمریکا شدند که با کار و فعالیت در روزنامه کیهان لندن و اداره دفتر نمایندگی کیهان در شرق آمریکا ادامه یافت. به مناسبت ۷۵ سالگی موسسه کیهان، با منصوره پیرنیا گفتگویی درباره سال‌های فعالیت‌اش و همکاری در موسسه کیهان داشتیم.

روز» در آمد. وی بیش از هزار و پانصد گزارش خبری، مصاحبه، تفسیر و مقاله در روزنامه کیهان، کیهان بین‌المللی و مجله زن روز منتشر کرد. منصوره پیرنیا دفتر نمایندگی کیهان را در ساختمان پرس کلاب واشنگتن نیز تأسیس کرد و سپس در دانشگاه امریکن در رشته ارتباطات بین‌المللی مشغول تحصیل شد و با تحقیق و نگارش رساله‌ی «ارتباطات سنتی در ایران» به اخذ درجه فوق لیسانس نائل شد و در دوره دکترا مشغول تحقیق

آزاده کریمی، علی اشتیاق - منصوره پیرنیا روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی پیشکسوت، حرفه‌ی خبرنگاری را با تهیه گزارش برای مجله «اطلاعات هفتگی» و «اطلاعات بانوان» شروع کرد. بعدها با گشایش رشته روزنامه‌نگاری در دانشگاه تهران نزد اساتیدی چون استاد فریدون پیرزاده روزنامه‌نگاری را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دنبال کرد. وی همکاری خود را با موسسه «کیهان» در نشریه «مد روز» آغاز کرد و با تأسیس هفته‌نامه کیهان به عضویت در شورای نویسندگان «زن

وزیر دفاع پیشنهادی حسن روحانی: شرّ مطلق در دامان امیر حاتمی



نفر وسط سر تیپ امیر حاتمی

وزارت دفاع ایستاده است. از این گذشته در وزارت «دفاع» اساسا باید از مرزهای ایران نیز خارج شد. زد و بندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی سپاه در دو دهه‌ی گذشته با روسیه، چین و کره شمالی نیز بوده است. همچنین ساختار نظامی سپاه وابسته به بلوک شرق است و از این راه دهها قرارداد نظامی و رانت‌های ریز و درشت به سفره دل‌ها ریخته شده است. حکومت اسلامی ایران، قاسم سلیمانی از سپاه و محمدجواد ظریف در وزارت خارجه را دو بال قدرت خود می‌داند.

سفرهای قاسم سلیمانی به روسیه تنها بخشی از ارتباطات نزدیک سپاه و مسکو است. از طرفی سپاه فراهم کننده‌ی منافع سیاسی و اقتصادی مشترک ایران و روسیه در سوریه و عراق و افغانستان است که با تغییر در راس وزارت دفاع وضعیت آن در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، ارتش همواره از حضور

تمایلی برای نزدیک شدن به ریسی و تیم او نشان ندادند. سپاه پاسداران اما در نقطه مقابل این موضع قرار داشت و در پشتیبانی از ابراهیم ریسی کوتاهی نکرد.

اما گر امیر حاتمی از مجلس رای اعتماد بگیرد تازه با دروس‌های بزرگی روبرو خواهد شد که هم در میدان سیاست او را به بوته‌ی آزمایش خواهد سپرد و هم در تشکیلات سازمانی ارتش گریبان او را خواهد گرفت. در طول ۲۰ سال گذشته به واسطه نفوذ سپاه در دولت و اقتصاد سهم این تشکیلات نظامی عقیدتی-ایدئولوژیک در گرفتن بودجه و منفعتهای مالی چنان زیاد بوده که اصلا قابل مقایسه با ارتش نیست.

از سال ۱۳۹۳ تا کنون بسیج و سپاه ۷۰ هزار میلیارد تومان بودجه گرفته‌اند در شرایطی که ارتش که استعداد نیروی انسانی آن حدود چهار برابر بیشتر از سپاه است تنها ۲۵ هزار میلیارد ظرف سه سال گذشته دریافت

● حسن روحانی پس از ۲۰ سال یک ارتشی را به عنوان وزیر پیشنهادی دفاع معرفی کرده.

● در دسره‌های تصدی وزارتخانه‌های که دو دهه دست سپاه بوده برای یک ارتشی کم نیست.

● برای پیشنهاد امیر حاتمی به عنوان وزیر دفاع از سوی حسن روحانی، سه دلیل عمده می‌توان برشمرد. اول، تشدید تحریم‌های آمریکا علیه سپاه پاسداران؛ و دوم، حمایت علنی سپاه از ابراهیم ریسی در جریان انتخابات ریاست جمهوری دور دوازدهم؛ و سوم، چشم‌انداز یک جنگ احتمالی که در آن جمهوری اسلامی به نیروی ارتش نیاز دارد و نمی‌تواند پی‌اعتنایی خود را نسبت به آن ادامه دهد و هر آنچه دارد، خرج عزیزدردانه‌ی خود، سپاه پاسداران، کند.

حسن روحانی لیست کابینه‌ی دوازدهم را اعلام کرد و سر تیپ امیر حاتمی در این لیست به عنوان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروی‌های مسلح به مجلس شورای اسلامی معرفی شده است.

امیر حاتمی که تا پیش از این مقام جانشینی احمد دهقان وزیر دفاع جمهوری اسلامی را داشت، یک نظامی ارتشی است. از آخرین باری که یکی از امرای ارتش وزیر دفاع بود، ۲۰ سال می‌گذرد. در تمام این دوران وزارت دفاع تحت سلطه‌ی سرداران سپاه بوده که همگی آنها با چراغ سبز و تایید علی خامنه‌ای به این سمت منصوب می‌شدند.

برای پیشنهاد امیر حاتمی به عنوان وزیر دفاع از سوی حسن روحانی، سه دلیل عمده می‌توان برشمرد. اول، تشدید تحریم‌های آمریکا علیه سپاه پاسداران؛ و دوم، حمایت علنی سپاه از ابراهیم ریسی در جریان انتخابات ریاست جمهوری دور دوازدهم؛ و سوم، چشم‌انداز یک جنگ احتمالی که در آن جمهوری اسلامی به نیروی ارتش نیاز دارد و نمی‌تواند بی‌اعتنایی خود را نسبت به آن ادامه دهد و هر آنچه دارد، خرج عزیزدردانه‌ی خود، سپاه پاسداران، کند.

با تصویب مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، دونالد ترامپ رییس جمهوری ایالات متحده باید ظرف ۹۰ روز افراد و شرکت‌های مرتبط با سپاه را که در توسعه‌ی برنامه‌های موشکی ایران، حمایت از گروه‌های تروریستی منطقه و سرکوب فعالین سیاسی و اجتماعی مرتبط هستند را معرفی و در فهرست تحریم‌ها قرار دهد. بنابراین امکان اینکه نام یک وزیر دفاع پاسدار در لیست تحریم‌ها قرار بگیرد هم محتمل و هم برای دولت روحانی دردسرساز است.

از طرفی در ایام انتخابات بدنه‌ی ارتش پشت روحانی قرار گرفت و به جز معدود امرای لشکر خراسان و روسای سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش، بقیه مقام‌های بلند پایه آن



قاسم سلیمانی در ماموریت برون مرزی

نظامی در سوریه شانه خالی کرده است. دهم مرداد معاون سیاسی سپاه اعتراف کرد که این تشکیلات برای انسانیت در سوریه می‌جنگد در حالی که ارتش حضور کم‌رنگ خود در سوریه را هنوز نتوانسته توجیه کند. ۲۹ فروردین سال ۱۳۹۵ احمدرضا پوردستان، جانشین فعلی ارتش گفته بود: «هیچ‌گونه یگان نظامی به سوریه اعزام نکرده‌ایم و طبق درخواست‌های سوریه، نیروهای نظامی به‌عنوان مستشار اعزام کرده‌ایم»، اما سه روز بعد مطالبه‌ی صالحی فرمانده کل ارتش مدعی شد که «ارتش در سوریه ماموریت مستشاری ندارد و تنها بعضی داوطلبان به سوریه اعزام شدند که تحت مسوولیت همان سازمان مسوول هستند».

اینها اندکی از مشکلاتی است در حوزه خارجی که وزیر دفاع آینده، اگر امیر حاتمی و از ارتش باشد، باید با آنها کنار بیاید، چگونه؟ مشخص نیست. گفتنی است که وزارت «دفاع» در ابتدای شکل‌گیری در دوران ناصرالدین شاه قاجار، «وزارت جنگ» نام داشت. به نظر می‌رسد این نام برای این وزارت‌خانه در دوران جمهوری اسلامی به ویژه با مسامحه بوده باشد چرا که علاوه بر خارج از مرزهای ایران، از نظر ساختاری با دیگر تشکیلات نظامی موزاری در یک «جنگ خاموش» به سر می‌برد. نهادهایی پس از انقلاب اسلامی شکل گرفته‌اند و به طور نامتعارف نه تنها به فعالیت خود ادامه می‌دهند بلکه قدرت و امکانات بیشتری نیز نسبت به نهادهای متعارف دارند.

کرده است. این در شرایطی است که سپاه به واسطه حضورش در ۳۴ تا ۴۰ درصد اقتصاد ایران درآمدهای جانبی از پروژه‌های مختلف دارد، اما ارتش حتی توان ساخت و ساز برای پادگان‌های فرسوده خود و رسیدگی به مطالبات معیشتی پرسنل‌اش را هم ندارد و می‌خواست با اجاره دادن آنها به سپاه برای خود درآمدی دست و پا کند.

به طور منطقی، انتصاب وزیر دفاع ارتشی یعنی افزایش توقعات سازمانی برای جبران کسری بودجه‌ی ارتش در تمام این سال‌ها. قابل پیش‌بینی است که دست وزیر دفاع جدید در صورت تایید توسط مجلس، چندان در کاهش بودجه سپاه که بخش عمده‌ی آن صرف فعالیت‌های موشکی، کمک به حفظ قدرت بشار اسد در سوریه، حمایت از حزب‌الله لبنان، حوثی‌ها در یمن، حشدالشعبی در عراق و طالبان در افغانستان می‌شود باز نخواهد بود.

در واقع حاتمی عهده‌دار وزارتخانه‌ای می‌شود که کلیدش دست او خواهد بود و از بیت علی خامنه‌ای و سپاه برای او تعیین تکلیف می‌شود. عدم استقلال در وزارت، باید و نبایدهای از پیش تعیین شده، پاسخگویی به نیازهای سازمانی، مطالبات معیشتی ارتشی‌ها و سوار شدن بر وزارتخانه‌ای که ۲۰ سال است ساختار آن بیش از آنکه شبیه یک پادگان یا اداره نظامی باشد شبیه حسینی یا پایگاه بسیج شده، از اصلی‌ترین مشکلات پیش روی یک امیر ارتش است که حالا در یک قدمی

برای بسیجیان خاص مجوز حمل سلاح صادر می‌شود

«نیروهای خاص بسیج» چرا باید از اینکه هستند مسلح‌تر شوند؟ رییس مرکز انتظام ناجا مدعی شده مجوز برای بسیجیانی صادر می‌شود که شرایط جسمی، روانی و سلامت لازم برای تحویل سلاح را داشته باشند و همین‌طور تاکید کرده باید زیر نظر پلیس آموزش‌های لازم را بار دیگر طی کنند، این یعنی نیروی انتظامی بخشی از آموزش بسیجیان برای تیراندازی را به عهده گرفته و سلامت روانی آنها را هم تایید می‌کند، بنابراین مسوولیت هر اقدامی توسط آنها بر گردن پلیس هم خواهد بود؛ در چنین شرایطی با توجه به شکل ماموریت و نیاز به حمل سلاح چرا آنها نباید عضو نیروی انتظامی باشند؟

این در شرایطی است که بارها بسیجیان در گوشه و کنار شهرها به صورت غیرقانونی اقدام به اسلحه‌کشی علیه شهروندان کرده‌اند. بارزترین نمونه آن هفت‌تیرکشی محمود کریمی مداح بیت رهبری در یکی از اتوبان‌های تهران در سال ۱۳۹۲ بود. همچنین در ماه‌های گذشته بارها در ماموریت‌های مشترکی که نیروی انتظامی و بسیج صورت گرفت، از جمله سرکوب اعتراض مالباختگان موسسات بانکی، نیروهای دو طرف



آموزش کلت برونینگ در یکی از پایگاه‌های بسیج شهر قم

این گروه‌های مکتبی و مسلح نیز آرامش ندارند.

مشخص نیست در شرایطی که در پادگان‌های ایران حوادثی مثل خودکشی و شلیک به هم‌خدمتی‌ها افزایش می‌یابد، چطور قرار است برای اعضای بسیج، مجوز حمل سلاح صادر شود و آنها را به جان هم و جامعه انداخت. آن هم در شرایطی که سربازان از نظر سنی بالغ هستند و دست‌کم آموزش مقدماتی رزم را دیده‌اند. از طرفی مشخص نیست، ماموریت بسیج در شهرها چیست که بعضی

● با اصلاح آیین‌نامه مجوز حمل سلاح دست بسیجیان برای حمل اسلحه در شهرها باز تر می‌شود.

نیروی انتظامی اعلام کرده علاوه بر «نظامیان بازنشسته که در دوران خدمت حق حمل سلاح داشتند» و «بعضی از کارکنانی که در شیفت فراغت در موسسات حفاظتی و مراقبتی اشتغال دارند»، برای بسیجیانی که زیر نظر سپاه آموزش دقیق و کامل دیده‌اند نیز مجوز حمل سلاح صادر می‌شود.

به گفته سپروس فتحی، رییس مرکز انتظام ناجا صدور مجوز حمل سلاح برای افراد خاص با هدف اصلاح آیین‌نامه مجوز حمل سلاح صورت گرفته و همه این گروه‌ها باید زیر نظر پلیس پیشگیری آموزش‌های لازم را بار دیگر گذرانده و شرایط جسمی، روانی و سلامت لازم برای تحویل سلاح در آنها بررسی شود.

این مقام انتظامی عنوان کرده در اختیار گذاشتن تجهیزات و لوازم دفاع شخصی از دیگر اقدامات مرکز انتظام است و این تجهیزات برای بعضی از شهروندان دارای مشاغل و شرایط خاص از طریق مرکز انتظام قابل دسترس بوده و این عزیزان می‌توانند در صورت دارا بودن شرایط لازم و همچنین داشتن صلاحیت‌های روانی و جسمانی از این لوازم استفاده کنند. در اختیار قرار دادن سلاح آن هم با مجوز برای سازمانی شبه‌نظامی که بخش عمده‌ی اعضای آن نوجوانانی زیر سن قانونی هستند، اما از دوران مدرسه تحت آموزش بسیج مدارس یا مساجد محلات قرار گرفتند و کارت عضویت بسیج برای آنها صادر شده عملا تهدید امنیتی جامعه‌ای است که به خودی خود گرفتار التهاب‌ها و تنش‌های عمیق است.

در بسیاری از شهرهای ایران بسیج مساجد در محلات سلاح در اختیار نوجوانان قرار می‌دهد و آنها شب‌های تعطیل یا در روزهای خاص با ایجاد ایست بازرسی اقدام به تفتیش اتومبیل شهروندان می‌کنند. سن بسیاری از این نوجوانان عضو بسیج که در پادگان‌های سپاه دوره‌های آموزش تیراندازی دیده‌اند بین ۱۲ تا ۱۶ سال هستند ولی سلاح و تجهیزات نظامی برای آنان هنوز حکم اسباب‌بازی دارد. این مشکل مزمنی است که پس از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ گریبان مردم را گرفته که شب و روز از دست



بخشی از بسیجیان که اعضای فعال هستند در ماموریت‌ها به آنها مجوز حمل سلاح داده می‌شود، اما گاهی این اسلحه به طور دائم حتی در ساعات غیرماموریتی با آنها حمل می‌شود، به این شکل آنها برای سرکوب اعتراضات مردمی امکان بیشتری پیدا می‌کنند همچنان که در تظاهرات سال ۸۸ در اعتراض به نتایج ریاست جمهوری دهم نفر از معترضین کشته شدند، اما مشخص نشد تیراندازی به آنها از جانب کدام نیرو انجام شده و مسوولیت آن با چه سازمانی بوده است

نیروهای آن نیاز به حمل سلاح داشته باشند؟! وقتی تشکیلاتی همچون سپاه و پلیس حفاظت اماکن حساس و شهرها را به عهده دارند و ارتش هم مسوولیت‌اش مشخص است،

موازی، نیست.

زنان شاخص

آتوسا پور کاشیان

(۱۳۶۷-تهران)



آتوسا پور کاشیان شطرنج‌باز ایرانی است که درجه استادبزرگ زنان را در اختیار دارد و در سال ۲۰۰۰ قهرمان وی هم‌اکنون (۲۰۱۰) بالاترین ریتینگ را در میان شطرنج‌بازان زن ایرانی در اختیار دارد. پورکاشیان در سال ۲۰۰۹ دومین شطرنج‌باز ایرانی، پس از شادی پریدر، شد که به درجه استادبزرگ زنان می‌رسد. آخرین ریتینگ او در ژانویه ۲۰۱۱ معادل ۲۳۷۳ بوده که او را در رده هفدهم بین شطرنج‌بازان ایرانی ورده ۹۲ بین شطرنج‌بازان زن دنیا قرار می‌دهد. پورکاشیان در ۱۰ سالگی برای اولین بار به کلاس شطرنج بَنکدار در فرهنگسرای بهمن رفت. بعد از دو سه ماه آموزش، در مسابقه‌ای که برای قهرمانی تهران رده سنی زیر ۱۰ سال برگزار می‌شد، شرکت کرد و موفق به کسب مقام اول شد. وی ۷ سال تحت تعلیم هادی مؤمنی، قهرمان سابق شطرنج ایران بود و مدتی نزد خسرو هرنندی و هاملت



زن روز



پروین اعصامی

ای خوش از تن کوچ کردن، خانه در جان داشتن روی مانند پری از خلق پنهان داشتن همچو عیسی بی پرو بی بال بر گردون شدن همچو ابراهیم در آتش گلستان داشتن کشتی صبر اندرین دریا افکندن چو نوح دیده و دل فارغ از آشوب طوفان داشتن در هجوم ترکاناز و کمانداران عشق سینه‌ای آماده بهر تیرباران داشتن روشنی دادن دل تاریک را با نور علم در دل شب، پر تو خورشید رخشان داشتن همچو پاکان، گنج در کنج قناعت یافتن مور قانع بودن و ملک سلیمان داشتن



خطرات قند خون پائین در هنگام تولد

میزان قند خون یکی از مهم ترین ملاک های سلامتی است. کاهش و یا افزایش قند خون می تواند موجب بروز برخی اختلالات در سلامتی شما شود. یکی از مهمترین نکات در حین تولد نوزاد میزان قند خون اوست که میتواند پیامد های خطرناکی را برای سلامتی وی در ادامه زندگی در پی داشته باشد. مطالعات جدید نشان می دهد نوزادانی که هنگام یا نزدیک تولد قند خون پایینی دارند، در سنین بین ۴ تا ۵ سالگی، دو تا سه برابر بیشتر در معرض مشکلات مربوط به تمرکز، حافظه، هماهنگی بصری- حرکتی، برنامه ریزی و حل مساله قرار دارند. هر شش نوزاد، یک نفر قند خون پایینی دارد. مطالعات محققان نیوزیلند در دانشگاه اوکلند نشان می دهد قند خون پایین نوزاد احتمال بروز مشکلاتی نظیر حافظه، برنامه ریزی، تمرکز و حل مساله را در سنین حدود ۴.۵ سالگی دو تا سه برابر افزایش می دهد. این مطالعه نشان می دهد کاهش قند خون تاثیر بر عملکرد عمومی تفکر و بهره هوشی ندارد؛ بلکه مهارتهایی از قبیل عملکرد اجرایی و هماهنگی چشم و دست را تحت تاثیر قرار می دهد. محققان احتمال می دهند کاهش این توانایی ها بر موفقیت های تحصیلی موثر باشد، ولی هنوز تاثیر دقیق آن مشخص نیست. قند خون پایین در نوزادان 'neonatal hypoglycemia' نام دارد و یکی از مهمترین عوامل قابل پیشگیری آسیب رسان به مغز است. نوزادان زودرس و نوزادان متولد شده از مادر کم سن یا سن بالا یا مبتلا به دیابت بیشتر در معرض این اختلال قرار دارند. نوزادانی که در معرض این خطر قرار دارند باید با استفاده از پاشنه یا آزمایش گلوکز شوند و در صورت پایین بودن قند خون درمان شوند.

روش های کاهش وزن بعد از ازدواج

لذت بردن از ورزش در کنار هم می تواند روابط بین شما و همسران را تقویت کند. مهم این است که همدیگر را در نظر بگیرید و نسبت به فعالیت ها و ورزش های جدید با ذهنی باز عمل کنید.

اصول پایه ای سالم غذا خوردن جهت کاهش وزن برای مردان و زنان یکی است و فقط مقدار وعده ها است که با هم متفاوت است. این یعنی هر دو می توانند از وعده ای سالم لذت ببرند.

برای کاهش وزن و حفظ عضلات بدن، بسیار مهم است که هر دو برنامه غذایی را دنبال کنید که قند خونتان را متعادل می کند. این یعنی خوردن پروتئین با کیفیت با هر وعده و میان وعده که برای دو نگر داشتن احساس گرسنگی ضروری است. منابع پروتئین عبارتند از ماهی، گوشت قرمز، تخم مرغ، عدس، شانه‌دانه، آجیل ها، دانه ها و ماست طبیعی. برنامه غذایی

اکثر مردان و زنان پس از ازدواج با افزایش وزن نسبی رو به رو می شوند که این موضوع باعث نگرانی و ناراحتی آن ها می شود و همسران افراد نیز از این موضوع گله می کنند به همین دلیل روش های کاهش وزن در محیط خانواده و با کارهای ساده برای رسیدن به وزن ایده آل به شما توصیه می شود.

تحقیقات در سال ۲۰۱۳ نشان داد ۶۰ درصد از افرادی که وارد رابطه زناشویی می شوند وزنشان افزایش می یابد و ۷۲ درصد از این افراد نیز ادعا کردند که همسرشان نیز دچار افزایش وزن شده است. به صورت کلی ۶۶ درصد از زوج ها بعد از اینکه زندگی را با یکدیگر شروع کردند افزایش وزن را نیز در کنارش داشته اند.

اگر چندان اتفاقی برای شما نیز افتاده است و هر دو به دنبال بازگرداندن وضعیت هستید واضح ترین راه حل این است که با یکدیگر انجامش دهید. انجام این کارها مسلماً با همراهی شخصی دیگر که هدفی یکسان با شما دارد ساده تر می شود و می توانید در طول مسیر یکدیگر را از نظر انگیزشی و درک کمک کنید.

در تئوری ورزش با یکدیگر باید نشاط آور و ساده باشد. چیزهای زیادی وجود دارد که می توانند باعث شوند این کار از آنچه فکرش را می کنید دشوارتر شود. تفاوت توانایی و قدرت با یکدیگر می تواند در کار اختلال ایجاد کند و باعث نا امید می شود.

بهترین توصیه برای زوج هایی که می خواهند با هم ورزش کنند اما در یک سطح توانایی بدنی نیستند این است که روی مقاومت وزن بدن، تغییر سرعت و انجام آن برای مدت زمانی خاص تمرکز کنند. وقتی بحث زمان مطرح باشد دیگر کسی به تعداد دفعات و میزان توان دقت نمی کند و در این مدت هر کدام به اندازه ای که می تواند یک حرکت را انجام می دهد. برای مثال یک دقیقه دراز و نشست.

انجام فعالیت هایی که هر دو از آنها لذت می برید نیز مهم است که البته کار دشواری هم هست چون ممکن است برای مثال یکی ورزش های هوازی را دوست داشته باشد دیگری ورزش های قدرتی. بنابراین باید به این فکر باشید که چگونه فعالیت ها را با هم ترکیب کنید که هر دو از انجامش لذت ببرند.

روی هم رفته ورزش کردن با یک همراه مزایای بسیاری دارد. بیشتر به آن پایبند خواهید بود، تلاش مضاعف خواهید داشت و مهمتر از همه انجامش برایتان لذت بخش تر می شود. چه کسی گفته نمی توانید هنگام ورزش بخندید و شاد باشید؟

۷ فیلم انگیزشی برای کودکان و نوجوانان

تفاوت های خودتان را در آغوش بگیرید و چیزی باشید که واقعا هستید. این فیلم نشان می دهد که دوستی و کار گروهی کلید موفقیت زندگی است. تجربه آشنایی با دیگران، همیشه سرگرم کننده و پر از اتفاقات تازه ای است.

۳- فیلم «شیرشاه»: تجربیات سخت به رشد و شکوفایی شما کمک می کنند. سیمبا وارث تاج و تخت پدرش است، اما پس از اینکه اسکار عموی شیطان صفتش پدرش را می کشد، مجبور به ترک خانواده اش می شود. وقتی بزرگ می شود به سرزمین خود برمی گردد و با کمک دوستانش با عمویش مقابله می کند.

۴- فیلم «شیرشاه»: اهمیت کسب تجربه از گذشته را نشان می دهد و این واقعیت را بازگو می کند که تجربیات دردناک گذشته تلخ ولی آموزنده هستند و منجر به رشد می شوند. به گفته مارک تواین، «هن در زندگی ام نگرانی های زیادی داشتم، چیزهایی که هرگز اتفاق نیفتادند».

۵- فیلم «ماشین ها»: پیروزی موقتی است و نیکی پایدار است. لایتینگ مک کوئین یک ماشین است که خودش را در یک شهر قدیمی پیدا می کند و دوست دارد تا در مسابقات قهرمانی جام پیستون شرکت کند.

۶- فیلم «ماشین ها»: ما قادر به استفاده از قدرت واقعی خود در مسیر مسئولانه نیستیم. «ماشین ها» یک اثر عالی است که ویژگی های قدرتمند شدن را نشان می دهد. به قول فیلم مرد عنکبوتی: «قدرت زیاد مسئولیت زیاد هم می آورد».

۷- فیلم «ببخزده»: عشق واقعی هنگامی می آید که طعم واقعی غم را چشیده باشی. زندگی یک دختر ۱۱ ساله به دلایلی رو به زوال است و این فقط احساسات اوست که نجاتش می دهد. رویدادهای استرس زا و تغییرات زیاد در زندگی او غم و اندوه ایجاد می کند. این فیلم نشان می دهد که چقدر مهم است که اجازه دهیم درونیات ما را دیگران بدانند و از ابراز ناراحتی ترسیم و کمک دیگران را بپذیریم. درک این احساس این امکان را ایجاد می کند تا بیشتر به دیگران و غم و اندوه آنها نزدیک شویم.

۸- فیلم «ببخزده»: عشق را می توان در خانواده پیدا کرد. آنا برای نجات پادشاهی و شکستن طلسم یخی باید مبارزه کند. آنا نه تنها باید پادشاهی را نجات دهد، بلکه باید خواهرش را نیز نجات دهد.

وقت تنهایی نجنگد. هنگامی که باز لایت پیر (یک اسباب بازی جدید) وارد صحنه می شود، وودی موقعیت خود را به عنوان اسباب بازی مورد علاقه اندی در خطر قرار می دهد. هنگامی که خانواده اندی اسباب کشی می کنند، وودی و دوستانش باید از همسایگان بد خود فرار کنند و با اندی

خواهند داد و به سوالات کودکان آنها درباره جهان پاسخ می دهند. چند نمونه از این فیلم های انگیزشی را با هم مرور می کنیم:

۱- فیلم «چگونه ازدهای خود را آموزش دهیم»: تفاوتها را بپذیرید و همان باشید که واقعا هستید. هیپاک از توانایی خودش نسبت به مبارزه با اژدها نامطمئن است. او به مدرسه مبارزه با اژدها می رود، با این حال با یک اژدهای زخمی به نام «بی دندان» دوست می شود. این فیلم نشان می دهد که ما باید فرزندان خود را تشویق کنیم تا کسی باشند که واقعا هستند، نه اینکه چیزی باشند که جهان یا ما از آنها می خواهیم. این بزرگترین مشکل والدین با فرزندان است.

۲- فیلم «لگو»: همه عادی هستند، تا وقتی که تبدیل به فوق العاده شوند. یک عروسک عادی لگو به اسم امت به اشتباه فکر می کند که عروسک ویژه و فوق العاده ای است. در جدیت تمام، این فیلم اهمیت متفاوت بودن را نشان می دهد. دست از تلاش برای شبیه دیگران بودن بردارید و



هوس غذایی می شود. **۴- بیشتر بخوابید:** تحقیقات نشان داده یک شب درست خوابیدن و احساس خستگی در روز بعد موجب می شود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کالری اضافی دریافت کنیم. برای دریافت انرژی که باید از خواب دریافت می کردیم حالا مجبوریم رو به غذاهای نشاسته ای و قندی بیاوریم.

۵- بیشتر آب بنوشید: افراد معمولاً تشنگی را با گرسنگی اشتباه می گیرند. اگر احساس کردید گرسنه هستید ابتدا یک لیوان آب یا مقداری دمنوش گرم بنوشید و سپس ۲۰ دقیقه صبر کنید تا گرسنگی فروکش کند.

۶- خود را با چیزی غیر از غذا آرام کنید: هوس غذایی خاص معمولاً همراه با اوج گرفتن احساسات است و در نتیجه موجب پرخوری می شود. به جای آرام کردن احساسات با غذا خود را با چیزهایی غیر از غذا آرام کنید برای مثال یک دوش آب گرم، پیاده روی کنید و یا برنامه مورد علاقه خود را تماشا کنید.

هوس غذایی می شود. **۴- بیشتر بخوابید:** تحقیقات نشان داده یک شب درست خوابیدن و احساس خستگی در روز بعد موجب می شود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کالری اضافی دریافت کنیم. برای دریافت انرژی که باید از خواب دریافت می کردیم حالا مجبوریم رو به غذاهای نشاسته ای و قندی بیاوریم.

۵- بیشتر آب بنوشید: افراد معمولاً تشنگی را با گرسنگی اشتباه می گیرند. اگر احساس کردید گرسنه هستید ابتدا یک لیوان آب یا مقداری دمنوش گرم بنوشید و سپس ۲۰ دقیقه صبر کنید تا گرسنگی فروکش کند.

۶- خود را با چیزی غیر از غذا آرام کنید: هوس غذایی خاص معمولاً همراه با اوج گرفتن احساسات است و در نتیجه موجب پرخوری می شود. به جای آرام کردن احساسات با غذا خود را با چیزهایی غیر از غذا آرام کنید برای مثال یک دوش آب گرم، پیاده روی کنید و یا برنامه مورد علاقه خود را تماشا کنید.



مردان شاخص



ساعت و ثبت رکورد جدیدی توسط وی به پایان رسید. قانم مقامی در این رقابت با انجام بیش از ۵۶ کیلومتر پیاده‌روی صاحب ۵۹۰ پیروزی شد. وی همچنین در ۱۶ دیدار به نتیجه تساوی رضایت و نتیجه ۸ دیدار را هم واگذار کرد. بدین ترتیب این استاد بزرگ شطرنج، با کسب بیش از ۹۰ درصد امتیازات لازم رکورددار مسابقات سیمولتانه شد تا نامش در کتاب رکوردداران جهان گینس ثبت شود.

احسان قائم مقامی (۱۳۶۱- تهران)

احسان قائم مقامی اولین استاد بزرگ شطرنج ایران است که در سال ۲۰۰۱ (میلادی) به این مقام دست یافته‌است. همچنین رکورددار بالاترین درجه بین‌المللی کسب شده در فدراسیون جهانی شطرنج (۲۶۳۳) در بین شطرنج‌بازان ایرانی است. وی در یک دوره بازی مقابل آناتولی کارپوف از قهرمانان اسطوره‌ای جهان که در تهران در بهمن ماه ۱۳۸۷ برگزار شد توانست در مجموع امتیازات ۱۰.۵-۹.۵ رقیب خود را شکست دهد. در این مسابقه‌ها برتری او به خصوص در رده بازی‌های سریع و برق آسا بود.

احسان قائم مقامی، استاد بزرگ شطرنج، رقابت سیمولتانه خود با ۶۰۴ شطرنج‌باز را که بیش از ۲۵ ساعت به طول انجامید با کسب ۵۹۰ پیروزی به پایان رساند. مسابقه سیمولتانه احسان قائم مقامی با ۶۰۴ شطرنج‌باز که از ساعت ۱۰:۱۰ سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۹ در دانشگاه بهشتی آغاز شده بود پس از گذشت بیش از ۲۵



فاش شدن میزان افسردگی با عکس‌های اینستاگرام

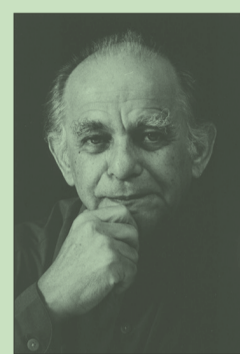
چه ارتباطی میان عکس‌های اینستاگرام و میزان افسردگی فرد وجود دارد؟ دانشمندان به تازگی موفق به طراحی الگوریتم‌هایی شده‌اند که می‌توانند با کمک آنها میزان افسردگی فرد را تشخیص دهند. این تشخیص بر اساس عکس‌های اینستاگرام صورت می‌گیرد. دانشمندان آمریکایی موفق به طراحی الگوریتمی شده‌اند که می‌تواند با اسکن عکس‌های اینستاگرام میزان افسردگی افراد را بسنجد. محققان دانشگاه ورمونت و دانشگاه هاروارد گفته‌اند میزان تشخیص افسردگی به وسیله این الگوریتم با ۷۰ درصد دقت انجام می‌شود در حالی که این میزان موفقیت پزشکان عمومی در تشخیص افسردگی تنها ۴۲ درصد است. این الگوریتم با بررسی عکس‌های اینستاگرام افراد می‌تواند سرنخ‌هایی از افسردگی را در آنها تشخیص دهد. دانشمندان و طراحان این الگوریتم با روش ابداعی خود تا کنون ۱۶۶ فرد را که خواب و خوراکشان در اینستاگرام سپری شده مورد بررسی قرار داده‌اند که نتایج آن نشان می‌دهد نیمی از آنها در سه سال گذشته دچار افسردگی شده‌اند.

همچنین محققان با بررسی ۴۴ هزار عکس، سرنخ‌هایی از افسردگی افراد را یافته‌اند که می‌تواند وضعیت ذهنی آنها را نشان دهد. افراد افسرده معمولاً از عکس‌هایی خشن با رنگهای تیره و افراد سالم بیشتر از فیلترهای گرم و روشن برای عکس‌های خود استفاده می‌کنند.

بیشتر از حد لازم بخوابیم، هر چند این الگوی خواب ما را مختل کند. باید بدانید که استراحت کردن لزوماً به معنای آرام گرفتن نیست. وقتی بیش از اندازه به احساسات خود توجه کنید، قطعاً بیشتر می‌خواهید و بیشتر هم احساس خستگی خواهید کرد. استراحت یک فعالیت است و به معنای انجام هیچ کاری نیست! باید بدانید که هنگام استراحت مغز به شدت در شرایط تحریک به سر می‌برد، پس به طور غیرمستقیم معنای استراحت با آنچه که جامعه آن را استراحت می‌خواند، متفاوت



مرد روز



فریدون مشیری

شبی دور از تو - اما با تو - تا صبح در آن دوران شیرین ره سپردم تو را با خود به آنجاها که یک عمر غمت جان مرا می برد بر دم هزاران بار دستت را به گرمی به روی سینه ی تنگم فشردم وفاهای تو را یک یک ستودم خطاهای تو را ده ده شمردم ز حد بگذشت چون خودکامگی هات صفای خویش را افسوس خوردم به چشم خویشتن دیدی در این عشق تو در من زیستی من در تو مردم

چرا حتی پس از استراحت احساس خستگی می‌کنید؟

همه آن چیزهایی که شما درگیرش کردید، بلکه آماده و مشتاق اطلاعات بیشتری است. مطالعات اخیر نشان داده که وقتی مغز فعالانه در خدمت یک عمل آگاهانه نیست، در حالت آماده‌سازی برای تعامل اجتماعی و واکنش است. واقعیت مهم دیگری که باید در نظر بگیرید، این است که مغز به چیزی نیاز دارد تا تمرکز کند و به حرکت دربیاید. مغز به یک هدف نیاز دارد؛ به یک هدف ساده مثل دوش گرفتن فکر کنید. اغلب موارد شما در مورد چیزهای دیگر فکر می‌کنید و ذهن شما مشغول کار کردن و تمرکز روی مشکلات و موضوعات دیگر دارد. این نوع فعالیت ذهنی ضروری و سودمند است، اما این خواب را از شما دور می‌کند. پس اجازه دهید که ذهن شما آزادانه عمل کند و سریع‌ترین راه

احساس خستگی می‌کنید و باید هرچه زودتر بعد از کار به خانه بروید و روی میل دراز بکشید. حتی بعد از آن هم می‌خواهید تا وقت بیشتری را به استراحت خود اختصاص دهید ولی متأسفانه برای سرحال شدن و رهایی از خستگی، کارهای دیگری مثل ورزش یا خواندن کتاب را جایگزین خواب کنید. تعجب می‌کنید وقتی ورزش یا کتاب خواندن بیش از خوابیدن خستگی شما را از بین می‌برد؛ در حالیکه وقتی بیشتر استراحت می‌کنید، بیشتر احساس خستگی می‌کنید. به همین دلیل اغلب مردم احساس خستگی می‌کنند و با خوابیدن زیاد وقت خود را می‌سوزانند.

سریع‌ترین کار برای پایان خستگی بدن این است که ذهن خود را آزاد کنید. اما اکثر مردم تمایل دارند که به جای این کار، روی میل لم بدهند یا روی تخت دراز بکشند. سریال تماشا کنند یا نت‌فلیکس ببینند. در حالی که بدن شما در حالت آرامش قرار دارد ولی ذهن شما استراحت نمی‌کند؛ همچنان خسته خواهید بود. استراحت به معنای عدم فعالیت ذهنی هم نیست و فقط استراحت دادن به فیزیکی بدن نیست. هنگامی که شما فعالیت‌هایی مانند آنچه در بالا برشمرده شد را انجام می‌دهید در واقع فعالیت ذهنی خود را ادامه داده‌اید و این یعنی استراحت را غیرممکن کرده‌اید و همچنان دارید فعالیت می‌کنید.

بی‌تمرکز تماشا کردن تلویزیون، مرور کردن اینترنت یا خواندن توییت، به معنای از دست دادن تمرکز نیست. این نوع تعامل و تحریم ذهنی شما را حتی خسته‌تر از موقعی می‌کند که استراحت نمی‌کنید.

در چنین شرایطی، مغز شما نه تنها بی سر و صدا مشغول پردازش



حقایق باورنکردنی در خصوص بدن مردان

شود، جنین به عنوان دختر شروع به رشد می‌کند. می‌توان گفت که در ابتدا همه انسان‌ها مونث هستند.

۶- پوست ضخیم

هورمون تستوسترون در بدن مردان باعث ضخیم شدن پوست آنها می‌شود. پوست مردان حدود ۲۵٪ ضخیم‌تر از پوست زنان است. با این حال، پوست مردان در طول عمرشان ضعیف‌تر می‌شود، در حالی که ضخامت پوست زنان، تا زمان یائسگی به همان میزان باقی می‌ماند.

۷- سیب آدم

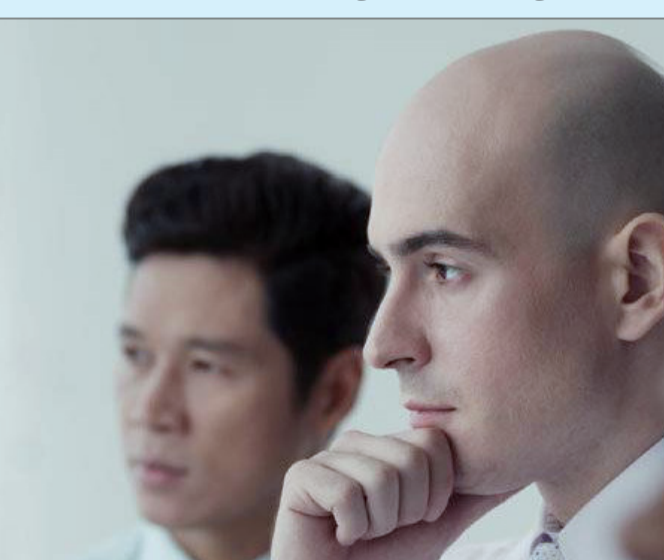
آیا تا به حال به آنچه که به نام سیب آدم معروف است فکر کرده‌اید، و اینکه چرا این عضو در بدن مردان بزرگتر است؟ سیب آدم در زنان تنها یک برآمدگی کوچک در گردن است که از غضروف تیروئید ساخته شده و تنها هدف آن

استفاده برای شخص باشد. مثل درمان‌هایی که برای تحریک قلب، مشکلات غده هیپوفیز و هیپوتالاموس استفاده می‌شود. همچنین مصرف مواد مخدر و یا گرسنگی شدید می‌تواند مسبب این اتفاق باشد.

۲- طاسی

شاید برای تان لذت بخش باشد که بدانید تمایل ژنتیکی در کاهش موها توسط کروموزوم X از مادر منتقل می‌شود، اما این کاملاً دلیل طاسی نیست. عوامل دیگری نیز در بدن مردان وجود دارد که کم‌اهمیت نیستند.

اگر پدر یک مرد طاس باشد، شانس شخص برای از دست دادن موهایش ۶۰٪ افزایش می‌یابد. فعالیت هورمون‌های بدن مردان نیز بر فولیکول‌های مو تاثیر می‌گذارد به طوری که بدن به تدریج توانایی خود را برای تولید موهای جدید از دست می‌دهد. استرس و رژیم غذایی نامناسب نیز به طور قابل توجهی خطر ابتلا به طاسی



محافظة از تارهای صوتی است. این غضروف تیروئید مسئولیت تولید تن صدای بالاتر از صداهای عادی را برعهده دارد. در دوران نوجوانی یک شخص، زاویه آن در رابطه با غضروف حلقوی تغییر می‌کند و یک سیب آدم تشکیل می‌دهد و اصطلاحاً منجر به "شکستن" صدای یک فرد می‌شود. این زاویه در مردان نسبت به زنان کوچکتر است، و این باعث می‌شود که برآمدگی آن بزرگتر و تن صدای مردان پایین‌تر باشد.

۸- تشخیص رنگ

مردان نسبت به زنان سایه‌های رنگی کمتری را می‌توانند تشخیص دهند، و دلیل آن واقعا ساده است. تشخیص رنگ توسط سلولهای مخروطی شبکیه تعیین می‌شود. اطلاعات در مورد رنگها در کروموزوم X موجود است، و به این دلیل که زنان دارای دو کروموزوم X هستند، تعداد سلولهای مخروطی که به طور طبیعی دارند، دو برابر بیشتر از مردان است.

را افزایش می‌دهد.

۴- سندرم قبل از قاعدگی زنان

این ممکن است برای برخی بسیار شگفت‌انگیز باشد، که ۲۶٪ مردان نیز سندرم پیش از قاعدگی را تجربه می‌کنند. در طول این دوره انسان حساس‌تر، تحریک پذیر و گرسنه می‌شود. مردان حتی می‌توانند درد شکم و گرفتگی در عضلات داشته باشند. بدین معنی است که آنها دقیقاً علائمی مشابه یک زن را تجربه می‌کنند.

۵- اصالت زنانه

همه انسان‌ها در جهان، وجود خود را به عنوان یک زن آغاز می‌کنند. کروموزوم‌های X و Y مسئول تعیین جنسیت فرد هستند. اگر دو کروموزوم X در طول دوره با هم همخوانی داشته باشند، یک دختر تولید می‌شود؛ اگر کروموزوم‌های X و Y با یکدیگر متحد شوند، یک پسر ظاهر می‌شود. در طول ۵-۶ هفته اول، کروموزوم Y غیرفعال است و تا زمانی که فعال

را انتخاب کردیم که دید شما را به بدن مردان عوض خواهد کرد!

۱- پیری دیررس

چهره ی مردان، جوانی خود را طولانی‌تر از یک زن حفظ می‌کند. در واقع پوست بدن مردان غلظت کلاژن خود را نسبت به سنش خیلی کندتر از دست می‌دهد، به این معنی که پوست مردان در برابر چین و چروک و افتادگی بسیار مقاوم‌تر از زنان است. با این حال، به طور کلی به دلیل اینکه مردان نسبت به زنان کمتر مراقب پوست خود هستند، و بیشتر در معرض شرایط خارجی مضر قرار دارند، این برتری طبیعی خود را نسبت به زنان به صفر می‌رسانند.

۲- توانایی شیر دادن

بله درست خواندید! مردان نیز دارای غددهای هستند که می‌توانند شیر تولید کنند. اما تولید آن نشان دهنده یک اختلال در بدن مردان است. این اتفاق زمانی می‌تواند رخ دهد که بیش از حد هورمون پرولاکتین تولید شود. که ممکن است نتیجه انواع خاصی از درمان‌های پزشکی مورد

است. خلاف جریان حرکت کنید. اگر با کامپیوتر کار می‌کنید، پس از چند ساعت کار، به جای استراحت، فعالیت بدنی داشته باشید؛ پیاده‌روی کوتاه مدت بروید. اگر روی یک پروژه فنی و بسیار حساس کار می‌کنید، بیشترین چیزی که نیاز دارید یک حرکت خلاقانه است. یا پس از یک جلسه کاری طولانی یا سخنرانی، به یک کار آرام نیاز دارید. این کار به معنای خواندن کتاب یا تلویزیون تماشا کردن نیست، کاری که همچنان تحرک داشته باشد، مانند غذا پختن یا به خرید رفتن. یکی از راه‌های درمان خستگی، ورزش است. ورزش در سطح متوسط باعث کاهش استرس و افزایش بهره‌وری و سلامت بدن می‌شود. بهترین راه درمان خستگی، ورزش‌های سبک ولی منظم است. کسانی که مشاغل سخت و پراضطرابی دارند، می‌توانند با ورزش‌های سبک مغز خود را استراحت دهند.

مسابقات جهانی دوومیدانی لندن، سومین طلای مو فرح و شکست یوسین بولت



مو فرح



یوسین بولت

و دوست متر المپیک و جهان از آفریقای جنوبی در هشت سال گذشته در فینال مسابقات صد متر امسال با رکورد ۹ ثانیه و نود و پنج صدم ثانیه از جاستین کالتین، دونه آمریکایی، شکست خورد و دوم شد. رکورد کالتین در این مسابقه ۹ ثانیه و نود و دو صدم ثانیه بود. کالتین تا کنون دو بار به علت استفاده از مواد نیروزا از شرکت در مسابقات محروم شده بود.

وجود مسیر را به پایان برد و مدال طلا گرفت. مو فرح در ماده پنج هزار متر نیز خواهد دوید البته در صورتی که پزشک پس از معاینه زخم‌های او به وی اجازه بدهد. مو فرح ۲۵ ساله یک پسر و سه دختر دارد که برای تشویق پدر به استادیوم آمده بودند. در این مسابقات یوسین بولت قهرمان معروف دوهای صد متر

سر مو فرح، دونه بریتانیایی سومالی تبار این هفته در مسابقات دو و میدانی جهان که در استادیوم المپیک لندن در جریان است برای سومین بار متوالی برنده مدال طلا دو ده هزار متر شد. فرح پنج سال پیش در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن در همین ماده صاحب مدال طلا شده بود. در این مسابقه فرح دوبار به زمین افتاد و پای او جراحاتی برداشت، اما با این

کیروش: تیم فعلی ایران بهتر از تیم جام جهانی برزیل است



کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در گفتگوی طولانی با نشریه «بنج» پرتغال گفته است تیم فوتبال ایران در حال حاضر با تجربه‌تر و قوی‌تر از تیمی است که چهار سال پیش در جام جهانی برزیل حضور داشت. در تیم کنونی چند بازیکن از تیم چهار سال پیش شرکت دارند که با تجربه‌تر شده‌اند، همچنین ۱۴، ۱۵ بازیکن در کشورهای دیگر داریم که کاملا آماده و به دردخور هستند. خلاصه در مجموع تیم کنونی در شرایط بهتری از تیم ایران در جام جهانی برزیل است.

وی ادامه داده تیم فوتبال ایران تا حالا در چهار جام جهانی بازی کرده اما هیچگاه از مرحله گروهی بالاتر نرفته است. امیدواریم در روسیه این بار این اتفاق بیفتد. در تیم فعلی برای هر پست دو فوتبالیست آماده و سرحال دارم ولی برای صعود به دوره‌های بالاتر باید تمرینات مرتب و منظم و امکانات بهتری در اختیار داشته باشم، امیدوارم در قرعه‌کشی نیز در جام جهانی ۲۰۱۸ خوش شانس باشیم. کیروش در عین حال از فقدان

امکانات کافی در فوتبال ایران گله کرده و گفته است جایگاه ایران در رده‌بندی جهانی ممکن است باعث شود فکر کنید ما مانند بسیاری از کشورها از امکانات خیلی مناسب فنی و مالی برخورداریم، اما اینطور نیست ما در وضعیت بسیار بدی کار می‌کنیم، زمین تمرین مناسب نداریم به خاطر تحریم‌هایی که بر ایران اعمال شده مشکلات اقتصادی بر فوتبال این کشور نیز اثر گذاشته

است. نبود زمین خوب برای تمرینات تیم مسأله مهمی است، شانس ما استقبال بسیار زیاد مردم ایران از فوتبال است، دوستداران فوتبال در ایران دیوانه این ورزش هستند. کیروش در مورد روابطش با مسئولان فوتبال ایران نیز گفته، من دوست ندارم کسی در کارم دخالت کند به خصوص دخالت‌های بیجا و تصمیمات نادرست از سوی کسانی که با این ورزش آشنایی کافی ندارند.

کیمیا علیزاده: دل‌مشکسته، فعلا با ورزش کاری ندارم



شکست و به همین دلیل تصمیم دارم برای مدتی کتاب بخوانم، به کارهای هنری مثل نقاشی و موسیقی بپردازم و خلاصه حداقل برای چندی هیچ علاقه و رغبتی به حضور در فضای ورزشی ندارم. اما به هر حال از نظر جسمی در شرایط خوبی به سر می‌برم و برای شرکت در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ در اندونزی برنامه‌ریزی کرده‌ام کسب مدال را هم در اندونزی دور از دسترس نمی‌دانم.

کیمیا علیزاده برنده مدال برنز تکواندو در المپیک ریودژانیرو بعد از دریافت مدال نقره در مسابقات جهانی کره جنوبی مدتی به دلیل بیماری در بیمارستان بستری بود. نظر برخی پزشکان این بود که او باید ورزش را کنار بگذارد اما بعضی متخصصین نظر همکاران خود را رد کردند و گفتند او به تدریج سلامت کامل خود را به دست خواهد آورد. کیمیا جوان که از اظهارات عده‌ای بعد از شکست او در فینال مسابقات جهانی تکواندو کره جنوبی بسیار دلگیر است، گفته همیشه سعی کرده‌ام اجازه ندهم حرف‌ها و شایعات نادرست در ایام مسابقات بر روحیه‌ام اثر بگذارد، اما اینکه کسانی بدون احساس مسئولیت و اطلاع کافی از شرایط جسمی و روحی یک ورزشکار به هنگام مبارزه در مسابقاتی در صحنه جهانی شایعه پخش کنند واقعا روح‌آزار است. من در فینال مسابقات جهانی کره سرگیجه داشتم و از درد دست و مچ

شده بتوانند در سالن‌ها حاضر شوند. این خواسته زیادی نیست و می‌شود در فضایی دوستانه به سمتی حرکت کرد که سرانجام تابو شکسته شود و زنان بتوانند در سالن‌های ورزشی، تماشاگر رشته‌هایی باشند که به آنها علاقه دارند.

تا شکسته نشدن تابوی حضور بانوان در ورزشگاه‌ها کوتاه نمی‌آییم



این روزها خانم دیگری به جرگه تابوشکنان و فعالان حضور زنان در ورزشگاه‌ها پیوسته است که تمام حواسش کنار زدن موانع بر سر راه ورود دختران به استادیوم‌ها است. فریبا محمدیان معاون امور زنان در وزارت ورزش است، از سخنان وی چنین بر می‌آید که مذاکراتی با مسئولان سازمان‌های دیگر حکومت برای حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها داشته و احتمالا زمینه را برای گشوده شدن درب استادیوم‌ها به روی زنان از همیشه مساعدتر می‌بندد. او می‌گوید تا شکسته شدن این تابو کوتاه نمی‌آییم.

وی حرف‌های امیدوارکننده‌ای می‌زند که می‌تواند بانوان را دلگرم کند. می‌گوید: برای حضور بانوان در ورزشگاه‌ها، یافتن فضایی که بتوان آن را مدیریت کرد در دستور کار داریم، اما به هیچ وجه قصد اجرای یک برنامه شتاب‌زده

را نداریم بلکه با حوصله پیش می‌رویم. اما تقاضای من از بانوان و آقایان این است که با مدیران خود هماهنگی داشته باشند زیرا مطمئنم که شرایط به گونه‌ای فراهم می‌شود که خانم‌ها در وضعیت سازمان‌دهی

سایپا قهرمان شطرنج باشگاه‌های آسیا



در مرحله پایانی مسابقات شطرنج باشگاه‌های آسیا در کشور سریلانکا، یکشنبه این هفته تیم سایپا میزبان مسابقات را ۴ بر صفر شکست داد و به عنوان قهرمانی آسیا دست یافت. سایپا با این موفقیت سهمیه مسابقات شطرنج باشگاه‌های جهان را هم به دست آورد. احسان قایم‌مقامی، مسعود مصدق‌پور، امین طباطبایی و امیر رضاپور رضانعلی اعضای تیم شطرنج سایپا در مسابقات باشگاه‌های آسیا بودند. تیم‌های بنگلادش، چین، استرالیا و سریلانکا در این رقابت‌ها شرکت داشتند.

هیأت مدیره جدید باشگاه پرسپولیس



بود. او چند سال در سفارتخانه‌های ایران در انگلیس و آلمان خدمت کرده و سال‌ها عضو تیم ملی فوتبال ایران بوده است. گرشاسبی هم از اعضای دیگر پرسپولیس که رابطه نزدیکی با طاهری مدیر این باشگاه دارد و در جلسات برخی از قراردادهای و نقل و انتقالات پرسپولیس طاهری را همراهی می‌کند. ترکیب جدید هیأت مدیره پرسپولیس یک پیشکسوت را شامل یک پیشکسوت فوتبال و دیپلمات پیشین و مدیران ورزشی، صنعتی و اقتصادی است. قرار است اولین نشست هیأت مدیره جدید پرسپولیس در دفتر وزیر ورزش و جوانان به عنوان رئیس مجمع تشکیل شود و جعفر اشرف کاشانی و طاهری به عنوان رئیس هیأت مدیره و سرپرست باشگاه معرفی شوند.

اسامی اعضای جدید هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس از سوی وزارت ورزش اعلام شده است. ابوالفضل روغنی گلپایگانی عضو جدید هیأت مدیره پرسپولیس از مدیران صنعتی و رئیس سندیکای چوب و کاغذ و عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران و رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی است. محمدرضا حاجی‌بیگی چهار سال رئیس آتش‌نشانی تهران و یک سال مدیرعامل سازمان پاپانه‌های مسافری شهرداری تهران و رئیس روابط عمومی بانک مرکزی و عضو هیأت مدیره فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی بوده است. جعفر کاشانی عضو دیگر هیأت مدیره پرسپولیس روابط خوبی با وزیر ورزش دارد در برخی عیادت‌های وزیر ورزش از پیشکسوتان هم او را همراهی می‌کند. کاشانی پیش از انقلاب عضو وزارت خارجه و دیپلمات

اکرم محمدی، قهرمان اسنوکر دختران ایران شد



مسابقات اسنوکر بانوان ایران در هفته دوم مردادماه با قهرمانی اکرم محمدی پایان یافت. در فینال این رقابت‌ها اکرم محمدی ۴ بر ۲ ارمان حسنینی را شکست داد و قهرمان ایران شد. در دیدار رده‌بندی نیز پریسا درویش‌بند با نتیجه ۳ بر ۲ حریف خود را مغلوب کرد و به مقام سوم رسید. فدراسیون بولینگ و بیلیارد ایران اعلام کرده چهل داور ایرانی و بین المللی این بازی‌ها را قضاوت کرده‌اند، در این تورنمنت پیشکسوتان این رشته نیز با هم به رقابت پرداختند.

پرسپولیس و استقلال ۳۲۹ میلیارد تومان بدهی دارند



حجم بدهی‌های باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس خیلی زیاد شده. کنفدراسیون فوتبال آسیا تا ۳۱ اوت (۹ شهریورماه) مهلت داده تا این دو باشگاه مانند سایر تیم‌های منطقه تکلیف بدهی‌های خود را روشن کنند، بدهی‌هایی که مدت‌هاست روی هم انباشته شده است. در حال حاضر بدهی‌های باشگاه استقلال که شامل مالیات، دارایی و بدهی به اشخاص است به ۱۱۸ میلیارد تومان بالغ می‌شود. مسئولان این باشگاه در تلاش پرداخت بدهی سنگین مالیاتی و بدهی به اشخاص هستند. قروض باشگاه پرسپولیس تقریبا

دو برابر بدهی‌های باشگاه استقلال است. پرسپولیس تنها ۳/۵ میلیون دلار بدهی به اشخاص خارجی دارد که با احتساب دلار به قیمت ۳۸۰۰ تومان، ۱۳ میلیارد و سیصد میلیون تومان بالغ می‌شود. همچنین ۳۰ میلیارد تومان بدهی‌های این باشگاه به اشخاص ایرانی اعم از مرئی و بازیکن است. سنگین‌ترین بدهی پرسپولیس مربوط به بیمه دارایی و اداره مالیاتی است که به ۱۴۰ میلیارد تومان است. پرسپولیس همچنین ۲۸ میلیارد تومان بدهی متفرقه دارد که مجموع همه اینها به ۲۱۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان می‌رسد.

بازگشت نیمی از زندانیان آزاده شده به زندان



باید خواست بیشتر مواظب فرزندان خود باشند. وی تحت نظر داشتن و رصد رفتار و حرکات محکومین سابقه‌دار را بعد از آزادی از زندان نیز لازم دانسته است. به گفته او کسانی که سابقه کودک آزاری دارند پس از پایان دوران محکومیت احتمال دارد دوباره این کار را تکرار کنند چون بارها این اتفاق افتاده است. مثلا در حادثه بنیتا و آتنا که جامعه را متأثر کرد مجرمین سابقه کودک آزاری داشته‌اند. حتی خفاش شب هم محکومی بود که آزاد شده بود و به این دلیل این گونه مجرمین پس از آزادی از زندان باید دائم زیر نظر باشند.

تنبیه و زندان لزوما مجرمین را اصلاح نمی‌کنند چون متناسفانه نزدیک به نیمی از زندانیان (چهل و شش درصد) بعد از مدتی کوتاه باز سر از زندان درمی‌آورند. به عقیده روزبه کردونی مدیرکل دفتر امور آسیب‌های اجتماعی وزارت کار و رفاه اجتماعی ایران مساله کودک آزاری که نمونه‌های آن را در ماه‌های اخیر دیده‌ایم باید از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد و راه‌حل‌هایی برای جلوگیری از تکرار آن پیدا شود. کردونی گفته از یک سو باید به کودکان آموزش‌های لازم را داد و اینکه چگونه از خود مراقبت کنند، از سوی دیگر از پدر و مادرها نیز

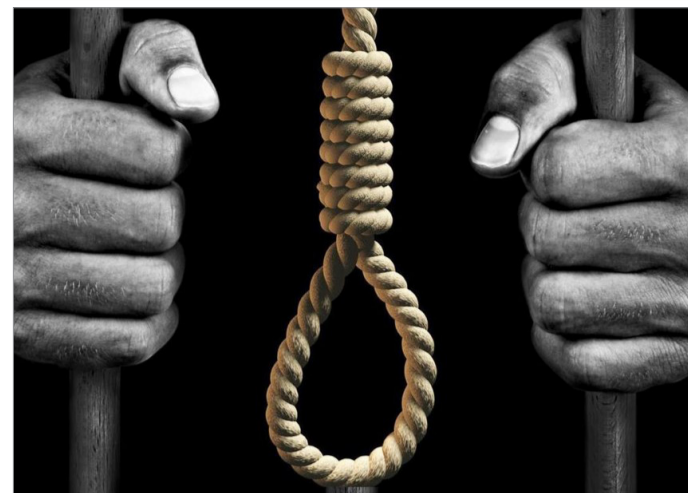
بازگشت ۲۷۱ داعشی از عراق و سوریه به فرانسه

دولت فرانسه از بازگشت ۲۷۱ دختر و پسر فرانسوی عضو گروه داعش به آن کشور خبر داده است. وزیر کشور فرانسه گفته است این افراد از سوی سازمان‌های امنیتی و قضائی تحت نظر قرار دارند. به گفته مسئولان سازمان امنیت فرانسه بیش از ۷۰۰ فرانسوی به گروه‌های تروریستی پیوسته بودند. از این تعداد تا کنون تعدادی به کشور مراجعت کرده‌اند و گرچه ظاهراً تغییر مرام و عقیده داده‌اند، اما از نظر سازمان‌های امنیتی و پلیس با توجه به حوادث تروریستی که در طول یک سال گذشته در جنوب فرانسه، پاریس و دیگر شهرهای اروپا رخ داده، این افراد باید تحت نظر باشند. در همین حال کنترل و نظارت بر آن‌ها چالش بزرگی برای فرانسه و دیگر دولت‌های اروپایی است.

خودکشی دو دختر و یک پسر در دو روز

شمار جوان‌هایی که ترجیح می‌دهند در شرایط خانوادگی و اجتماعی کنونی ایران زنده نباشند هر روز بیشتر می‌شود و بعید نیست به زودی در رسانه‌های فارسی زبان بخشی به خودکشی جوانان سرخورده و افسرده در ایران اختصاص یابد. این هفته دو دختر و یک پسر در تهران، مسجد سلیمان و شیراز در فاصله‌ای کوتاه از یکدیگر به زندگی خود خاتمه داده‌اند. دختر ۲۵ ساله‌ای در مسجد سلیمان خود را حلق‌آویز کرد، این واقعه غم‌انگیز ساعت ۹ صبح در محله شجاعی‌های این شهر رخ داد. علت خودکشی دختر جوان هنوز اعلام نشده. ساعتی بعد از این حادثه دختر ۲۲ ساله‌ای نیز خود را از طبقه ششم مجتمع آتی‌ساز در اتوبان چمران تهران به خیابان پرت کرد و درگذشت. پلیس سرگرم تحقیق در مورد این فاجعه است. در سومین حادثه پسر ۲۰ ساله که به عنوان سرباز وظیفه در یکی از کلانتری‌های شیراز خدمت می‌کرد، اسلحه را روی پیشانی‌اش گذاشت و مغز خود را متلاشی کرد. جزییات این حادثه نیز هنوز روشن نشده است.

بیش از پنج هزار نفر در نوبت اعدام



حسین نوروزی سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس گفته است: هنگام بررسی جزئیات طرح یک فوریتی الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر متوجه شدیم بیش از پنج هزار نفر در زندان‌های ایران در انتظار اعدام به سر می‌برند. او از قوه قضائیه انتقاد کرده چرا آمار اعدامی‌ها را اعلام نمی‌کنید؟ اسم سه قاچاقچی بین‌المللی را بیاورید که اعدام شده باشند. وی گفته در این طرح تمامی عوامل مربوط به قاچاق و اعتیاد بررسی شده، اکثر نمایندگان که به عنوان قاضی در دادگاه انقلاب بوده‌اند اذعان دارند اعدام باید برای آن دسته از افرادی انجام شود که سابقه محکومیت

و یا سرکردگی قاچاقچی‌ها را به عهده داشته‌اند. در همین حال علی موبدی قائم مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر گفته است؛ ۹۵ درصد از جمعیت جامعه سالم و کمتر از پنج درصد معتاد یا قاچاقچی هستند و در این طرح آن ۹۵ درصد جمعیت سالم دیده نشده و بیشتر به بخش قاچاقچیان توجه شده است. وی یادآور شده براساس کارهای کارشناسی صورت گرفته اگر این طرح به تصویب برسد سلامت و امنیت ۹۵ درصد جامعه را به خطر می‌اندازد. منطقه ما خشن‌ترین شبکه‌های قاچاق مواد مخدر را دارد، پیچیده‌ترین شبکه‌های قاچاق در این حول و حوش فعالیت دارند.

کجای دنیا دختر نه ساله را برای مرد پنجاه ساله عقد می‌کنند



قرار گیرد. وی افزود: این در حالی است که باید نظر افرادی که در مجلس قبل در این خصوص تحقیقاتی انجام داده‌اند و همچنین مرکز پژوهش‌های مجلس را در این مورد جویا شد تا روند بررسی این لایحه سریع‌تر شود. کمیسیون فرهنگی در این باره با کمیسیون قضائی همکاری می‌کند، حتی جلساتی با حقوقدانان و فعالان حقوق کودک نیز برگزار شده است تا نقاط ضعف و قوت این لایحه مشخص شود. نظرات یادداشت شد تا در کمیسیون فرهنگی و قضائی منعکس شود.

ممنوع است باید سن ازدواج نیز تعیین و معلوم شود کودک در چه سنی حق ازدواج ندارد. ذوالقدر در رابطه با وضعیت رسیدگی به لایحه حمایت از حقوق کودک و نوجوان هم گفته دلیل عمده کند شدن بررسی این لایحه این است که در مجلس دهم این لایحه بررسی شد و حتی تعداد ماده‌های این لایحه از ۴۰ ماده به ۸۰ ماده افزایش پیدا کرد، اما چون تصویب نشد؛ طبق قانون به شکل اولیه تحویل مجلس بعدی شد و همین مساله موجب گردید این لایحه از اول مورد بررسی

فاطمه ذوالقدر نایب رئیس فراکسیون زنان گفته است: زنان مجلس با حمایت معاونت زنان ریاست جمهوری تصمیم دارد طرحی را تدوین کند که سن فراکسیون که سن ازدواج دختران افزایش یابد و محدودیت‌هایی برای جلوگیری از ازدواج در سنین کودکی اعمال شود.

او تأکید کرد که در این طرح سن مناسبی نیز باید برای بارداری مشخص شود همچنین پیامدهای ازدواج در سن پائین باید مطرح شود به جلساتی نیاز داریم تا این مسائل را بررسی کنیم تا هنگام ارائه طرح از لحاظ قانونی، شرعی و اجتماعی با مشکل مواجه نشویم.

حداقل سن ازدواج دختران به گفته ذوالقدر طبق قانون ۱۳ سال است اما این موضوع مشکل ایجاد کرده. متأسفانه ازدواج در سن نه سالگی هم در ایران وجود دارد و دلیل آن تبصره‌هایی است که در قانون آمده. دخترانی داریم که به دلیل عدم مخالفت دادگاه و با اجازه پدر در سن نه سالگی ازدواج می‌کنند.

این تبصره‌ها موجب ازدواج این دختران با مردان ۴۰، ۵۰ یا حتی ۶۰ ساله شده بدون اینکه بدبختانه کسی شاکی باشد و یا ممانعتی از این کار شود کسی هم نیست بررسی کند که پدر چرا راضی به این ازدواج است.

آیا نیاز مالی یا اعتیاد دارد؟ چرا قانونی نیست که به این مساله رسیدگی کند؟ حتی فاصله مناسب سنی نیز بین دختر و مرد وجود ندارد. در کجای دنیا دفترخانه‌های ثبت ازدواج دختر نه ساله را به عقد مرد ۴۰ یا ۵۰ ساله در می‌آورد یا ازدواج‌ها را با فاصله پنجاه سال ثبت می‌کنند؟ این مسائل قطعاً غیرعادی است، باید نظارت بر دفاتر ثبت وجود داشته باشد اما چون شاکی وجود ندارد شاهد ازدواج دختران به ویژه در استان‌های مرزی و محروم مثل سیستان و بلوچستان، هرمزگان و یازدقلاقی از کردستان هستیم.

وی تأکید کرد: در درجه اول باید قانون موجود را اصلاح کرد، چرا که به دلیل وجود این تبصره‌ها ازدواج‌های زیر ۱۳ سال صورت می‌گیرد. پس از آن باید بر روی مساله افزایش سن ازدواج مانور بدهیم تا با جلب نظر فقها و علما و با توجه به اینکه این احکام شرعی باید با در نظر گرفتن زمان و شرایط تغییر پیدا کنند نظارت کارشناسی را در طرح اعمال کنیم.

می‌توان در لایحه حمایت از حقوق کودک و نوجوان که در دست بررسی است این موضوع را نیز گنجانده، اگر واقعا ازدواج کودکان در این لایحه

دستگیری ۶۴ دختر و پسر در «استخر پارتنی» در اصفهان



رسیدگی به مقام قضایی فرستاده شده و در حال رسیدگی است. اطلاعات سپاه پاسداران متذکر شده که «عوامل این شبکه به منظور ترویج و اشاعه فساد و فحشا در فضای مجازی فیلم‌هایی از مراسم‌های استخرپارتنی خود در شبکه‌های اجتماعی کرده بودند.» دو روز پیش، ۱۷ مردادماه هم سپاه پاسداران شاهرود از شناسایی و دستگیری اعضای یک گروه آموزشی رقص‌های غربی خبر داد که اقدام به تهیه فیلم و کلیپ‌های رقص و انتشار آن در شبکه‌های اجتماعی کرده‌اند. این گزارش حاکیست که اعضای

● اطلاعات سپاه می‌گوید این جوانان نیمه عرب‌نژاد و مشروبات الکلی نوشیده‌اند. ● دو روز پیش نیز در شاهرود اعضای یک کلاس آموزش رقص زومبا دستگیر شدند.

اطلاعات سپاه پاسداران اصفهان اعلام کرد که ۶۴ دختر و پسر «نیمه عرب‌نژاد» را در یک استخرپارتنی در اطراف شهر اصفهان دستگیر کرده است. اطلاعات سپاه ناحیه امام صادق اصفهان اعلام کرده که با همکاری نیروی انتظامی اصفهان و مجوز مقام قضایی، در یک عملیات اقدام به دستگیری ۶۴ نفر دختر و پسر «نیمه عرب‌نژاد» در استخر پارتنی کرده است.

در گزارش اطلاعات سپاه آمده است: «دختران و پسران حاضر در این پارتنی به‌صورت نیمه برهنه در مکانی مشخص حضور یافته و ضمن شرب خمر، اقدام به رقص و پای کوبی نموده بودند که با پیگیری و اشراف به موقع سربازان گمنام امام زمان دستگیر شدند.»

بر اساس این گزارش، در این عملیات مقداری مشروبات الکلی نیز کشف و ضبط شده و پرونده برای

۴۰ درصد طلاق زوج‌های تهرانی پنج سال پس از ازدواج



آمارهای اداره ثبت احوال تهران نشان می‌دهد میزان ازدواج و طلاق در سال ۱۳۹۵ در پایتخت ایران افزایش چشمگیر داشته است. بنابراین آمار پنج درصد جدایی‌ها در تهران بعد از ۲۹ سال و چهار درصد پنج سال پس از ازدواج رخ داده است.

همچنین در سال گذشته ۹۰ هزار ۵۹۱ ازدواج در استان تهران ثبت شده، در سال ۱۳۹۴ آمار ازدواج ۸۶ هزار و ۳۸۹ مورد بود و در سال ۹۵ این آمار به ۶۲ هزار ۳۳۸ هزار نفر رسید. میانگین سنی مردان هنگام ازدواج سال گذشته سی سال و زنان به ۲۶ سال می‌رسید. در سال ۱۳۹۵ آمار طلاق در استان تهران سیر صعودی داشت تعداد طلاق‌های ثبت شده در این سال ۳۹ هزار و ۲۸۲ مورد بوده است که نسبت به سال پیش از آن، بیش از ۲۲ درصد افزایش داشته. میانگین سنی مردانی که در سال گذشته از همسران خود جدا شدند ۳۸ سال و زنان ۳۳ ساله بوده بیشترین تعداد طلاق نیز در تهران با ۲۶ هزار و ۳۸۱ مورد اتفاق

نیمی از بدن یک زن در میان زباله‌ها

نیمی از بدن زنی این هفته در محل بازیافت زباله در منطقه کهریزک در حومه تهران به دست آمد و برای روشن شدن ارتباط احتمالی آن با سرهای کشف شده در خیابان شیخ بهایی به اداره پزشکی قانونی منتقل شد. بررسی‌های اولیه نشان داده سرها متعلق به زن و مردی است که بین ۳۰ تا ۳۵ سال سن دارند. سرهای کشف شده برای انجام آزمایشان لازم و تعیین هویت به پزشکی قانونی فرستاده شده بودند.

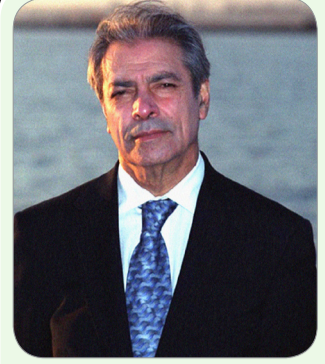
در حالی که تحقیقات برای یافتن قاتل ادامه داشت، عصر روز جمعه نیز نیم تنه یک زن در مرکز بازیافت زباله در منطقه کهریزک پیدا شد و برای انجام آزمایشات لازم و تعیین ارتباط احتمالی با سرهای کشف شده به پزشکی قانونی انتقال یافت. بررسی‌ها روی سرهای یافته شده نشان داده دو گلوله به سر زن جوان و یک گلوله به سر مرد اصابت کرده است.

مردان ناشناس، عضو انجمن شهر را کشتند

نصیر بلف هوت عضو شورای اسلامی روستای کمب چابهار و شخص همراهش با گلوله افراد ناشناس یک‌شنبه این هفته به قتل رسیدند. این حادثه در خیابان قدس نزدیک بیمارستان شهر روی داد. چند مرد مسلح به نصیر بلف هوت که در اتومبیل خود نشسته بود شلیک کردند. روستای کمب در پنج کیلومتری چابهار قرار دارد و قاتلین اکنون فراری هستند. اهالی محل گفته‌اند: نصیر بلف هوت فردی معتدل، دلسوز و حامی توسعه و آبادانی منطقه حاشیه‌نشین و محروم روستای کمب بوده و برنامه‌های خوبی برای دوره جدید شوراها در این روستا داشته است.

پرش مرگ یک زن و مرد به فاصله یک ساعت از روی پل رسالت

یک مرد و یک دختر جوان دوشنبه این هفته با فاصله یک ساعت با پرتاب خود از روی پل رسالت تهران به خیابان داوطلبانه جان خود را گرفتند. ظاهراً این دو نفر بدون اطلاع از نیت یکدیگر منتظر فرصت برای پرش مرگ بوده‌اند. ساعت ۹/۳۰ دقیقه صبح ابتدا مرد جوان از روی پل عابر پیاده زیر گذر میدان رسالت به پایین پرید و بلافاصله جان باخت و یک ساعت بعد ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه نیز دختر نوجوان با پرتاب خود از همان نقطه به پایین با زندگی وداع گفت. از نام و نشان این دو نفر هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست و پلیس سرگرم تحقیق برای شناسایی آنها است.



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌ای نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون به زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از او بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به باز نشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشیو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

باز نشر

دموکراسی آپار تاید

کیهان لندن شماره ۱۲۷۲ - ۱۲ شهریور ماه ۱۳۸۸

است یعنی حق افراد جامعه را برای حکومت بر خود پذیرفته است و نهادها و کارکردهای لازم را برای

ملاحظه‌ای برای پذیرفتن تفاوت‌های مذهبی و قومی از خود نشان دادند. در آن زمان‌ها البته از این پیش‌تر

یک دگرگونی بزرگ که با جنبش بیست و دو خرداد، جنبش سبز، آمد نگاه دوباره‌ای بود که ایرانیان در هر جا ناگزیر شدند بر خود بیندازند. در ایران شکاف میان حکومت و مردم که پیش از آن بیشتر یک ناخشنودی و بی‌اعتمادی عمومی بود و در گفتگوها و مقالات و شوخک (جوک)ها ابراز می‌شد در جنبشی همگانی ایجاد یک نبرد فلسفی و سیاسی تمام عیار به خود گرفت: حقوق فرد انسانی در برابر ولایت مطلقه، حاکمیت مردم در برابر حکومت فقیهان، قانون در برابر چاه جمکران. دو تا سه میلیونی که در یک تظاهرات خودآنگیخته بی‌مانند در تاریخ ایران و کم مانند در جهان، حکومت اسلامی را به سرایشب اجتناب‌ناپذیر انداختند نماینده یک هم‌رانی ملی بر سر دموکراسی و حقوق بشر، دموکراسی لیبرال، بودند که، برای سرتاسر آن منطقه تازگی دارد.



اعمال این حق - به صورت فرمانروایی اکثریت - به وجود آورده است. ولی در یک دموکراسی می‌توان تا سلب حقوق افراد نیز رفت - اگر اکثریت را می‌دهد؛ و اکثریت بسیار چنین کرده است.

نمی‌شد رفت. همین اندازه که مردمی می‌توانستند خارج از دین و قوم خود را همچون خود بشمارند، آنان را مشعل‌دار آزادی می‌گردانید. آن رواداری، با ساسانیان، جای خود را به یک سو نگرى متعصبانه موبدان زرتشتی و همزادی دین و دولت و ایران در برابر انیران داد که برای رویارویی با فشار بی‌امان امپراتوری رم به ویژه پس از رسمیت یافتن مسیحیت در آن امپراتوری، حیاتی شمرده می‌شد. خودی و غیر خودی به معنی تبعیض حقوقی از آن هنگام خمیر مایه سیاست ایران بوده است و با اسلام به قلمرو جنسیت نیز راه یافت و زنان بزرگترین غیر خودی و اقلیت در معنای تبعیض حقوقی شدند.

نمونه‌ای از این روحیه تازه را در نوشته ای از ایران می‌توان دید که با زنده باد ایران، زنده باد آزادی و به امضای جنبش سبز پایان می‌یابد:

«به نام خودمان. دو ماه از کودتای مخملین سیاسی گذشت. سیاهی به ذغال ماند و سپیدی به روی سپید ما! حتی کوچکترین فعالیت‌های ما مانند قطره‌های کوچک آبی است که با گذشت زمان سرسخت‌ترین و کربه‌ترین سنگ‌ها را سوراخ می‌کنند. ما بی‌شماریم. زنده باد ما! راه درازی پیش رو داریم. باید بیشتر یاد بگیریم. واقع‌بین تر باشیم. ما پیروزیم. یعنی همه ایرانی‌ها. بین ما کسی از آنها نیست. ما همه خودی هستیم. ما غیر خودی نداریم. قطاری است که دارد پیش می‌رود. هر کس راه را دوست ندارد می‌تواند در هر ایستگاهی که خواست پیاده شود و همان جا بماند. ما به سوی جهان امروز می‌رویم. ما کسی را از پنجره بیرون پرت نمی‌کنیم. ما ایرانیان نمی‌کنیم. ما سبزی چون خواستیم از سیاهی رد شویم.»

هر کس می‌خواهد آینده نبردی را پیش‌بینی کند که در پیوسته است می‌تواند همین نمونه را بگیرد. آینده از آن «ما ایرانیان» است، مردمی که بی‌شمار و گوناگون‌اند؛ پا به جهان امروز، به جهان غرب، گذاشته‌اند؛ می‌توانند میان خود اختلاف داشته باشند ولی در همه حال می‌کوشند «ما» بمانند. جنبش سبز نشان داد که جامعه ایرانی با همه لایه‌های واپس مانده‌اش که در همه جا می‌توان نشان داد دارد درس‌های لازم را برای ساختن یک فرهنگ سیاسی و یک جامعه تازه فرا می‌گیرد و به بلوغ سیاسی می‌رسد. این درس‌هایی است که هنوز به نظر می‌رسد برای گل‌های سر سبز جامعه روشنفکری در بیرون ایران تازگی دارد.

این درس‌ها از نگاهی که انسان به دیگری می‌اندازد، به کسی که مانند او نیست، آغاز می‌شود که همه مسأله جامعه و سیاست است (جامعه و سیاست در این بافتار context یکی هستند). شاید برای آسان کردن موضوع بتوان مسأله را زیر عنوان خودی و غیر خودی آورد. ایرانیان از روزگار رواداری هخامنشی، که تا اشکانیان یونان دوست کشید، ظرفیت قابل

پیشرفت بزرگ داشته‌ایم و تبعیض را از فرهنگ سیاسی خود - آنچه بیرون و بر ضد حکومت اسلامی شکل می‌گیرد - زدوده‌ایم. دیگر در پهنه سیاست کسی را نمی‌توان یافت که از بستگی‌های ملی یا سیاسی با جمهوری اسلامی آزاد باشد و از حقوق بشر دفاع نکند. با اینهمه در همین دو ماهه جنبش سبز، در هر گرام گرم پیکار آزادیخواهی مردم ایران - که کسانی دموکراسی خواهی را به دلیل نارسا و نازیبا بودنش بر آن ترجیح می‌دهند - می‌بینیم که هنوز همه راه را نرفته ایم. (آزادخواه، بر خلاف دموکراسی خواه همواره لیبرال نیز هست و نکته درست در همین تمایز دموکراسی و لیبرالیسم است که به آن می‌رسیم.)

در سی ساله گذشته ما یک پیشرفت بزرگ داشته‌ایم و تبعیض را از فرهنگ سیاسی خود - آنچه بیرون و بر ضد حکومت اسلامی شکل می‌گیرد - زدوده‌ایم. دیگر در پهنه سیاست کسی را نمی‌توان یافت که از بستگی‌های ملی یا سیاسی با جمهوری اسلامی آزاد باشد و از حقوق بشر دفاع نکند. با اینهمه در همین دو ماهه جنبش سبز، در هر گرام گرم پیکار آزادیخواهی مردم ایران - که کسانی دموکراسی خواهی را به دلیل نارسا و نازیبا بودنش بر آن ترجیح می‌دهند - می‌بینیم که هنوز همه راه را نرفته ایم. (آزادخواه، بر خلاف دموکراسی خواه همواره لیبرال نیز هست و نکته درست در همین تمایز دموکراسی و لیبرالیسم است که به آن می‌رسیم.)

یک جامعه از مردمانی ساخته می‌شود که باهم می‌زیند، و همه داستان بشریت در این بوده است که چگونه باهم می‌زینند. با هم زیستن همه گونه ممکن است و می‌تواند از رابطه دشمنانه تا همکاری، و از کشاکش مدام تا هم‌رانی (توافق در عین حفظ اختلاف) را دربر گیرد. سیر جامعه‌های انسانی از رابطه فرماندهی و فرمانبری به سوی برابری حقوقی بوده است - همان سیر تاریخ به سوی آزادی هگلی. ولی آیا برابری حقوقی برای ساختن یک جامعه کامیاب که در آن بیشترین توانایی‌های افراد برای خیر عمومی بر روی هم می‌ریزد بس است؟ جامعه کامیاب پیش از هر چیز دموکراتیک

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۳۱)

باز نشر

(کیهان لندن شماره ۱۲۱۲)

احمد احرار

از او نشنیدم... ملاقات دوم در شب بیست و یکم همان ماه در هتل اسپلاندید اوپان بود. چند ساعت با او صحبت داشتم... گفتم مسلم است آن احساسات ملی که نتیجه‌اش بر هم زدن اساس سلطنت استبدادی شد به واسطه اداره شدن حکومت ملی از میان رفت. اکنون حال ملک و ملت این است که دیده می‌شود و من که یک تن از آن مردم هستم می‌خواهم از شما، نه به سمت نیابت سلطنت بلکه به سمت یک نفر ایرانی دانشمند آگاه به احوال ایران بودن، پرسش نمایم. راه اصلاح حال این مملکت چیست و در صورتی که شما نایب‌السلطنه

ایوانف، کنسول حکومت تزاری در استرپاد (گرگان) طی تلگرافی به سزادار شاه با محمدعلی شاه - زمانی که برای استرداد تخت و تاج به ایران بازگشته بود - می‌نویسد: «از مدت‌ها پیش به این نتیجه رسیده است که ایران حتماً باید تحت حمایت روسیه قرار گیرد و در این باره حاضر است حتی التزام کتبی هم بدهد که اگر دوباره به سلطنت ایران رسید، کشورش را رسماً تحت‌الحمایه روسیه کند». تفکر دیگر نیز، ایران را به سوی قرارداد ۱۹۱۹ (موسوم به قرارداد وثوق‌الدوله) راند که هدف آن متعهد ساختن انگلستان در ایران به‌زای وابستگی ایران به انگلستان بود.

از اولتیماتوم روس (مهرماه ۱۲۹۰ شمسی) و تعطیل مجلس دوم تا آغاز جنگ اول جهانی (مردادماه ۱۲۹۳)، ایران، به‌معنای دقیق کلمه، کشوری بحران‌زده بود. در ولایات شمالی، همان‌گونه که اشاره رفت، روسها خود را مالک‌الرقاب می‌دانستند و دولت ایران عملاً اقتداری نداشت. ایالات جنوبی، منطقه نفوذ انگلیسیان بود و در سایر مناطق نیز به‌سبب ضعف دولت مرکزی و از هم پاشیدگی دستگاه حکومتی، یاغیان محلی تاخت و تاز می‌کردند. در چنان شرایطی تجدید انتخابات آسان نبود. ناصرالملک نایب‌السلطنه هم شخصاً به تشکیل مجلس جدید رغبتی نداشت و ترجیح می‌داد که



احمد شاه قاجار (سمت چپ) و برادرانش

مستوفی، طرز کار نایب‌السلطنه و نحوه برخورد او را با مسائل و مشکلات، چنین آورده است: «شاه جوان داشت بزرگ می‌شد و با محمدحسن میرزا برادرش که قانوناً لقب ولیعهدی هم داشت، مشغول درس خواندن بود. برای آنها کلاس مخصوص و حاشیه‌ای از پیشخدمتان و آبدارخانه و قهوه‌خانه و خوانسالی و میرآخوری و میرشکاری و کشیکخانه و اسلحه‌داری و از این قبیل ترتیب دادند. ناصرالملک نایب‌السلطنه هم در یکی از عمارات سلطنتی، با دفتر مخصوص خود حاشیه مختصرتی داشت که مصارف آن جزء مصارف درباری منظور بود ولی خیلی با احتیاط رفتار می‌کرد که این سه‌ساله بقیه مدت اختیارات خود را بدون تماس زیادی با سیاست خارجی و داخلی ورگذار کند. در مواردی که عوض شدن هیأت وزرا پیش می‌آمد، رئیس دولت را معین می‌کرد. باوجود این، در انتخاب وزرا هم تمایلات خود را با سکوت و اقدامات منفی، بر رئیس هیأت دولت تحمیل می‌نمود و هر وقت کار بر او خیلی تنگ می‌شد فشار خون و مرض قلبی را بهانه کرده مسافرتی به اروپا می‌نمود. در غیبت او اگر تغییر نخست‌وزیری لازم می‌گشت باید به وسیله تلگراف عمل انجام گیرد. آزادخواهان هم چندان پا پی این خرده‌کاری‌های خودخواهانه او نبودند و همین قدر که شری از طرف والا حضرت اقدس نایب‌السلطنه دامت عظمته نمی‌رسید، به خیر او امید می‌داشتند و اگر گاهی تمایلات او با نظرات وزرا مخالفت داشت مجبور می‌شدند برای احتراز از گرفتار شدن به پرحرفی‌های او یک طوری سر کار را به‌هم بیآورند که سر و صدای خارجی ایجاد نکند.»

حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی در خاطرات خود می‌نویسد: «... در ماه رمضان یکهزار و سیصد و سی، نایب‌السلطنه، ناصرالملک، به اوپان (شهر مرزی فرانسه و سوئیس) آمده برای تغییر آب و هوا و استفاده از آبهای معدنی آن شهر. فاصله این مکان از شهر لوزان با کشتی بیش از نیم ساعت نیست و با این نزدیکی، من مردد بودم از او ملاقات بکنم یا خیر، تا این که از طرف او حسن طلب شد و روزی او را ملاقات کردم. در این دیدار غیر از اظهار ملالت از اوضاع درباری تهران و نفاق رجال دولت و طمعکاری روحانیان، چیزی

دولت، فارغ از کشمکش‌های اعتدالی و دموکرات و درگیری مستمر با نمایندگان مجلس، کارها را اداره کند یا به عبارت دقیقتر امروز را به فردا برساند. بدین جهت است که برخی تاریخ‌نگاران، این دوره را «دوره دیکتاتوری مؤبدانه ناصرالملک» لقب داده‌اند. ناصرالملک تحصیلکرده انگلستان و مردی مبادی آداب بود اما از ابتدا نسبت به امکان استقرار دموکراسی در جامعه آن روزی ایران، به‌نظر تردید می‌نگریست. تجربه‌ای که از دوران حکومت خود در همدان و کردستان داشت، و مقایسه آن با اوضاع کشوری که در آنجا تحصیل کرده بود، چنین تردیدی را در ذهن وی تقویت می‌کرد. در عین حال، از نوع رجال مستبد آن دوره نیز نبود. نوشته‌اند که در کورستان وقتی مقصری را نزد او می‌آوردند می‌گفت «این آقا را ببرید با کمال احترام به چوب ببندید!» عبدالله مستوفی درباره ناصرالملک، این گونه داوری می‌کند: «به عقیده من، بزرگترین عیب ناصرالملک یأس از تربیت و به‌راه افتادن ایرانی‌ها بود. این عقیده در هر رئیس دولتی باشد برای تربیت جامعه بسیار مضر است. چنانکه او هم در مدت پنج شش ساله ریاست عالی خود کسی را تربیت نکرد و هیچ اثر قابل ذکری از خود باقی نگذاشت. محیط، او را می‌چرخاند و او اثری در محیط نداشت. مردم هم برخلاف اواخر دوره مجلس اول و تمام دوره استبداد صغیر و اوایل مجلس دوم، که خیلی به او معتقد شده بودند، بعد از این امتحانات دیگر علاقه‌ای نسبت به او اظهار نمی‌کردند. او هم منتظر تمام شدن مدت اختیارات خود بود که به اروپا برود چنان که همین کار را هم کرد و در اروپا ماند تا در اوایل دوره پهلوی به ایران برگشته یکی دو سال آخر عمر را در کنج خانه گذراند.»

در خاطرات خود می‌نویسد: «... در ماه رمضان یکهزار و سیصد و سی، نایب‌السلطنه، ناصرالملک، به اوپان (شهر مرزی فرانسه و سوئیس) آمده برای تغییر آب و هوا و استفاده از آبهای معدنی آن شهر. فاصله این مکان از شهر لوزان با کشتی بیش از نیم ساعت نیست و با این نزدیکی، من مردد بودم از او ملاقات بکنم یا خیر، تا این که از طرف او حسن طلب شد و روزی او را ملاقات کردم. در این دیدار غیر از اظهار ملالت از اوضاع درباری تهران و نفاق رجال دولت و طمعکاری روحانیان، چیزی

دولت، فارغ از کشمکش‌های اعتدالی و دموکرات و درگیری مستمر با نمایندگان مجلس، کارها را اداره کند یا به عبارت دقیقتر امروز را به فردا برساند. بدین جهت است که برخی تاریخ‌نگاران، این دوره را «دوره دیکتاتوری مؤبدانه ناصرالملک» لقب داده‌اند. ناصرالملک تحصیلکرده انگلستان و مردی مبادی آداب بود اما از ابتدا نسبت به امکان استقرار دموکراسی در جامعه آن روزی ایران، به‌نظر تردید می‌نگریست. تجربه‌ای که از دوران حکومت خود در همدان و کردستان داشت، و مقایسه آن با اوضاع کشوری که در آنجا تحصیل کرده بود، چنین تردیدی را در ذهن وی تقویت می‌کرد. در عین حال، از نوع رجال مستبد آن دوره نیز نبود. نوشته‌اند که در کورستان وقتی مقصری را نزد او می‌آوردند می‌گفت «این آقا را ببرید با کمال احترام به چوب ببندید!» عبدالله مستوفی درباره ناصرالملک، این گونه داوری می‌کند: «به عقیده من، بزرگترین عیب ناصرالملک یأس از تربیت و به‌راه افتادن ایرانی‌ها بود. این عقیده در هر رئیس دولتی باشد برای تربیت جامعه بسیار مضر است. چنانکه او هم در مدت پنج شش ساله ریاست عالی خود کسی را تربیت نکرد و هیچ اثر قابل ذکری از خود باقی نگذاشت. محیط، او را می‌چرخاند و او اثری در محیط نداشت. مردم هم برخلاف اواخر دوره مجلس اول و تمام دوره استبداد صغیر و اوایل مجلس دوم، که خیلی به او معتقد شده بودند، بعد از این امتحانات دیگر علاقه‌ای نسبت به او اظهار نمی‌کردند. او هم منتظر تمام شدن مدت اختیارات خود بود که به اروپا برود چنان که همین کار را هم کرد و در اروپا ماند تا در اوایل دوره پهلوی به ایران برگشته یکی دو سال آخر عمر را در کنج خانه گذراند.»

دولت، فارغ از کشمکش‌های اعتدالی و دموکرات و درگیری مستمر با نمایندگان مجلس، کارها را اداره کند یا به عبارت دقیقتر امروز را به فردا برساند. بدین جهت است که برخی تاریخ‌نگاران، این دوره را «دوره دیکتاتوری مؤبدانه ناصرالملک» لقب داده‌اند. ناصرالملک تحصیلکرده انگلستان و مردی مبادی آداب بود اما از ابتدا نسبت به امکان استقرار دموکراسی در جامعه آن روزی ایران، به‌نظر تردید می‌نگریست. تجربه‌ای که از دوران حکومت خود در همدان و کردستان داشت، و مقایسه آن با اوضاع کشوری که در آنجا تحصیل کرده بود، چنین تردیدی را در ذهن وی تقویت می‌کرد. در عین حال، از نوع رجال مستبد آن دوره نیز نبود. نوشته‌اند که در کورستان وقتی مقصری را نزد او می‌آوردند می‌گفت «این آقا را ببرید با کمال احترام به چوب ببندید!» عبدالله مستوفی درباره ناصرالملک، این گونه داوری می‌کند: «به عقیده من، بزرگترین عیب ناصرالملک یأس از تربیت و به‌راه افتادن ایرانی‌ها بود. این عقیده در هر رئیس دولتی باشد برای تربیت جامعه بسیار مضر است. چنانکه او هم در مدت پنج شش ساله ریاست عالی خود کسی را تربیت نکرد و هیچ اثر قابل ذکری از خود باقی نگذاشت. محیط، او را می‌چرخاند و او اثری در محیط نداشت. مردم هم برخلاف اواخر دوره مجلس اول و تمام دوره استبداد صغیر و اوایل مجلس دوم، که خیلی به او معتقد شده بودند، بعد از این امتحانات دیگر علاقه‌ای نسبت به او اظهار نمی‌کردند. او هم منتظر تمام شدن مدت اختیارات خود بود که به اروپا برود چنان که همین کار را هم کرد و در اروپا ماند تا در اوایل دوره پهلوی به ایران برگشته یکی دو سال آخر عمر را در کنج خانه گذراند.»

حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی در خاطرات خود می‌نویسد: «... در ماه رمضان یکهزار و سیصد و سی، نایب‌السلطنه، ناصرالملک، به اوپان (شهر مرزی فرانسه و سوئیس) آمده برای تغییر آب و هوا و استفاده از آبهای معدنی آن شهر. فاصله این مکان از شهر لوزان با کشتی بیش از نیم ساعت نیست و با این نزدیکی، من مردد بودم از او ملاقات بکنم یا خیر، تا این که از طرف او حسن طلب شد و روزی او را ملاقات کردم. در این دیدار غیر از اظهار ملالت از اوضاع درباری تهران و نفاق رجال دولت و طمعکاری روحانیان، چیزی

دولت، فارغ از کشمکش‌های اعتدالی و دموکرات و درگیری مستمر با نمایندگان مجلس، کارها را اداره کند یا به عبارت دقیقتر امروز را به فردا برساند. بدین جهت است که برخی تاریخ‌نگاران، این دوره را «دوره دیکتاتوری مؤبدانه ناصرالملک» لقب داده‌اند. ناصرالملک تحصیلکرده انگلستان و مردی مبادی آداب بود اما از ابتدا نسبت به امکان استقرار دموکراسی در جامعه آن روزی ایران، به‌نظر تردید می‌نگریست. تجربه‌ای که از دوران حکومت خود در همدان و کردستان داشت، و مقایسه آن با اوضاع کشوری که در آنجا تحصیل کرده بود، چنین تردیدی را در ذهن وی تقویت می‌کرد. در عین حال، از نوع رجال مستبد آن دوره نیز نبود. نوشته‌اند که در کورستان وقتی مقصری را نزد او می‌آوردند می‌گفت «این آقا را ببرید با کمال احترام به چوب ببندید!» عبدالله مستوفی درباره ناصرالملک، این گونه داوری می‌کند: «به عقیده من، بزرگترین عیب ناصرالملک یأس از تربیت و به‌راه افتادن ایرانی‌ها بود. این عقیده در هر رئیس دولتی باشد برای تربیت جامعه بسیار مضر است. چنانکه او هم در مدت پنج شش ساله ریاست عالی خود کسی را تربیت نکرد و هیچ اثر قابل ذکری از خود باقی نگذاشت. محیط، او را می‌چرخاند و او اثری در محیط نداشت. مردم هم برخلاف اواخر دوره مجلس اول و تمام دوره استبداد صغیر و اوایل مجلس دوم، که خیلی به او معتقد شده بودند، بعد از این امتحانات دیگر علاقه‌ای نسبت به او اظهار نمی‌کردند. او هم منتظر تمام شدن مدت اختیارات خود بود که به اروپا برود چنان که همین کار را هم کرد و در اروپا ماند تا در اوایل دوره پهلوی به ایران برگشته یکی دو سال آخر عمر را در کنج خانه گذراند.»

دولت، فارغ از کشمکش‌های اعتدالی و دموکرات و درگیری مستمر با نمایندگان مجلس، کارها را اداره کند یا به عبارت دقیقتر امروز را به فردا برساند. بدین جهت است که برخی تاریخ‌نگاران، این دوره را «دوره دیکتاتوری مؤبدانه ناصرالملک» لقب داده‌اند. ناصرالملک تحصیلکرده انگلستان و مردی مبادی آداب بود اما از ابتدا نسبت به امکان استقرار دموکراسی در جامعه آن روزی ایران، به‌نظر تردید می‌نگریست. تجربه‌ای که از دوران حکومت خود در همدان و کردستان داشت، و مقایسه آن با اوضاع کشوری که در آنجا تحصیل کرده بود، چنین تردیدی را در ذهن وی تقویت می‌کرد. در عین حال، از نوع رجال مستبد آن دوره نیز نبود. نوشته‌اند که در کورستان وقتی مقصری را نزد او می‌آوردند می‌گفت «این آقا را ببرید با کمال احترام به چوب ببندید!» عبدالله مستوفی درباره ناصرالملک، این گونه داوری می‌کند: «به عقیده من، بزرگترین عیب ناصرالملک یأس از تربیت و به‌راه افتادن ایرانی‌ها بود. این عقیده در هر رئیس دولتی باشد برای تربیت جامعه بسیار مضر است. چنانکه او هم در مدت پنج شش ساله ریاست عالی خود کسی را تربیت نکرد و هیچ اثر قابل ذکری از خود باقی نگذاشت. محیط، او را می‌چرخاند و او اثری در محیط نداشت. مردم هم برخلاف اواخر دوره مجلس اول و تمام دوره استبداد صغیر و اوایل مجلس دوم، که خیلی به او معتقد شده بودند، بعد از این امتحانات دیگر علاقه‌ای نسبت به او اظهار نمی‌کردند. او هم منتظر تمام شدن مدت اختیارات خود بود که به اروپا برود چنان که همین کار را هم کرد و در اروپا ماند تا در اوایل دوره پهلوی به ایران برگشته یکی دو سال آخر عمر را در کنج خانه گذراند.»

«ادامه دارد»

داخل بینی و لای موها و لای دندانها، همه جا پر شده بود از شن ریزه. شب، شام را میهمان اعلیحضرت ملک فیصل بودیم. اعلیحضرت به سفیرمان فرمودند چون کمی دیر به کاخ پذیرایی خواهیم رسید خوب است اطلاع بدهید. وقتی رسیدیم به آنجا، دیدیم پادشاه و نایب‌السلطنه و نخست وزیر عراق پای پله‌ها ایستاده‌اند. اعلیحضرت، خیلی مؤدب و بسیار وقت شناس بودند. از این پیشامد ناراحت شدند و به قدس نخعی تغییر کردند. نوری سعید پاشا که ترکی و فارسی می‌دانست درصدد رفع و رجوع برآمد و گفت به ما اطلاع داده بودند، با این حال اعلیحضرت ملک فیصل ترجیح دادند زودتر بیاییم پایین.

بعد از صرف شام، سفیرمان - قدس نخعی - اعلیحضرت را به سفارت برد و ما رفتیم به اتاق دیگر و بدون حضور سفیر مذاکرات راجع به پیمان صورت گرفت که همین موضوع به اختلاف پدرم با اعلیحضرت دامن زد.

● به چه دلیل؟

- به دلیل اینکه پدرم اصولا با پیوستن ایران به پیمان بغداد موافق نبود. عقیده داشت که وارد شدن در پیمانهای نظامی به نفع ما نیست و این پیمانها امنیت ما را تضمین نمی‌کند. چنانکه پیمان سعدآباد هم مانع از اشغال ایران در جنگ دوم جهانی نشد. از طرفی وارد شدن در پیمانهای نظامی روابط ما را با همسایه شمالی تیره خواهد کرد در حالی که ما الان کشمکش با روسها نداریم و می‌توانیم در عین دوستی و نزدیکی با غرب، روابطمان را با آنها در حد مطلوبی حفظ کنیم. پدرم به حفظ روابط حسنه با شوروی اهمیت می‌داد و روسها هم از این سیاست استقبال می‌کردند. طلاهای ایران را که روسها تا آخر هم به صدق ندادند، در زمان پدرم و بر اثر مذاکراتی که با آنها صورت گرفت به ایران مسترد داشتند. در آن شرایط، این ژست خوبی از طرف شوروی بود و اهمیت داشت. دو نفر واسطه مذاکرات ایران با شوروی در زمان نخست وزیر پدرم بودند. یکی مرحوم علی اصغر حکمت و دیگری سرلشکر اسماعیل شفیعی که من او را «عموجان» خطاب می‌کردم.

حکمت در کابینه پدرم وزیر مشاور بود. پدرم او را برای وزارت امور خارجه در نظر گرفته بود ولی به تمایل خودش وزیر مشاور شد زیرا حس می‌کرد اعلیحضرت نسبت به او نظر مساعدی ندارد. همینطور هم بود. اعلیحضرت تصور می‌کرد حکمت با رفتار خودش می‌خواهد ایشان را کوچک کند در حالی که مرحوم حکمت واقعا مردی فهمیده و شخصیتی وطن‌دوست و معتقد به نظام پادشاهی بود.

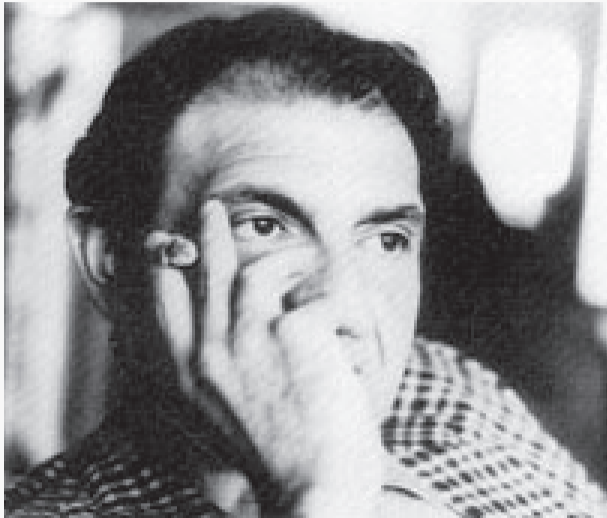
بعد از ترمیم کابینه، حکمت از دولت خارج شد و پدرم او را به سفارت ایران در هند فرستاد چون در هند روسها حضور فعال داشتند و حکمت می‌توانست از آن طریق رابط مذاکرات با مسکو باشد. من وقتی سفیر ایران در آمریکا شدم و پرونده محرمانه مذاکرات ایران و شوروی را مطالعه کردم به اهمیت نقشی که مرحوم حکمت در این مذاکرات داشت پی بردم و دیدم چطور این مرد وطن‌دوست و شرافتمند یک تنه در مقابل هیأت شوروی که قبلا همه مطالعاتشان را کرده بودند با دلایل تاریخی محکم جواب می‌داده است. در مراجعت به تهران جریان را به عرض اعلیحضرت رساندم و تصدیق فرمودند. خلاصه اینکه پدرم به حفظ روابط دوستی با همسایه شمالی و بطور کلی با کشورهای همسایه اهمیت می‌داد و خود من هم در دورانی که مسئولیت وزارت امور خارجه را بر عهده داشتم همین سیاست را دنبال کردم.

علاوه بر مخالفت اصولی با پیوستن به پیمانهای نظامی، پدرم می‌گفت مذاکرات درباره سیاست خارجی کشور باید با نظر دولت از طریق وزارت امور خارجه صورت گیرد و در آمریکا تلگراف تندی به من کرده بود که سرکار چه کاره‌اید که در این مذاکرات شرکت می‌کنید، این مذاکرات را وزیر امور خارجه باید انجام دهد. وقتی تلگراف را خواندم، دلم به حال پدرم سوخت که آنطور سنگ وزیر خارجه را به سینه می‌زد در حالی که وزیر خارجه هم به کسانی پیوسته بود که برضد او اقدام می‌کردند.

ادامه دارد

خاطرات اردشیر زاهدی (۲):

پدرم با پیوستن ایران به پیمان بغداد مخالف بود و این یکی از موارد اختلاف وی با پادشاه بود



جلد اول خاطرات اردشیر زاهدی، وزیر پیشین امور خارجه و داماد محمدرضا شاه که اخیراً انتشار یافت مشتمل است بر یازده فصل، از کودکی تا پایان زمامداری پدر.

اردشیر زاهدی از دو خاندان سیاسی نسب می‌برد. پدرش سپهبد فضل‌الله زاهدی نخست وزیر و شخصیت سیاسی و نظامی دوره پهلوی بود و مادرش، دختر مؤتمن‌الملک (حسین پیرنیا) و نوه میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم عصر قاجار که در دوران صدارت وی فرمان مشروطیت ایران به امضا رسید.

زندگی اردشیر زاهدی یک زندگی پرماجرست و بخشی از این ماجراها در جلد اول کتاب خاطرات وی آمده است.

در بخش یازدهم کتاب، زاهدی از دوره زمامداری پدرش سخن می‌گوید و نقشی که خود او، در ارتباط میان شاه و نخست وزیر برعهده داشت.

این بخش از کتاب را برای صفحه خاطرات و تاریخ برگزیده‌ایم که در چند شماره می‌خوانید.

یادآور می‌شویم که جلد اول خاطرات اردشیر زاهدی در ۷۶۴ صفحه با عکسهای متعدد و اسناد سیاسی توسط انتشارات IBEX در واشنگتن انتشار یافته است.

به دنبال مذاکرات آمریکا، اعلیحضرت با نخست وزیر و مقامات انگلیسی گفتگو کردند و می‌خواستند شخصا پادشاه و نخست وزیر عراق را در جریان مذاکراتشان قرار دهند. آن زمان هنوز هواپیمای بزرگ نداشتیم. نزدیک بیروت که رسیدیم خلبان آمد به من گفت آسمان بغداد طوفانی است و به نظر نمی‌رسد که قادر باشیم در آنجا فرود بیاییم. اعلیحضرت و علیاحضرت خواب بودند. گفتم اعلیحضرت خوابیده‌اند و بيدارشان نمی‌کنیم. شما راهنان را ادامه بدهید، این پیام را هم مخابره کنید به بیروت برای سفیر ایران آقای اتابکی و رئیس جمهوری لبنان آقای کامیل شمعون. مضمون پیام این بود که ممکن است نتوانیم در بغداد به زمین بنشینیم و اجبارا برگردیم به بیروت. از خلبان

علاء و ابتهاج رسید که اصرار داشتند اعلیحضرت هرچه زودتر به تهران برگردند. در آن زمان تحریکاتی علیه پدرم صورت می‌گرفت و مخالفان می‌خواستند به اعلیحضرت القا کنند که زاهدی قصد کودتا دارد. پدرم در تلگراف دیگری، این بار برای من تأکید کرده بود که سفر آلمان ضروری است و شورای سلطنت هم نظر ایشان را تأیید می‌کند. اعلیحضرت و علیاحضرت تریا هم در تل‌دل علاقمند به این سفر بودند. آن زمان مرسوم بود که وقتی اعلیحضرت تشریف می‌بردند به خارج، شورای سلطنت با عضویت نخست وزیر و رؤسای دو مجلس تحت ریاست یکی از برادران پادشاه تشکیل می‌شد ولی بعد، در زمان دکتر اقبال این سنت متروک شد و اعلیحضرت فرمودند شورای سلطنت لزومی ندارد.

و الفت داشتیم. تلفن را که جواب داد راجع به اسب از او سئوالاتی کردم و کمی دستش انداختم. بیچاره متحیر مانده بود که دو ساعت بعد از نیمه شب چرا هوس اذیت کردن او به سرم زده است. وقتی فهمید کجا هستم و از حضور اعلیحضرت و علیاحضرت به او تلفن می‌کنم دود از کله‌اش برخاست. روز بعد یقه مرا گرفته بود و گله می‌کرد که آخر این چه کاری بود کردی! در لندن تلگرافی از پدرم رسید که توصیه کرده بود اعلیحضرت از آلمان هم دیدار کنند. روز بعد، بازدید داشتیم از باغ وحش و در آنجا هم برای من اتفاقی شنیدنی افتاد. در قسمت خزندگان، به قفسی رسیدیم که مار عظیم‌الجثه‌ای در آن نگهداری می‌شد. رئیس باغ وحش توضیح داد که این مار «بوا» خرگوش و امثال آن می‌بلعد و سپس دور تنه

بود و گریس کلی (Grace Kelly) که بعدا با پرنس «رینر» (Rainier) ازدواج کرد و ملکه موناکو شد در میهمانی او با شاه و ملکه ایران آشنا شد. از نیویورک با کشتی «کونین الیزابت» آمدیم به انگلستان. لرد مونت باتن از طرف ملکه انگلستان در «سات همپتون» (Southampton) آمده بود به استقبال. از آنجا با قطار آمدیم به لندن. از ایستگاه «کوینین ویکتوریا» مستقیما رفتیم به سفارت شاهنشاهی در لندن. وینستون چرچیل شامی در مقر نخست وزیری ترتیب داده بود که «کلمنت اتلی» (Clement Atlee) هم جزو میهمانان بود. اتلی در انتخابات از چرچیل شکست خورده و قدرت را به محافظه‌کاران سپرده بود. چرچیل محضر گرمی داشت و وقتی آن دو پیرمرد به سبک انگلیسی با هم سر به



سپهبد زاهدی (نخست وزیر) و شاهنشاه

پرسیدم بنزین جقدر دارید. گفت به اندازه کافی بنزین داریم و تا تهران هم می‌توانیم برویم. گفتم اگر اینطور است پس برنامه پرواز را عجلتا تغییر ندهید تا ببینیم چه می‌شود. هواپیما از نوع DC۶ بود. پیامی هم از طریق برج مراقبت فرودگاه بغداد برای قدس نخعی سفیرمان در عراق فرستادیم که وضعیت از این قرار است و ما می‌ایم، اگر هوا مساعد شد که هیچ، والا مجبوریم برگردیم و این موضوع را به اطلاع دربار و دولت عراق برسانید.

امدیم و خوشبختانه خطری نبود. اجازه نشستن داده شد و فرود آمدیم. در فرودگاه اعلیحضرت ملک فیصل و ملک عبدالاله ولیعهد و همچنین آقای نوری سعید نخست وزیر عراق از اعلیحضرت و علیاحضرت استقبال کردند. برنامه این بود که از آنجا با هلیکوپتر برویم به کربلا و نجف برای زیارت. اما چون هوا مساعد نبود قرار شد با اتومبیل برویم. در طول راه چنان طوفان شالی بود که گاهی تا یک متری جلوی اتومبیل را نمی‌شد دید. رانندگی در آن شرایط واقعا کار خطرناکی بود. انسان وحشت می‌کرد. هرگز چنان چیزی ندیده بودم. وقتی در مراجعت استحمام کردیم توی گوشها و

موضوع دعوت را مرحوم خلیل اسفندیاری با من تلفنی در آمریکا صحبت کرد و به نخست وزیر هم مخابره کرده بود. اما در مورد آلمان هم آن وقت دو نظر وجود داشت. پدرم و بعضی دیگر از اعضای شورا معتقد بودند روابط با آلمان برای ایران حائز اهمیت است در حالی که دیگران می‌گفتند آلمان کشوریست شکست خورده و نقشی در سیاست جهانی ندارد. بالاخره سفر آلمان پابرجا شد. از لندن رفتیم به هامبورگ. از هامبورگ با ترن به کلن رفتیم. یک روز و شب را در کلن گذرانیدیم و از آنجا آمدیم به بادن و مونیخ که در مونیخ، والااحضرت شهناز آمدند و با پدرشان دیدار کردند. این هم باز به توصیه و تأکید پدرم بود که می‌گفت صحیح نیست که پادشاه به اروپا برود و تنها فرزندش را که در آنجا درس می‌خواند نیند.

مذاکرات در بغداد

از آلمان می‌بایستی برویم به بغداد برای مذاکره با ملک فیصل و نوری السعید پاشا راجع به پیمان بغداد که نطفه‌اش در منزل آقای رایشمن در آمریکا بسته شده بود و در انگلستان،

درخت می‌پیچد و استخوانهای حیوان را درون معده خود خرد می‌کند اما در حالت عادی برای انسان خطری ندارد. بعد مار را از قفس بیرون آورده و به اعلیحضرت پیشنهاد کرد که اگر مایلند شخصا آرایش کنند. خواست مار را ببینداز به گردن اعلیحضرت، من جلو رفتم و گفتم نه، ببینداز به گردن من. البته قبلا خواهش کرده بود که وقتی مار را از قفس بیرون می‌آورند عکاسها از فلاش زدن خودداری کنند چون نور فلاش باعث تحریک حیوان می‌شود. مرحوم علی خادم عکاس مطبوعات گویا متوجه این تذکر نشده بود. وقتی مار را روی شانه من قرار دادند خادم فلاش زد و عکس گرفت ولی خوشبختانه مار واکنشی بروز نداد. این عکس همان وقت در مجله تهران مصور به چاپ رسید. مار همانطور که گفتم حرکت ناراحت کننده‌ای نکرد اما بوی زننده عجیبی می‌داد که آن بو تا بیست و چهار ساعت در مشام من باقی ماند و با آن که چندین بار در هتل دورچستر - محل اقامت - دوش گرفتم باز احساس می‌کردم بوی مار زایل نشده است.

در عین حال تلگراف رمزی از طرف

سر می‌گذاشتند و شوخی می‌کردند واقعا دیدنی و شنیدنی بود. اعلیحضرت در سفارت اقامت داشتند و برای من آپارتمانی در هتل دورچستر گرفته شده بود. وقتی در التزام اعلیحضرت و علیاحضرت برگشتیم به سفارت معلوم شد هر دو به شدت گرسنه‌اند چون شام نخست وزیری مختصر و ساده بود. یخچالها و قفسه‌هایی را که مواد غذایی در آنها وجود داشت از لحاظ امنیتی قفل کرده بودند. چه کنیم، چه نکنیم؟ با همان لباس فراک و نشان و غیره سوار شدم، رفتم به هتل دورچستر، انعامی به متصدی کشیک شنبانه دادم و او رفت مقداری نان و پنیر و ژامبون و این جور چیزها پیدا کرد. ساندویچ درست کردیم و برداشتم بردم به سفارت. اعلیحضرت در اتاق خواب تشریف داشتند. علیاحضرت هم آمدند. نشستیم به خوردن. صحبت اسب بود. از اعلیحضرت اجازه خواستم که تلفن کنم به امیرخسرو افشار و کمی سر به سرش بگذارم. امیر خسرو نفر دوم سفارت بود. سفیرمان در انگلستان مرحوم علی سهیلی بود که خانی داشت از نژاد روس و خیلی بامزه. امیرخسرو مثل پسرعموی من بود و با هم خیلی انس

در لس آنجلس چند میهمانی به افتخار اعلیحضرتین داده شد. در آن میهمانی‌ها با ستارگان و هنرپیشگان مشهور هالیوود مثل باربارا استانویک، کیم نواک، گریر گارسون، هامفری بوگارت و همسرش لورن باکال - که خیلی زیبا و دارای چشمهای قشنگی بود - همچنین رابرت تایلور و گاری کوپر آشنا شدیم.

در میهمانی شب سال نو، من با علیاحضرت تریا می‌رقصیدم و همفری بوگارت با لورن باکال. وسط رقص همفری بوگارت نزدیک شد و به من گفت بیا با یک خانم زیبا برقص و لورن باکال را به من سپرد، خودش با علیاحضرت تریا مشغول رقص شد. دوستی من با همفری بوگارت از آنجا شروع شد که به او گفتم پدرم تو را بیشتر از همه هنرپیشه‌های سینما دوست می‌دارم.

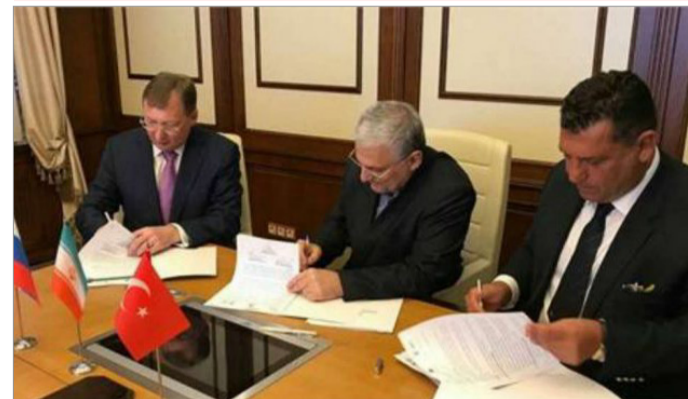
گاری کوپر را بعد دعوت کردیم و آمد به ایران. او در هتل دریند اقامت داشت و بر اثر بیماری سفرش را نیمه تمام گذاشت و برگشت به آمریکا و معلوم شد دچار سرطان شده است.

از لس آنجلس رفتیم به تگزاس. در تگزاس میهمان پایگاه هوایی بودیم. آمریکاییها اصرار و تأکید داشتند که هواپیمایی که اعلیحضرت با آن پرواز می‌کند حتما باید به کپسول اکسیژن مجهز باشد. (هواپیمای بیج کرافت اختصاصی مخزن اکسیژن نداشت) برای اینکه خطر کمبود اکسیژن را نشان دهند، می‌بایستی یک نفر برود توی اتاق مخصوص. چون خانم را اعلیحضرت فرستاده بودند برای بازدید و مطالعه، قرعه فال به نام من افتاد. مرا داخل اتاق در بسته فرستادند و گفتند هر چه می‌بینم یا احساس می‌کنم بنویسم. در این اتاق که شبیه سمبولاتورهای آموزش خلبانی بود به تدریج، مثل اینکه هواپیما اوج بگیرد و روی ارتفاعات پرواز کند، مقدار اکسیژن کم می‌شد به طوری که من دیگر اختیار قلم را نداشتم و دستم در حالت کرخی بالا و پایین می‌رفت. اگر چند دقیقه بیشتر در آنجا مانده بودم حتما نفسم بند می‌آمد.

خلاصه، با این آزمایش اعلیحضرت را متقاعد کردند که هواپیمای ایشان حتما باید کپسول اکسیژن داشته باشد. آنجا به خاطر آمد که یک بار با بیج کرافت اعلیحضرت - همان هواپیمایی که در ۲۵ مرداد با آن از کلاردشت پرواز کردند به بغداد - از تهران می‌رفتیم به شمال. اعلیحضرت خودشان هواپیما را هدایت می‌کردند و خاتم نیز کمک خلبان بود. وقتی آمدیم روی کوههای البرز افتادیم توی ابر غلیظی که مانع دید بود و نمی‌دانستیم کجا هستیم، در شمال البرز هستیم یا در جنوب آن. در حالی که دچار سرگشتگی بودیم یکی از موتورهای هواپیما هم یخ زد و از کار افتاد. خاتم نگران شد. خواست با دست بزند و موتور را به حرکت درآورد. دستش به سختی ضرب دید و زخمی شد. خوشبختانه یک سوراخی وسط ابرها پیدا شد. هواپیما را «دایو» کردیم و آمدیم پایین و متوجه شدیم که آن طرف تونل کندوان هستیم. پرواز را ادامه دادیم به طرف دریا و موتور هم به کار افتاد و آمدیم پایین و نشستیم. در طول این مدت من دایم می‌خندیدم و خیال می‌کردم علامت شجاعت و پردلی است. بعد فهمیدم که خیر، دلیل خنده‌ها کمبود اکسیژن به علت پرواز در ارتفاعات بوده و ربطی به شجاعت نداشته است. البته هواپیمای جت که آمد دیگر این قبیل قضایا منتفی بود.

از تگزاس رفتیم به فلوریدا. آخر هفته را میهمان «رایشمن» از مدیران شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا در پالم بیچ بودیم. سپس به «سایپرس گاردن» (Cypress Gardens) رفتیم که در آنجا جشن و مسابقه اسکی روی آب برقرار بود و خانواده «باب هوب» (Bob Hope) به افتخار اعلیحضرتین میهمانی دادند و از چهره‌های شاخص آن میهمانی یکی هم استر ویلیامز (Esther Williams) قهرمان شای المپیک و ستاره معروف سینما بود. بالاخره برگشتیم به نیویورک. در نیویورک هم باز چند روزی این طرف و آن طرف میهمان شدیم و یکی از این میهمانی‌ها، عصرانه‌ای بود که سرکنسول برزیل در نیویورک ترتیب داد. این سرکنسول قبلا در ایران سفیر

توافق نامه روسیه و ترکیه با سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح برای توسعه میادین نفتی ایران



● طرف ایرانی این توافق شرکت سرمایه گذاری غدیر وابسته به سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح است. ● در مورد سهم طرفین و میزان سرمایه گذاری ها و جزئیات این «توافق نامه همکاری» خبری منتشر نشده است.

دو شرکت «زاروبنفت» روسیه و «یونیت اینترنشنال» ترکیه بر سر مشارکت و سرمایه گذاری در توسعه میدان های نفت و گاز ایران با شرکت «اکتشاف و تولید غدیر» در مسکو توافق نامه همکاری امضاء کردند. طی این توافق شرکت اکتشاف و تولید غدیر به عنوان رهبر مشارکت و سهم سرمایه گذاری هر یک از شرکت ها به میزان مساوی در نظر گرفته شده است. شرکت سرمایه گذاری غدیر از صندوق های سرمایه گذاری زیرمجموعه سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح به شمار می رود. بر پایه این توافق نامه، علاوه بر اینکه امکان سرمایه گذاری مشترک برای فعالیت های توسعه ای میادین نفتی و گازی در داخل و یا خارج از کشور به پیشنهاد هر یک از اعضای مشارکت فراهم است، طرفین توافق کرده اند همه فعالیت های فنی و اقتصادی اجرای طرح های توسعه میدان های نفت و گاز را با همکاری یکدیگر و تشکیل تیم های راهبری فنی-اقتصادی پیگیری کنند. این نخستین توافق نامه سه جانبه مشارکت و سرمایه گذاری میان شرکت های ایرانی و خارجی به شمار

مبارزه با زمین خواران پر زور آسان نیست

فرمانده حفاظت محیط زیست استان تهران می گوید مبارزه با زمین خواران زورمند در مناطق شمال تهران، از اولویت های ما است اما برخورد با زمین خواران سخت است و نیاز به امکانات و اقدامات بیشتری دارد. ما در این سال ها با زمین خواران در محدوده شهرستان شمیران زیاد برخورد داشته ایم و تعداد پرونده هایی که در دادگستری این منطقه در رابطه با تصرف زمین های دولت و مردم تشکیل شده با هیچ منطقه دیگری از ایران قابل مقایسه نیست. میرزا کریمی اضافه کرده شکار و دزدیدن حیوانات اهلی و وحشی نیز در این بخش مشکل دیگر نیروهای حفاظتی است. آدم های پولدار و مرفه برای سرگرمی و تفریح در خانه های خود حیوانات وحشی مانند خرس، سمندر لرستانی، لاک پشت، مار و پرنده های گوناگون نگهداری می کنند و متأسفانه قاچاق وحش در شمیرانات خیلی رایج است و با آنکه محیط بانان ما در بدترین شرایط در زمستان و تابستان مراقب محیط زیست هستند اما هنوز عده ای این حیوانات را اسیر می کنند، می فروشند و یا می کشند و گهگاه پوست خرس، گرگ و پلنگ در خانه ها دیده می شود.

چرا نماینده ایران در سازمان ملل با نماینده اسرائیل زیر یک سقف می نشیند

کشور مسلمان جهان جز جمهوری اسلامی سر نمی زند. به دنبال این ماجرا علی کریمی، فرهاد مجیدی و چند بازیکن و مربی سرشناس دیگر از حاج صفی و شجاعی بازیکنان تیم ملی حمایت کردند و گفتند که این دو نفر به تعهد خود نسبت به باشگاهی که در آن بازی می کنند عمل کرده اند. محمدرضا داورزنی رئیس فدراسیون والیبال و معاون وزارت ورزش روز پنجشنبه گفت دو بازیکن شافل در یونان دیگر در تیم ملی جایی ندارند. وی افزود در سی و هشت سال گذشته ورزشکاران ایران به دلیل خودداری از روبرو شدن با حریفان اسرائیلی حتی مدال طلا را از دست داده اند اما این در حالی است که مهرداد میناوند بازیکن تیم ملی فوتبال در سال ۲۰۰۰ همراه تیم اشتروم گراس اتریش مقابل هاپوئل اسرائیل بازی کرده بود. داورزنی در پاسخ این سوال که واکنش کی روش سرمربی تیم ملی فوتبال چه خواهد بود تأکید کرده تصمیم گیری در چنین مواردی به کی روش ارتباطی ندارد. او گفت: به خاطر این کار در این سال ها بارها از سوی کمیته بین المللی المپیک تحت فشار بوده ایم. در این میان محمد مایلی کهن سرمربی پیشین تیم ملی نیز به طرفداری از شجاعی و حاج صفی برخاسته و گفته است این دو فوتبالیست مجبور بوده اند به تعهد رسمی که به باشگاه سپرده اند عمل نمایند و با تیم اسرائیلی در مسابقات باشگاه های

جنجال بازی شجاعی و حاج صفی مقابل با اسرائیل ادامه دارد

به دنبال اعتراض برخی به بازی مسعود شجاعی و حاج صفی در تیم «پانیوس» یونان مقابل تیم «مکابی» اسرائیل در مسابقه برگشت این دو تیم، وزارت ورزش و امور خارجه جمهوری اسلامی بعد از چند روز تأخیر و به توصیه سازمان های امنیتی مختصری به این خیر و آکنش نشان داده اند. قاسمی سخنگوی وزارت خارجه گفت: وزارت ورزش باید از فوتبالیست های ایرانی که با تیم های خارجی قرارداد امضا می کنند بخواهد در متن قرارداد به نداشتن اجازه بازی مقابل تیم هایی از اسرائیل تأکید کند. به هر حال ما نمی دانیم در قرارداد حاج صفی و شجاعی به این نکته اشاره شده است یا خیر. در اطلاعیه وزارت ورزش نیز آمده است که جمهوری اسلامی با اسرائیل رابطه ندارد و ورزشکاران ایران در رقابت های بین المللی برابر اسرائیل به میدان نمی روند.

رونمایی کتاب «بچه کاشی» ... از صفحه ۵

آلیانس هر چند تحصیلات دانشگاهی در هیچ یک از زمینه های مهندسی و مدیریت با اقتصاد و تولید صنعتی ندارد، ولی با تلاش و پشتکار به جایی می رسد که برای ایراد سخنرانی های تخصصی و راهبردی او را به مراکز علمی-صنعتی و به ویژه دانشگاه منچستر دعوت می کنند. آلیانس در کنار تسلط یافتن بر مدیریت صنعتی، حسابداری را نیز با پیگیری خاص خود از حسابداری فرا می گیرد. در بسیاری از زمینه های نساجی او همواره به دنبال کشف و ابداع بوده است. در کنار انواع تولیدات از پارچه های معمولی، حوله، پوشاک او توانسته پارچه های چتر پرش برای نیروی هوایی بسیاری ممالک و از جمله ارتش بریتانیا تولید کند. کتاب «بچه کاشی» برای عموم خوانندگان از هر سن و سال و بدون توجه به سطح تحصیل، جذاب و مفید است ولی مخاطب اصلی آن نسل های جوان است که امکانات و شرایطی به مراتب بهتر از دوره جوانی آلیانس دارند. شرح زندگی بسیار دشوار او در سال های اولیه ورود به بریتانیا می تواند تاثیر تعیین کننده ای بر ابعاد زندگی جوانان کنونی و آینده داشته باشد از جمله اینکه توقع شان کمتر شود و نقش تلاش و نوآوری و کارآفرینی را به سادگی مشاهده کنند. نویسنده در این کتاب به یک معنا «ده فرمان» نوینی را درباره شیوه زندگی و هدفمندی و کار و تلاش صادر کرده است. از این گذشته، بسیاری از ناگفته های رقابت های اداری، سیاسی، تاریخی، صنعتی و بازرگانی نیز برای اولین بار در این کتاب به صورت شفاف ارائه شده تا به اطلاع نسل های کنونی و آینده برسد. از نکته هایی که برای نخستین بار افشا شده، نقش لرد آلیانس در برنامه ریزی و حمایت از طرح مخاطره آمیز و پر زحمت برای خروج یهودیان رنگین پوست قحطی زده از اتیوپی در زمان حاکمیت رژیم چپ گرای هایله ماریام است که بسیار خواندنی و آموزنده است. مشارکت در امور خیریه و فرهنگی و پزشکی نیز بخش دیگری از واقعیات زندگی و فعالیت های عام المنفعه داود

نکته ظریفی اشاره کرد و آن اینکه رگه های تعلقات شرق و غرب را در این کتاب می توان به وضوح مشاهده کرد. به عبارت دیگر، نگرش لرد آلیانس به کار و زندگی هم متأثر از ارزش های فرهنگی ایران است و هم تحت تاثیر معیارهای حاکم بر محیط و جامعه اروپایی قرار دارد. چنانکه در مقدمه مترجم نیز یادآوری شده، این کتاب از خاطرات فراتر رفته و به یک کتاب آموزشی و راهگشا در زمینه ی تلاش و پشتکار، زندگی و آزادی تبدیل شده است. در مقدمه مترجم کتاب همچنین آمده است: «صراحت و صداقت آلیانس در بیان هنرنمایی ها و پستی و بلندی های زندگی پر ماجرایش باعث شده تا این کتاب را بی اغراق، نمادی از قلمشگری و موفقیت در «فضای آزاد» قلمداد کنیم؛ زیرا به روشنی نمایانگر این اصل است که چگونه توانمندی ها و لیاقت های نهفته انسان می تواند در محیط مناسب شکوفا شده و امکان ظهور یابد». در این کتاب دلایل اعطای لقب «لرد» به داود آلیانس نیز شرح داده شده است. نکته جالب در این زمینه آن است که برای اولین بار در تاریخ این کشور یک مالک صنعتی و کارفرمای بزرگ این لقب را به توصیه اتحادیه های کارگری (که اسناد آن هم در کتاب آمده) به دست آورده است. به دنبال نامه نگاری های فراوان با نخست وزیر وقت، مارگارت تاچر، اتحادیه های سراسری نساجی تقاضا کرده بودند که از طرف ملکه لقب «لرد» به داود آلیانس اعطا شود. نکته دیگر آنکه در زمان تاچر که بریتانیا دستخوش اعتصاب های کارگری زیادی بود، کارگران کارخانه های آلیانس دست به اعتصاب نزنند. یعنی وی همیشه در کنار و همراه با کارگران خود و اساساً مانند آنان کار کرده و از دست زدن به کارهای شاق هیچ ابایی نداشته است. علاوه بر این، وی به وضعیت کار و زندگی کارگران خود همواره رسیدگی کرده و شرایط معیشتی خوبی را برای آنان فراهم کرده است. در یک کلام، هم کار خوب خواسته و هم امکانات خوب در اختیار کارگران خود قرار داده است. بنابراین عجیب نیست که داود آلیانس از نظر عقاید سیاسی، اجتماعی

صد هزار ایرانی در سال سکتة مغزی می کنند

دکتر الهه تقوائی مسئول انجمن سکتة مغزی ایران می گوید: بر اساس آمارها هر پنج دقیقه یک نفر دچار سکتة مغزی می شود و به عبارتی سالانه صد هزار نفر در ایران دچار این عارضه می گردند. از هر پنج نفری که سکتة مغزی به سراغ آنها می آید یک نفر زیر ۵۵ سال دارد. به گفته این خانم دکتر در سال های اخیر علاوه بر این که آمار سکتة مغزی در حال افزایش است، سن ابتلا نیز در حال کاهش است، چون سلول های مغزی برای زنده ماندن به خون و اکسیژن نیاز دارند؛ لذا اگر به دلیل پارگی یا لخته شدن خون در یک یا چند رگ خونی مغز، در مدت کوتاهی به سلول های این بخش حیاتی خون نرسد، سکتة مغزی اتفاق می افتد.

پاسخ سوالات (۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ) از صفحه ۱۳

۱- ۱۹۹۹ میلادی ۲- گدا ۳- حق السکوت یا اخاذی ۴- چهار ۵- ۲۰ کیلومتر ۶- ۲۲/۲۵ ۷- فرشاد عالمیان ۸- گروژنی ۹- عربستان سعودی ۱۰- افسوس.

پاسخ وجه اشتراک اینان همگی در نقش «رومئو» ظاهر شده اند.



و با نظارت سازمان ملل تشکیل شد این حکومت هیچ ابزاری برای بسط نفوذ خود ندارد و خود در محاصره شبه نظامیان در طرابلس است به همین دلیل می خواهد با ژنرال حفتر گفتگو کند که ژنرال حفتر پیش شرط همکاری با این حکومت را برگزاری انتخابات آزاد و منحل کردن گروه های مسلح در طرابلس اعلام کرده است. فرانسه در هفته های گذشته تلاش کرد تا میان حفتر و فایز السراج توافقی ایجاد کند اما هنوز در سطح گفتگو است و رئیس جمهوری فرانسه ضمن دعوت از آنها در پاریس برای میانجگری تلاش می کند. دومین حکومت در طبرق است که بر هلال نفتی نشسته و حفتر در آنجا مستقر است و پارلمان منتخب مردم حکومت موقت را به دست گرفته و از ژنرال حفتر حمایت می کند این پارلمان نیز از سوی سازمان ملل مورد تایید است. سومین حکومت در لیبی حکومت «نجات ملی» است که از اولین پارلمان موقت منحل شده پس از قذافی باقی مانده. این حکومت هیچ گونه وجهه قانونی ندارد اما با توجه به اینکه اغلب افراد آن از اسلام گرایان هستند مورد حمایت گروه های شبه نظامی تندرو است. این پارلمان در کنار حکومت قانونی در طرابلس همچنان باقی است» محمد خالد در پایان این گفتگو با کیهان لندن گفت: «در حال حاضر به دلیل دخالت های کشورهای چون قطر و ترکیه و به دلیل پیچیده بودن بافت قبیله ای در لیبی و وجود گروه های مسلح در مناطق مختلف لیبی و نبود یک نیروی متحد با پایگاه سیاسی قوی که بتواند همه این سه جریان را در خود جمع کند هیچ افقی برای نجات لیبی در آینده نزدیک دیده نمی شود»

به عقیده ی محمد خالد، تنها روزنه امید در لیبی قوت گرفتن بیشتر ژنرال حفتر و حمایت منطقه ای و بین المللی از او برای از بین بردن گروه های مسلح اسلام گراست. ژنرال حفتر تا کنون سه بار مورد سوء قصد قرار گرفته و جان سالم به در برده است. اسلام گرایان او را دشمن خونی خود می دانند. تجربه تاریخ معاصر خاورمیانه نشان داده که هر گاه ارتش کشوری از بین برود ثبات سیاسی در آن کشور ضعیف خواهد شد به همین دلیل اسلام گرایان همه جا اول با ارتش تسویه حساب می کنند. وی تأکید می کند: «برای نمونه در ایران اولین افرادی که توسط اسلام گرایان به جرم فعالیت های سازماندهی سپرده شدند ژنرال های کارکشته ی ارتش ایران بودند. در عراق نیز وقتی آمریکا این کشور را اشغال کرد به راهنمایی و وابستگی اش اولین گامی که برداشت انحلال ارتش عراق بود. در الجزایر اگر در دهه هشتاد ارتش قوی این کشور نبود اکنون کشوری به نام الجزایر وجود نمی داشت. لیبی نیز از این قاعده مستثنا نیست. اسلام گرایان لیبی قبل از سرنگونی قذافی در فکر تصفیه ی ژنرال های ملی گرای پر نفوذ ارتش بودند. یکی از جریان های متهم به قتل ژنرال عبدالفتاح یونس در ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۱ اسلام گرایان هستند که چه دلیلی هنوز ارائه نشده است. اسلام گرایان به کار گرفتن ابزار خشونت برای رسیدن به قدرت را وسیله ای مجاز و موجه می دانند از همین رو وجود ارتش های ملی گرای قوی حامی قانون و دولت مدنی مانع بزرگی در راه تحقق اهداف آنهاست. در مصر اگر شورای فرماندهی نظامی مصر نبود کشور به هرج و مرج کشیده می شد و اگر ژنرال عبدالفتاح السیسی وزیر دفاع در مصر نبود شاید مصر امروز جولانگاه رهبران تروریست ها جهان بود و اخوان المسلمین مانند برادران اسلامی شان در جمهوری اسلامی ایران برای تبدیل شدن به ام القریای اسلامی تمام امکانات کشور و ملت مصر را هدر می دادند».



لیبی؛ مقابله ی سکولاریسم با اسلام گرایی

محمد خالد در ادامه ی گفتگو با کیهان لندن می گوید: «کشورهای عربی قوی منطقه ی شمال آفریقا مانند مصر با تمام قدرت از حفتر حمایت می کنند. ارتش مصر پادگان های اسلام گرایان برای آموزش ارتش خود به حمله ی قانونی و نبود قانون نیاز دارند. وجود ارتشی منظم و نهاد حکومتی قوی مانع تحقق اهداف آنهاست به همین دلیل ارتش ها در کشورهای معاصر عربی که اغلب بعد از استقلال از استعمار با شالوده و انگیزه های وطن پرستانه و ملی گرایانه تاسیس شدند همیشه سد بزرگی در راه تحقق اهداف اسلام گرایان بودند. به همین دلیل اسلام گرایان از ارتش های ملی می ترسند. ارتش و نیروی نظامی منسجم هر کشوری ستون اصلی برای ثبات و امنیت به شمار می رود. دشمنی اسلام گرایان و شبه نظامیان مسلح اسلامی با ژنرال حفتر به همین دلیل است.» به عقیده ی این کارشناس امور لیبی و شمال آفریقا، «اسلام گرایان ژنرال حفتر را خطری بالقوه برای آینده خود می بینند. او در این مدت تنها سدی بود که جلوی توسعه طلبی آنها را گرفت و هلال نفتی شرق لیبی را از کنترل آنها خارج کرد.» از محمد خالد می پرسیم، آیا مردم لیبی به ژنرال حفتر به دیده یک ژنرال قدرت طلب نگاه می کنند یا یک ژنرال نجات دهنده لیبی از گروه های تروریستی؟

کارشناس امور لیبی در پاسخ می گوید: «با توجه به نظامی بودن ژنرال حفتر ابتدا اغلب لیبی ها به دیده شک و تردید به وی نگاه می کردند اما به مرور زمان و با بر ملا شدن چهره واقعی اسلام گرایان و تقسیم مناطق لیبی به چند حکومت بر اساس نفوذ توسط آنها، مردم نظرشان به ژنرال حفتر عوض شد به طوری که اکنون اغلب لیبیایی ها به وی به عنوان تنها کسی که می تواند در برابر تروریست های اسلامی بایستد، نگاه می کنند. ژنرال حفتر در میان قبایل شرق لیبی جایی که نفت وجود دارد بسیار محبوب است. در طرابلس با وجود شبه نظامیان و دولت قانونی که جامعه بین المللی به آن اعتراف کرده اما بارها مردم به نفع حفتر راهپیمایی کرده و پلاکاردهایی به حمایت از او بلند کردند. مناطق زنتان و قبایل در جنوب لیبی نیز با او هستند. در واقع اکثر لیبیایی ها حفتر را به عنوان یک جایگزین خوب به حساب می آورند. علاوه بر قبایل، تمام افسران باقی مانده از ارتش سابق لیبی با ژنرال حفتر هستند».

مصر، امارات و عربستان سعودی از حفتر حمایت می کنند

این کارشناس لیبی در ادامه ی گفتگو با کیهان لندن گفت: «در حال حاضر سه حکومت کاملا مجزا در لیبی هست: اول حکومت السراج که بر اساس توافق صخیرات در مراکش

از شکم اخوان المسلمین زاییده شدند. در ایران نیز فداییان اسلام و خمینی تحت تاثیر آنها قرار داشت و به فکر حکومت اسلامی افتاد.» محمد خالد توضیح می دهد که «اسلام گرایان برای تحقق آرمان خود به حمله ی قانونی و نبود قانون نیاز دارند. وجود ارتشی منظم و نهاد حکومتی قوی مانع تحقق اهداف آنهاست به همین دلیل ارتش ها در کشورهای معاصر عربی که اغلب بعد از استقلال از استعمار با شالوده و انگیزه های وطن پرستانه و ملی گرایانه تاسیس شدند همیشه سد بزرگی در راه تحقق اهداف اسلام گرایان بودند. به همین دلیل اسلام گرایان از ارتش های ملی می ترسند. ارتش و نیروی نظامی منسجم هر کشوری ستون اصلی برای ثبات و امنیت به شمار می رود. دشمنی اسلام گرایان و شبه نظامیان مسلح اسلامی با ژنرال حفتر به همین دلیل است.» به عقیده ی این کارشناس امور لیبی و شمال آفریقا، «اسلام گرایان ژنرال حفتر را خطری بالقوه برای آینده خود می بینند. او در این مدت تنها سدی بود که جلوی توسعه طلبی آنها را گرفت و هلال نفتی شرق لیبی را از کنترل آنها خارج کرد.» از محمد خالد می پرسیم، آیا مردم لیبی به ژنرال حفتر به دیده یک ژنرال قدرت طلب نگاه می کنند یا یک ژنرال نجات دهنده لیبی از گروه های تروریستی؟

کارشناس امور لیبی در پاسخ می گوید: «با توجه به نظامی بودن ژنرال حفتر ابتدا اغلب لیبی ها به دیده شک و تردید به وی نگاه می کردند اما به مرور زمان و با بر ملا شدن چهره واقعی اسلام گرایان و تقسیم مناطق لیبی به چند حکومت بر اساس نفوذ توسط آنها، مردم نظرشان به ژنرال حفتر عوض شد به طوری که اکنون اغلب لیبیایی ها به وی به عنوان تنها کسی که می تواند در برابر تروریست های اسلامی بایستد، نگاه می کنند. ژنرال حفتر در میان قبایل شرق لیبی جایی که نفت وجود دارد بسیار محبوب است. در طرابلس با وجود شبه نظامیان و دولت قانونی که جامعه بین المللی به آن اعتراف کرده اما بارها مردم به نفع حفتر راهپیمایی کرده و پلاکاردهایی به حمایت از او بلند کردند. مناطق زنتان و قبایل در جنوب لیبی نیز با او هستند. در واقع اکثر لیبیایی ها حفتر را به عنوان یک جایگزین خوب به حساب می آورند. علاوه بر قبایل، تمام افسران باقی مانده از ارتش سابق لیبی با ژنرال حفتر هستند».

و حکومت طالبان افغانستان می دانند. برخی نیز دلایل شکست آنها را در وجود مناسبات قبیله ای محکم در میان لیبیایی ها دانسته اند. گرایش ناسیونالیستی عربی این قبایل از اندیشه اسلام گرایی آنها قوی تر است. به این ترتیب ائتلاف های سیاسی این قبایل بر اساس همین مبنا تشکیل می شد و در نهایت تأثیری سرنوشت ساز بر روند انتخابات گذاشت. همچنین دلیل دیگر، سرکوب اسلام گرایان در زمان قذافی یکی از دلایل ضعیف بودن آنها در لیبی بود. معمر قذافی در دوران حکومت خود با سرکوب گروه های اسلام گرا مانع شکل گیری و نمو آنها شده بود. ساختار گروه های اسلامی در لیبی با کشورهای مصر و تونس و مغرب همیشه متفاوت بوده است. در دوران قذافی فعالیت های گروه های اسلامی مشاهده شد و بستری برای تقویت جایگاه اسلام گرایان در لیبی در دوران او وجود نداشت اما در مصر، تونس و مغرب همواره اخوان المسلمین فعالیت آزاد داشتند.

جنگ اسلام گرایان با ژنرال خلیفه حفتر

محمد خالد کارشناس امور لیبی و کشور شمال آفریقا

محمد خالد خبرنگار و کارشناس متخصص در امور لیبی و کشورهای شمال آفریقا دلیل جنگ اسلام گرایان با ژنرال خلیفه بلقاسم حفتر را در گفتگویی با کیهان لندن این گونه بیان می کند: «مشکل اسلام گرایان این است که قاعده و بازی دمکراسی را قبول ندارند یا حتی اگر آن را به ناچار قبول کنند تنها برای رسیدن به قدرت آن را می پذیرند اما به محض اینکه از صندوق های رای سر بر آورند تلاش می کنند که نقشه ی اجرا و تطبیق شریعت را که همیشه در اندیشه و فکر و ذکر آنهاست در جامعه پیاده کنند. پیاده کردن شریعت یعنی نقض حقوق سیاسی و اجتماعی همه کسانی که خواستار حاکمیت قانون و جامعه مدنی هستند. اسلام گرایان همواره در رویارویی با اندیشه و منطق سکولارها کم می آورند بنا بر این برای تحقق اهداف خود به زور و سرکوب متورخ و متخلفان خود می پردازند. در تاریخ معاصر شاهد ترور بسیاری از شخصیت های سکولار در مصر و تونس و لیبی بودیم. گروه اخوان المسلمین مصر اولین گروهی بودند که ترورهای سیاسی را انجام دادند. این گروه انور سادات را نیز در مصر ترور کرد و قتل از آن برای ترور عبدالناصر نیز تلاش کرده بود. در نهایت گروه القاعده و دیگر جنبش های اسلام گرای جهادی

بود. مخالفان قذافی در اولین دولت انتقالی در مورد پایان مرحله نظام قذافی در لیبی متفق بودند اما بر روی نوع حکومت و رهبران آینده و جهت گیری آن به شدت اختلاف داشتند. امروز با گذشت ۶ سال از سرنگونی دیکتاتوری در لیبی هنوز هم یک نظام سیاسی واحد در این کشور مستقر نشده است.

مشکل لیبی از کجاست؟

اوضاع لیبی بی شباهت به وضعیت عراق، مصر، یمن، سوریه و تونس نیست. حکومت دیکتاتوری که سالیان طولانی بر حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور سایه انداخته بود، امکان فعالیت مستقل سیاسی و شکل گیری احزاب یا شخصیت های مستقل غیرمرتبط با حاکمیت را به شدت محدود کرده بود به همین دلیل چهره های حکومت انتقالی پس از قذافی از سیاستمدارانی تشکیل شد که از خود نظام جدا شده بودند. سیاستمدارانی مانند مصطفی عبدالجلیل، محمود جبریل و عبدالرحمن شلقم که تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۱۱ با تعدادی از مخالفان لیبی «شورای ملی لیبی» را برای حکومت انتقالی پس از سقوط قذافی تاسیس کردند. اعضای این شورا بعد از ۵ مارس ۲۰۱۱ مصطفی عبدالجلیل را به عنوان رئیس این شورا انتخاب کردند. اسلام گرایان از همان ابتدا با مصطفی عبدالجلیل و دکتر محمود جبریل به مخالفت برخاستند. اما با این حال در انتخابات موفق به شکست آنها نشدند.

شکست اسلام گرایان در انتخابات لیبی پس از قذافی

هنگامی که اخوان المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری مصر بعد از مبارک، و در انتخابات پارلمانی تونس و مغرب پیروز شدند، خیلی از کارشناسان سیاسی شمال آفریقا بر این باور بودند که در لیبی نیز اسلام گرایان پیروز خواهند شد اما چنین نشد بلکه آنها در برابر نیروهای لیبرال و سکولار لیبی شکست خوردند.

در اولین انتخابات آزاد پس از دوران قذافی، احزاب لیبرال حامی دکتر محمود جبریل، نخست وزیر منتخب شورای انتقالی لیبی، توانستند اکثریت آرا را در مناطقی که گروه اخوان المسلمین و دیگر احزاب تندرو در آن نفوذ داشتند، به دست بیاورند. برخی تحلیلگران سیاسی شکست اسلام گرایان در لیبی را نتیجه بدنامی ناشی از عملکرد آنها در سطح بین المللی و همچنین تجربه تلخ اداره برخی کشورها توسط رژیم های اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران

● «اسلام گرایان برای تحقق آرمان خود به حمله ی قانونی و نبود قانون نیاز دارند. وجود ارتش منظم و نهاد حکومتی قوی مانع تحقق اهداف آنهاست.»

● «در ایران اولین افرادی که توسط اسلام گرایان به جرم فعالیت های کارکنشده ارتش ایران بودند. در عراق نیز وقتی آمریکا این کشور را اشغال کرد به راهنمایی و وابستگی اش اولین گامی که برداشت انحلال ارتش عراق بود. در الجزایر اگر کشور نبود اکنون کشوری به نام الجزایر وجود نمی داشت. لیبی نیز از این قاعده مستثنا نیست. اسلام گرایان لیبی قبل از سرنگونی قذافی در فکر تصفیه ی ژنرال های ملی گرای پر نفوذ ارتش بودند.»

موسی شریفی - سرنوشت سیاسی کشور لیبی پس از استقلال از سلطه استعمار ایتالیا، مانند برخی کشورهای عربی، همچون عراق، مصر و یمن با رژیم های نظامی گره خورد. کشور لیبی در سال ۱۹۵۱ به استقلال رسید و محمد ادریس السنوسی به عنوان پادشاه این کشور بر کرسی قدرت تکیه زد اما نظام پادشاهی این کشور طول نکشید و با کودتای سرهنگ معمر قذافی در سال ۱۹۶۹ نظام پادشاهی از این کشور برچیده شد.

بنغازی پایتخت لیبی، ژوئیه ۲۰۱۷ لیبی با رهبری قذافی مانند اغلب کشورهای عربی با نظام «جمهوری» نه تنها نتوانست قوانین جامعه مدنی و دمکراسی را نهادینه کند بلکه آزادی هایی که در زمان پادشاهی سنوسی در لیبی وجود داشت نیز از بین رفت. سرهنگ معمر قذافی که علیه سنوسی کودتا کرد، تحت تاثیر افکار ناسیونالیستی جمال عبدالناصر پدر ناسیونالیسم معاصر جهان عرب، خود را رهبری بی همتا می دانست و بر اساس این باور نوعی رژیم دیکتاتوری مطلق در لیبی تاسیس کرد. اوربانا فالاجی خبرنگار پراوژه ایتالیایی و نویسنده کتاب مشهور «صاحبه با تاریخ» در باره قذافی می گوید او دیکتاتوری مطلق و خودشیفته بود. فالاجی در پایان مصاحبه ای که با قذافی انجام داد از او پرسید «آیا به خدا اعتقاد دارید؟» و قذافی جواب داد: «مسئله ما، چرا این سؤال را از من می پرسید؟» فالاجی در جواب او گفت: «فکر کردم در جواب بگویم، من خود خدا هستم!»

قذافی از سال ۱۹۶۹ تا سال ۲۰۱۱ رهبری مطلق لیبی را در دست داشت. او چنان دیکتاتوری مطلق و فراگیر در این کشور حاکم کرد که همه ی نهادهای کشوری و لشکری لیبی از جمله ارتش و پلیس به شخص او گره خوردند به طوری که با سرنگونی نظام قذافی دولت (state) این کشور متلاشی شد. بدین کشته شدن قذافی و دفن پیکرش در جایی نامعلوم در قلب صحرای این کشور، لیبی در مسیر سیاسی پر فراز و نشیبی قرار گرفت، مسیری که به دلیل تجربه سیاسی ۴۰ ساله قذافی در دور نگاه داشتن مردم لیبی از ابتدایی ترین اصول دمکراسی و مدنیت بسیار دشوار تر شد. سقوط رژیم قذافی به دست انقلابیون و به کمک نیروی نظامی ناتو لرزه بزرگی برای پیکره سیاسی لیبی بود که پس از ده های آن پس از ۶ سال هنوز هم این کشور را تکان می دهد. با سقوط قذافی در سایه رشد و نمو اسلام گرایی در منطقه، ایجاد یک الترناتیو یا جایگزین مناسب و معتقد به دمکراسی کار بسیار دشواری